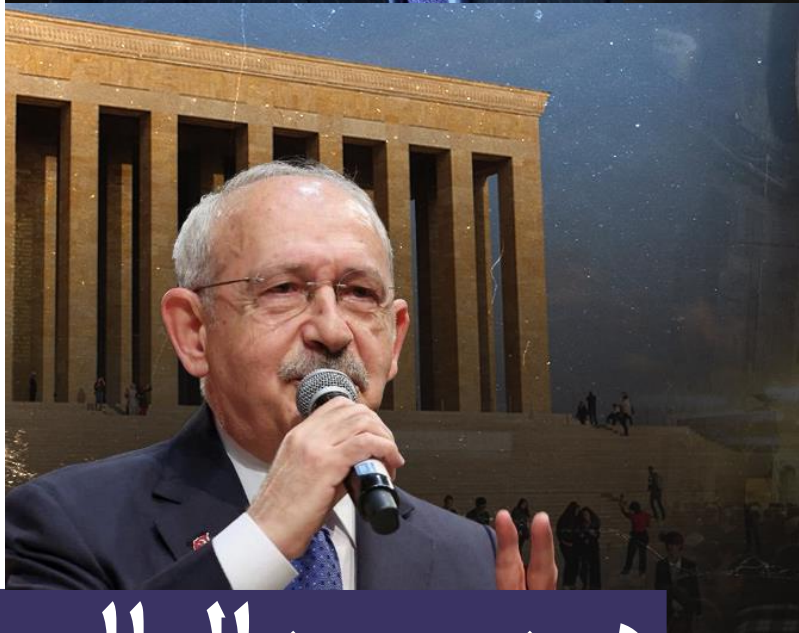




دین و بین الملل

رصد ماهانه | شماره بیست و چهارم
اردیبهشت ۱۴۰۲



۲۴

ماهنامه دین و بین الملل

شماره بیست و چهارم | اردیبهشت ۱۴۰۲



دولت-ملت‌ها، همیشه گرفتار مرزهای خاکی بوده‌اند. اینکه «ملت»‌ها مجبور باشند تا «خود» را در جغرافیایی دویبعدی از «دیگری» جدا کنند می‌تواند از پیامدهای عرفی شدن مفروط حیات بشر در عصر جدید تلقی گردد.

به‌عکس، «دین» در گستره تاریخی آن مستحکم‌ترین عامل «تعریف» آدمیان از «خود» جمعی»‌شان بوده است. اگر هویت‌های لخت جغرافیایی می‌توانند در دولت-ملت‌های مدرن متمثل شوند عجیب نیست هویت‌های سخت ایمانی را نیز در کالبد امامت-امت بازشناسیم.

درگذر تاریخ تا به امروز، امامت امت‌های دینی به‌دست شخصیت‌هایی بوده است که از طریق حکم و حکمت توده پیروان را سیاست کرده و بازیگرانی مهم در تعیین‌بخشی به حوزه عمومی بوده‌اند. این شخصیت‌ها را صرف‌نظر از آنکه گاه حقیقی‌اند (چون علما) و گاه حقوقی (چون سازمان‌های دینی)، «نهاد دین» تعبیر کرده‌ایم تا اشارتی باشد بر نقاط تکیه تأثیرگذاری بر جریان امر قدسی در میان توده‌ها.



اندیشکده مرصاد

مرکز ارتباط دین و بین الملل حوزه‌های علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین و بین الملل



شماره بیست و چهارم

اردیبهشت ۱۴۰۲



ماهنامه دین و بین الملل

تهیه و تدوین: مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه

با همکاری اندیشکده راهبردی مرصاد

ناظر علمی: سید مفید حسینی کوهساری

سر دبیر: علی امیرخانی

آدرس: قم، جمکران، بلوار انتظار، مجتمع دارالولایه،

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، طبقه ۳

مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۴۰

فاکس: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۲۸

آدرس پایگاه اطلاع رسانی: www.hawzah-ird.ir

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۹
- بخش اول: اخبار ۱۱
- سفر قریب الوقوع شیخ الازهر به عراق و دیدارش با آیت الله سیستانی ۱۲
- حزب العمل الاسلامی اردن: تحویل سلاح به فلسطین یک تکلیف شرعی و
یک وظیفه ملی است ۱۳
- جنجال توثیت یک واعظ کویتی در رابطه با مسجدالاقصی و
مسجدالحرام ۱۵
- مقام سعودی: ائمه جماعات ریاض فقط به سبک نجدی قرآن بخوانند ۱۶
- عصبانیت رهبر القاعده از توافق ایران و عربستان ۱۸
- عید فطر جنجالی در لیبی ۱۹
- پیشنهاد تشکیل یک شورای فقهی جهانی برای حل مسئله طلاق شفاهی توسط
شیخ الازهر ۲۱
- تبعیض علیه زنان محببه بار دیگر در مصر جنجال آفرید ۲۴
- پایان نامه جنجالی دانشجوی مراکشی در مورد صحیح بخاری ۲۶
- حمله تروریستی به مدرسه شیعیان پارانچار ۲۷

- رهبر جمعیت علمای اسلام پاکستان: اسلام آباد تسلیم توطئه سازش با اسرائیل نمی‌شود ۲۹
- یک تبعه چینی به اتهام توهین به مقدسات در پاکستان دستگیر شد ۳۰
- حمایت اجباری از همجنس‌گرایی؛ محرومیت پنج بازیکن مسلمان در لیگ فوتبال فرانسه ۳۳
- اعتراض شدید مسیحیان فلسطینی به محدودیت‌ها علیه شرکت‌کنندگان در مراسم شنبه مقدس ۳۶
- رهبر فرقه «گرسنگی» در کنیا: حداقل ۱۰۰۰ نفر از پیروانم به ملاقات با عیسی رفته‌اند ۳۸
- زلزله میانجیگری پاپ را نپذیرفت ۴۰
- پاپ فرانسیس برای نخستین بار در جلسه اسقف‌ها به زنان حق رای داد ۴۱
- هشدار «کمپته اسلامی-مسیحی» درباره طرح تبدیل کلیسای باب‌الرحمه به «کنیسه یهودیان» ۴۳
- پاپ فرانسیس اولین پایی که از مغولستان بازدید می‌کند ۴۵
- شکایت مسلمانان هلندی از دولت این کشور در سازمان ملل ۴۷
- کابینه نتانیاهاو به زودی قانون «برق حلال» را تصویب خواهد کرد ۵۰
- واکنش انجمن جن‌گیران به یک فیلم ۵۱
- اخبار کوتاه ۵۴

بخش دوم: پرونده‌ها ۵۵

جریان‌های مذهبی در انتخابات ترکیه ۵۶

جماعت اسماعیل آقا رسماً تصمیم خود را برای حمایت از اردوغان اعلام کرد

..... ۵۶

نگاهی متفاوت به کنشگری سیاسی جماعت‌های دینی در انتخابات ترکیه. ۵۸.

اسلام‌گرایی و انتخابات ترکیه؛ مسأله دین و آزادی چقدر برای دو طرف

اهمیت دارد؟ ۶۸

اردوغان و اسلام‌گرایان مخالف! ۷۶

سرکوب مذهبی در بحرین ۸۰

تصرف حکومتی زمین موقوفه حسینی‌ها شیعیان در بحرین ۸۰

آیت الله غریفی تسلط نامشروع بر موقوفات بحرین را محکوم کرد ۸۲

دستگیری شیخ علی العویناتی به محض ورود به بحرین ۸۳

بازداشت مداح شیعه به دلیل همبستگی با فلسطین ۸۴

جنگال‌ها بر سر تغییر برنامه‌های درسی در بحرین «پس از عادی‌سازی روابط

با رژیم صهیونیستی» ۸۵

اسلام‌ستیزی در هند؛ از سینما تا مدرسه ۸۸

تمجید نخست وزیر هند از «کرالا»؛ بلیط ارزان برای فیلمی علیه

مسلمانان ۸۸

- رشد جمعیت هند و چالش اثبات شهروندی مسلمانان در این کشور ۹۰
- موج فزاینده اسلام‌هراسی در شبکه‌های اجتماعی هند ۹۳
- مسلم کردن شبه نظامیان هندو: طرح دولت افراطی هند علیه مسلمانان کشمیر ۹۸
- برچیدن نمازخانه موقت مسلمانان در حیدرآباد با اعتراض هندوهای افراطی ۱۰۵
- هند، تاریخ حاکمان مسلمان را از کتاب‌های درسی حذف کرد ۱۰۷
- اسلام‌هراسی در غرب ۱۰۸
- افزایش نگران کننده آزار کودکان مسلمان در آمریکا ۱۰۸
- پشت پرده جدا کردن کودکان مسلمان از خانواده‌ها در کشورهای اروپایی ۱۱۳
- شیوه‌ها و ترفندهای راست‌گرایان افراطی برای نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان ۱۱۷
- برخورد تبعیض‌آمیز موسسات مالی هلند درخصوص مسلمانان ۱۲۴
- عملیات فرانسه علیه مسلمانان مایوت ۱۲۵
- آذربایجان: محاکمه به دلیل بردن فرزندان خود به جشن میلاد حضرت فاطمه(س) ۱۳۰
- بخش سوم: تحلیل‌ها** ۱۳۵
- ظهور واتیکان شیعه در عراق ۱۳۶

عادی سازی عادی نمی شود؛ حمله به صهیونیست ها در کنیسه ای در تونس ۱۴۲

نگاه و استراتژی طالبان در مقابل سلفیت ۱۵۲

تاج گذاری چارلز سوم؛ پیوند با آسمان حتی اگر کسی باور نکند ۱۵۶

بخش چهارم: گزارش ها..... ۱۶۳

بهره برداری انگلیس از الازهر برای نفوذ در جهان اسلام ۱۶۴

آیا امارات اولین کشور خلیج فارس خواهد بود که قمار را قانونی می کند؟ ۱۷۲

طلوعی جدید برای اسلام سیاسی؟ ۱۷۶

منشورات ۱۸۲

معرفی کتاب الانساق الاصلاحیه الاسلامیه المعاصره: درسه فی بنیه العقل الحركی ۱۸۳

پیشگفتار

بی شک تعامل مراکز علمی و دانشی در سراسر جهان امری متداول و پسندیده است و برای مراکز آورده‌ها و ثمرات و برکات خوبی در پی دارد. در این میان تعامل و تبادل امور علمی و دانشی به ویژه در ساحت دین میان مراکز علمی و دینی جهان با تاکید بر حوزه‌های علمیه به خصوص حوزه‌های علمیه جهان تشیع امری ضروری است.

شیوه و قالب تعامل و همکاری و ارتباط باید به صورت مشترک باشد. به این صورت که در عرصه‌های مشترک با سایر حوزه‌های علمیه جهان وارد همکاری‌های علمی و دینی شوند و ضمن حفظ استقلال هر یک، حوزه‌های کلان همکاری و هماهنگی در تولید علم و پاسخگویی به نیازها، در راستای افزایش همکاری‌ها و انتقال تجربیات و تقویت یکدیگر و بهره‌برداری از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی، تبلیغی، تربیتی، مدیریتی همدیگر را تقویت و غنا ببخشند.

حوزه‌های علمیه جهان تشیع در راستای اتحاد جهانی حوزه‌ها و مراکز دینی و علمی به ویژه در ساحت‌های مدیریت، سیاست‌گذاری و راهبری علم و جریان تولید دانش، عملیات اجرای تولید دانش داشته باشیم. در هر سه ساحت، حوزه علمیه مقدس قم دارای ظرفیت‌های مناسبی است و مایل است که تجربیات و دست آوردهای خود را در اختیار سایر مراکز و حوزه‌های علمیه و دینی جهان

اسلام به اشتراک بگذارد و از تجربیات و دست آوردهای مراکز دیگر اسلامی در سراسر جهان بهره ببرد .

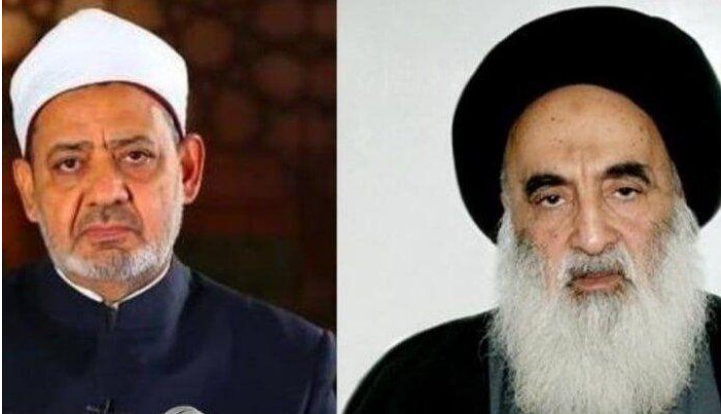
در میان حوزه‌های علمیه شاخص جهان تشیع نام حوزه علمیه نجف اشرف و حوزه علمیه قم به عنوان حوزه‌های عالم پرور و مرجع ساز می‌درخشد، بی‌تردید تعامل و هم اندیشی میان این دو حوزه بزرگ تشیع می‌تواند باعث تقویت مسلمانان و اعتلای فرهنگ اسلام و تشیع در جهان گردد.

سید مفید حسینی کوهساری



بخش اول: اخبار

سفر قریب الوقوع شیخ الازهر به عراق و دیدارش با آیت الله سیستانی



«احمد الطیب» شیخ الازهر مصر در ماه جولای به عراق سفر و با آیت الله سیستانی دیدار و گفت و گو خواهد کرد.

«خالد قنذیل» عضو مجلس سنای مصر با بیان این موضوع گفت که احمد الطیب در سفرش به عراق با آیت الله سیستانی مرجع عالی شیعیان در عراق نیز دیدار خواهد کرد.

به گزارش بغداد الیوم، قنذیل در سخنان خود در مجمع بحر العلوم گفت: شیخ الازهر طبق تاریخ مقرر به دیدار آیت الله سیستانی خواهد رفت. وی افزود: این سفر به دلیل اهمیت بالای حوزه نجف و الازهر در مسایل دینی و اجتماعی و اعتدال در جهان اسلام است.

بیشتر هم منابع آگاه از سفر احمد الطیب به عراق برای دیدار با مرجع عالیقدر شیعیان عراق خبر داده بودند و تأکید کردند که این سفر در جولای آینده صورت خواهد گرفت.^۱

حزب العمل الاسلامی اردن: تحویل سلاح به فلسطین یک تکلیف شرعی و یک وظیفه ملی است



مراد العضایله دبیرکل حزب «جبهه العمل الاسلامی» (بزرگترین حزب اردنی) از اقدامات عماد العدوان، نماینده پارلمان اردن در تلاش برای تحویل سلاح به فلسطین برای مقاومت در برابر اشغالگری استقبال کرد.

مراد العضایله دبیرکل حزب «جبهه العمل الاسلامی» (بزرگترین حزب اردنی) از اقدامات عماد العدوان، نماینده پارلمان اردن در تلاش برای تحویل سلاح به فلسطین برای مقاومت در برابر اشغالگری استقبال کرد.

^۱ <https://www.irna.ir/news/۸۵۱۰۰۷۷۸/>

العضایله در توییتی نوشت: که تا زمانی که سرزمین فلسطین اشغال شده است، تحویل سلاح به فلسطین یک وظیفه قانونی و یک ضرورت ملی است. وی تأکید کرد که این وظیفه دولت اردن است که به دنبال آزادی فلسطینی‌ها و سایر زندانیان اردنی در زندان‌های اشغالی باشد.

منابع اردنی و اسرائیلی فاش کردند که مقامات اشغالگر رژیم صهیونیستی یک نماینده اردنی را به اتهام تلاش برای قاچاق مقادیر زیادی سلاح و طلا از طریق پل «ملک حسین» معروف به «النبی» در رژیم صهیونیستی دستگیر کردند. ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی عبری پخش شد که شامل توقیف سه کیسه حاوی انواع سلاح‌های سنگین و سبک و ۱۰۰ کیلوگرم طلا بود.

یک منبع اردنی اعلام کرد که دولت به طور رسمی از دستگیری نماینده اردنی توسط مقامات اشغالگر رژیم صهیونیستی به اتهام تلاش برای قاچاق اسلحه مطلع شده است.

به گزارش رسانه‌های اردنی، این منبع گفت که دولت در حال بررسی مکانیسمی برای مقابله با این موضوع بر اساس کانال‌های ارتباطی با طرف رژیم صهیونیستی است.

همچنین خلیل عطیه، نماینده اردنی در بیانیه‌ای گفت: که اشغالگران یکی از همکاران او را بازداشت کرده‌اند. وی خواستار اقدام فوری برای آزادی او شد و دولت اردن را مسئول هرگونه کوتاهی در آزادی این نماینده پارلمان دانست.^۱

^۱ <https://qudspress.com/۴۲۲۴۹/>

جنجال توئیت یک واعظ کویتی در رابطه با مسجد الاقصی و مسجد الحرام



طارق السويدان، واعظ کویتی، پس از آنکه در توئیتی از خداوند خواست مسجد الاقصی و مسجد الحرام را آزاد کند، مورد خشم کاربران عربستانی قرار گرفت و در نهایت مجبور به حذف کردن توئیت خودش شد.

السويدان در توئیت خود نوشته بود: مسجد الحرام و

مسجد الاقصی دو برادر هستند که با وحی و نور و برکات شب قدر گرد هم آمده‌اند. از خداوند سبحان می‌خواهیم که آنها را به زودی، آزاد گرداند تا بتوانیم در آنها به راز و نیاز با خدا بپردازیم.

السويدان پس از حمله گسترده کاربران عربستانی به وی، توئیت خود را حذف کرد و توئیتی را منتشر کرد که در آن توضیح داد: جهت اطلاع شما توئیتی که حذف شده توسط من نوشته نشده بود بلکه توسط برادران مدیریت صفحه مندر توئیت‌ر نوشته شده و اشتباه فاحشی بوده است و از شما عذرخواهی می‌کنم.

السويدان يکي از وعاظي است که مدام مورد هدف رسانه‌های سعودی و حساب‌های حامی دولت عربستان قرار می‌گیرد و با وجود موضع صریح خود در نفی تروریسم، معمولاً او را با خشونت و افراطی‌گری مرتبط می‌کنند.^۱

مقام سعودی: ائمه‌جماعات ریاض فقط به سبک نجدی قرآن بخوانند



عبداللطیف آل‌الشیخ، وزیر امور اسلامی و تبلیغات و ارشاد اسلامی در عربستان سعودی به ائمه‌جماعات مساجد در شهر ریاض، پایتخت این کشور درباره پایبند نبودن به تلاوت نجدی در قرائت قرآن کریم هشدار داد. آل‌الشیخ در اظهاراتی گفت: تلاوت نجدی سبکی بسیار متمایز و خاص بوده که به روح و روان نزدیک است و نزد مردم نجد مخصوصاً شهر ریاض معروف

طارق-السويدان-یحذف-تغریده-عن-<https://arabi۲۱.com/story/۱۵۰۷۵۷۷/> الحرم-أثارت-غضباً-سعودياً-ويوضح

بوده و بسیار قدیمی است. به نظر من بسیار مناسب است که آن را احیا کنیم تا از بین نرود بخصوص که روند حذف و ناپدید شدن آن شروع شده است. او افزود: از همه ائمه مساجد در ریاض خواسته شد که به قرائت نجد قرآن را تلاوت کنند. ما فقط از ائمه جماعات در شهر ریاض خواستیم که به نجد بخوانند، اما در سایر شهرها این امر به انتخاب خود خطیب و تمایل و استطاعت وی است.

حکم تخطی خطیبان ریاض از سبک تلاوت به نجدی

آل الشیخ گفت: ما دوره‌های زیادی برای ائمه جماعات برگزار کردیم و به آنها فرصت دادیم تا با قرائت نجد قرآن کریم را تلاوت کنند و هرکس که توانایی این سبک قرائت را نداشته باشد دنبال کار دیگری برای او می‌گردیم. او می‌تواند در منطقه‌ای نزدیک ریاض امام جماعت مسجدی را عهده‌دار شود. وزارت امور اسلامی عربستان چند ماه پیش نیز در دیداری با امامان مساجد در پایتخت، ریاض بر لزوم پابندی آنان به قرائت قرآن کریم به سبک نجدی تأکید کرده بود که موجی از خشم و نکوهش توییترهای سعودی را به همراه داشت و برخی از آنها این تصمیم را به تمسخر گرفتند که فقط مانده است که این وزارتخانه تصریح کند ائمه چه آیاتی را تلاوت کنند.^۱

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۱۳۸۸۲۴>

عصانیت رهبر القاعده از توافقی ایران و عربستان



خالد باطرفی رهبر القاعده شبه جزیره مستقر در یمن در آخرین صحبت خود به مسایل یمن بویژه استان ابین و همچنین مسایل منطقه بویژه توافقی اخیر تهران-ریاض پرداخت.

وی توافقی تهران-ریاض و همچنین مذاکرات سعودی با انصارالله را مصداق شکست در مقابل شیعیان دانست و آن را محکوم کرد.

وی در ادامه افزود: عربستان سعودی علی عبدالله صالح [رئیس جمهور سابق] را از پس انقلاب مردمی یمن (بهار عربی در ۲۰۱۱) نجات داد و حوثی‌ها (انصارالله) را در یمن از طریق ائتلاف و طوفان قاطعیت (حمله پس از ۲۰۱۵) شکست خورده قدرتمند کرد.

وی با اشاره به حملات نیروهای مجلس انتقالي به پایگاه‌های القاعده در یمن عامل این حملات را امارات دانست و از اهل سنت یمن خواست تا با حمایت از القاعده نگذارند نیروهای وابسته به کشورهای خارجی در یمن قدرت گیرند.^۱

عید فطر جنجالی در لیبی



امسال مردم لیبی عید فطر را در دو روز مختلف جشن گرفتند، در حالی که علی‌رغم تلاش‌های طولانی برای دستیابی به صلح در نزاع‌های سیاسی، اختلافات همچنان ادامه دارد.

هیئت الأوقاف والشؤون الإسلامية در شرق لیبی که با پارلمان مستقر در شرق لیبی همپیمان است، اعلام کرد که هلال ماه، شب جمعه رؤیت شده است. اما دارالافتاء در پایتخت طرابلس به رهبری صادق الغریانی مفتی جنجالی لیبی که با دولت وحدت ملی مرتبط است، اعلام کرد که رؤیت هلال به اثبات

^۱ https://t.me/yemenstudies_ir/۸۱۹۴

نرسیده است و این بدان معناست که مردم روز جمعه باید به روزه گرفتن ادامه دهند و اولین روز عید شنبه است.

این فتوای الغریانی خشم بسیاری از مردم لیبی را برانگیخت. بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی این تصمیم الغریانی را خلاف اجماع امت اسلام در اعلام عید فطر و فتنه انگیز دانستند و نسبت به این تصمیم اعتراض کردند. مساله بعدی اختلاف بین دارالافتاء و طرفداران جریان سلفی مدخلی بود. مدخلی‌ها که جمعه را عید اعلام کرده بودند در اقدامی عجیب روز شنبه با حضور در اجتماع نمازگزاران در میدان شهدای طرابلس بر سر منبر خطبه نماز عید درگیری ایجاد کردند.^۱

ملاحظه: لیبی اکنون دارای دو دولت است. دولت اول حدود ۲ سال قبل پس از توافق سیاسی به ریاست «عبد الحمید الدبیه» تشکیل شد که در طرابلس مستقر است، دولت دوم نیز در فوریه ۲۰۲۲ به ریاست «فتحی پاشاغا» منصوب شد و در شهر سرت استقرار دارد.

۱ <https://arabi21.com/story/۱۵۰۸۱۴۶/> - العید - وفتنة - الشرعیة - و-فتنة - العید -

پیشنهاد تشکیل یک شورای فقهی جهانی برای حل مسئله طلاق شفاهی توسط شیخ الازهر



در بحبوحه جنجال گسترده‌ای که عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر در مورد «طلاق شفاهی» پشت آن ایستاده است، احمد الطیب، شیخ الازهر پیشنهاد تشکیل شورای علمای فقهی در جهان اسلام برای حل مسئله وقوع یا عدم وقوع طلاق شفاهی را داد.

السیسی در مارس گذشته اعلام کرد که کار برای پیش نویس قانون جدیدی که مستلزم مستندسازی طلاق در دادگاه است، در حال انجام است. وی با اشاره به طلاق شفاهی گفت: ما هرگز اقدامی که با قانون خود مغایرت داشته باشد انجام نمی‌دهیم، اما کنترل گفتار در آن برای هر جامعه‌ای سخت است، با این حال کنترل رفتار امری امکان پذیرتر است.

وزیر دادگستری مصر نیز اعلام کرد که وزارت او تدوین یک قانون کامل احوال شخصیه را به پایان رسانده است که شامل نیاز به سند طلاق شفاهی است.

احمد الطیب، شیخ الازهر در جریان یک برنامه که از شبکه ماهواره‌ای سی بی سی پخش می‌شد، گفت: موضوع طلاق لفظی و شاهد یا مستند به طلاق یا اسامی دیگری که ممکن است معانی آنها تداخل داشته باشد و نیاز به توضیح و تعریف دارد، باید مورد بررسی قرار گیرند.

وی افزود: آنچه در این زمینه می‌توان گفت، توضیحی است بر آنچه در اول سوره طلاق در این باره بیان شد، در دو آیه اول سوره هزینه‌هایی به صورت دستوراتی وجود دارد که آن را موجب می‌شود. برای مسلمانان روشن است که اگر یکی از آنها قصد طلاق همسرش را داشته باشد، باید او را در اول عده و در مدتی که به آن دست نزده‌اند، طلاق دهد.

الطیب تأکید کرد: «اکثریت علمای تفسیر و اکثریت ائمه مذاهب اهل سنت در مجموع به این نکته واقف هستند که دستور شهادت در آیه دوم به طلاق در آیه اول اشاره دارد، اما به عنوان یک موضوع از باب مطلوبیت و توصیه، نه از باب وجوب و ضرورت.

وی اشاره کرد که «هر کس زن خود را بدون شهادت طلاق دهد گناهی بر او نیست و طلاق او در صورت تکمیل شرایط وقوع واقع می‌شود که مهم‌ترین آن این است که طلاق در حالت غضب یا حالت اجبار نباشد.

شیخ الازهر گفت که هیئت کبار علما (وابسته به الازهر) طلاق ثبت شده را تشویق می‌کند و خواستار تصویب قانونی است که زوج را ملزم به ثبت کند، اما کمیسیون نمی‌تواند دستور دهد طلاقی که بدون تصدیق و سند از طرف شوهر صادر شده باشد، صورت نمی‌گیرد، گویی چنین نشده است، بلکه این نظر را

برخلاف آنچه اکثریت فقهای اهل سنت بلکه اکثریت مسلمانان بر آن رأی کرده‌اند، می‌داند.

شیخ احمد الطیب پس از ارائه آنچه در بیانیه هیئت کبار علما آمده است، گفت: «می‌بینیم که اگر بخواهیم در این مورد بحث کنیم و به نظر حقوقی جدید برسیم، دیگر انتخابی جز برگزاری یک کنفرانس جهانی فراگیر شامل علمای متخصص به نمایندگی از کشورهای جهان اسلام که در آن گردهم می‌آیند، به بحث می‌پردازند و به نظری می‌رسند که به اتفاق آرا یا اکثریت مورد تایید قرار می‌گیرد، نداریم. زیرا معلوم است که آنچه به اتفاق آرا ثابت شده است، جز با اتفاق مشابه قابل تغییر نیست.^۱

شیخ-الأزهر-یقترح-عقد-مجمع-فقهی-/-/۱۵۰۷۰۱۹/ <https://arabi۲۱.com/story/>
عالمی-لحسم-مسألة-وقوع-الطلاق-الشفوی

تبعیض علیه زنان محبه بار دیگر در مصر جنجال آفرید



اخراج دختران محبه از رستورانی در قاهره بار دیگر جنجال آفرید. یکی از دختران در کلیبی که در شبکه‌های اجتماعی پخش شده است، می‌گوید که برای ۱۵ نفر میز رستوران رزرو کرده بود، اما وقتی به محل رسید، مدیریت رستوران از ورود او و دوستانش به دلیل پوشیدن روبنده خودداری کرد.

این حادثه اعتراض مصری‌ها را به دنبال داشت. برخی آن را نقض قوانین و مقررات گردشگری دانستند و برخی نیز خواستار تعطیلی رستوران و پیگیری قضایی این مساله شدند.

در همین زمینه، یک منبع از موسسات توریستی و هتلداری به رسانه‌های مصری گفت که در صورت اثبات صحت ادعای دختران، این رستوران با مجازات قانونی قاطع روبرو خواهد شد.

در مصر، هیچ قانون رسمی ممنوعیت پوشیدن حجاب در اماکن عمومی وجود ندارد، اما موارد فردی آزار و اذیت و تبعیض علیه زنان محجبه در برخی موسسات و بخش‌ها وجود دارد.

برخی از هتل‌ها و رستوران‌های معروف در بسیاری از مواقع به خصوص در فصول گردشگری ورود زنان محجبه را به بهانه اینکه حجاب با لباس کارمندان زن مغایرت دارد یا کیفیت خدمات را تحت تأثیر قرار می‌دهد ممنوع کرده‌اند. برخی از زنان محجبه نیز به بهانه اینکه حجاب تحریک یا تهدیدی برای امنیت ملی است مورد توهین و آزار برخی شهروندان یا مردان امنیتی قرار گرفتند.^۱

فیدیو-فجر-غضب-المصريین- /۰۸/۰۵/۲۰۲۳/ <https://www.watanserb.com/>

/مطعم-شهر-یهین

پایان نامه جنجالی دانشجوی مراکشی در مورد صحیح بخاری



انتشار فهرست پایان نامه یک دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد دانشکده هنر و علوم انسانی دانشگاه محمد بن عبدالله شهر فاس مراکش جنجال ایجاد کرد. این پایان نامه با عنوان «اندیشه خرافی در میراث اسلامی، بررسی موردی صحیح بخاری» توسط یکی از دانشجویان گروه زبان و ادبیات عرب رشته «اتحاد تمدن‌ها و گفتگوی ادیان بین اندیشه غربی و اندیشه عربی-اسلامی» نگاشته شده است. بررسی محتوای این پایان نامه نشان می‌دهد که نویسنده در پی تضعیف صحیح بخاری و حتی متهم کردن دین اسلام به عادی سازی نسبت به خرافات است.

برخی از عناوین و سرفصل‌های این پژوهش جنجالی عبارت است از:

تجسم اندیشه‌های خرافی در میراث اسلامی (بررسی موردی صحیح بخاری)

فکر خرافی در صحیح بخاری

داعش و ذهنیت بخاری. بخاری آنچه را که خداوند حرام کرده است حلال می‌کند

افسانه عذاب قبر در صحیح بخاری
شایان ذکر است که این دانشکده در گذشته نیز مباحثی پیرامون نقد صحیح بخاری و صحیح مسلم داشته که مورد اعتراض واقع شده بود.^۱

حمله تروریستی به مدرسه شیعیان پاراچنار



۱۴ اردیبهشت ماه بر اثر حمله افراد مسلح ناشناس، به یکی از مدارس شیعیان به نام «تری منگل» در شهر پاراچنار واقع در ناحیه کرم ایجنسی در ایالت خیبرپختونخوا، هشت معلم این مدرسه شهید شدند.
ثمینه الطاف، رئیس هیئت آموزش و پرورش ناحیه کرم ایجنسی گفته است، افراد مسلح ناشناس پس از ورود به مدرسه «تری منگل» به اتاق معلمان رفته و

^۱ /خطیر-عناوین-مباحث-وفصول-البحث-الجامعی/ <https://howiyapress.com/>

هشت آموزگار این مدرسه را به شهادت رساندند اما به دلایل نامشخصی به دانش آموزان مدرسه آسیبی وارد نکرده و متوار شدند.

عارف علوی رئیس جمهور و شهباز شریف نخست وزیر پاکستان در پیام‌هایی جداگانه این جنایت را به شدت محکوم کرده و خواستار اقدام موثر نهادهای امنیتی برای شناسایی و بازداشت تروریست‌ها شدند.

شهر پاراچنار در ۲۰ کیلومتری مرزهای شرقی افغانستان و در ناحیه کُرم ایجنسی در ایالت خیبرپختونخوا واقع شده و بیش از ۵۰ درصد از جمعیت آن از شیعیان پاکستان هستند. با توجه به پیشینه‌ی حملات گروه‌های تکفیری به شیعیان پاراچنار، احتمالاً این حمله نیز از سوی گروه‌های تکفیری پاکستانی نظیر سپاه صحابه، جماعت الاحرار و یا داعش انجام شده است.^۱

^۱ <https://iswnews.com/۹۳۳۹۵/>

رهبر جمعیت علمای اسلام پاکستان: اسلام آباد تسلیم توطئه سازش با اسرائیل نمی‌شود



فضل الرحمان در سخنرانی در اجتماع هزاران نفر از هواداران خود مقابل ساختمان دیوان عالی در شهر اسلام‌آباد، افزود که مردم پاکستان برای تامین منافع خود ذره‌ای کوتاه نخواهند آمد.

وی اظهار کرد که تلاش لابی صهیونیستی در پاکستان به جایی نخواهد رسید زیرا این کشور هرگز تسلیم توطئه سازش با رژیم اسرائیل نمی‌شود.

فضل الرحمان در ادامه از آنچه تبانی سیستم قضایی با اپوزیسیون خواند، انتقاد کرد و افزود که ارتش پاکستان محافظ این کشور و اولویت‌های اصلی سیاست خارجی است.

وی مدعی شد که در گذشته تلاش‌هایی در داخل پاکستان برای تبانی با آمریکایی‌ها با هدف تسهیل عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی انجام شده بود اما خوشبختانه رهبران بیدار در پاکستان جلوی این توطئه را گرفتند.

براساس این گزارش، هواداران احزاب متحد با دولت پاکستان به تحصن خود در مقابل دیوان عالی در منطقه قرمز اسلام‌آباد پایان دادند. در این تجمع دیگر رهبران احزاب ائتلافی با دولت این کشور از جمله مسلم لیگ نواز و حزب مردم نیز سخنرانی کردند.

این تحصن به صورت مسالمت آمیز به پایان رسید و در پایان رهبران حزب حاکم پاکستان از رئیس و دیگر قضات دیوان عالی این کشور خواستند تا از صدور احکام مغایر با قانون اساسی و هدف قرار دادن دولت اجتناب کنند.^۱

یک تبعه چینی به اتهام توهین به مقدسات در پاکستان دستگیر شد



مقامات پاکستان اعلام کردند که پلیس پاکستان یک تبعه چینی را به اتهام توهین به مقدسات دستگیر کرد.

^۱ <https://www.irna.ir/news/۸۵۱۱۲۶۶۸>

پلیس اعلام کرد این تبعه چینی با نام تیان، ساعتی پس از آنکه صدها نفر از ساکنان و کارگرانی که در پروژه سدسازی کار می‌کردند و یک بزرگراه کلیدی را برای دستگیری وی مسدود کردند، دستگیر شد.

به گفته ناصر خان، رئیس پلیس محلی، این تظاهرات در شهر کومله - واقع در نزدیکی محل سد داسو، بزرگترین پروژه برق آبی پاکستان - در استان خیبر پختونخوا، که هم مرز با افغانستان است، برگزار شد.

گفته می‌شود، تیان از اینکه دو کارگر پاکستانی زمان زیادی را صرف نماز خواندن کرده بودند، ناراضی بود و به اسلام و پیامبر اسلام (ص) توهین کرده بود. سفارت چین در اسلام آباد هیچ اظهارنظری در این رابطه ارائه نکرده است. گروه‌های حقوق بشر می‌گویند که اتهامات توهین به مقدسات اغلب برای ارباب اقلیت‌های مذهبی و تسویه حساب‌های شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ویدئوهایی که در رسانه‌های اجتماعی در حال پخش شدن است، نشان می‌دهد که مردم خشمگین در خارج از محوطه وسیعی که کارگران ساختمانی چینی و پاکستانی در کومله در آن مستقر هستند، تظاهرات کردند.

خبرگزاری فرانسه، به نقل از عاطف خان جادون، وکیل «تیان»، شهروند چینی، روز جمعه، ۲۸ آوریل، گزارش داده است که موکلش، پس از صدور قرار وثیقه‌ای به مبلغ ۲۰۰ هزار کلدار پاکستانی با حکم دادگاه از زندان آزاد شده است.

هنوز مشخص نیست که آیا تیان باید در پاکستان بماند تا محاکمه شود یا به او اجازه داده می‌شود به چین بازگردد.

اگرچه دستگیری مسلمانان و غیرمسلمانان به اتهام توهین به مقدسات در پاکستان رایج است، با اینحال دستگیری خارجی‌ها به خاطر این مسئله امری نادر است.

در ژوئیه ۲۰۲۱، به دنبال حمله انتحاری مرگبار که اتوبوس حامل اتباع چینی و پاکستانی را در منطقه کوهستان، جایی که سد در آن قرار دارد، هدف قرار داد، کار روی سد داسو برای چند ماه به حالت تعلیق درآمد. در این بمب گذاری ۱۳ تن از جمله ۹ تبعه چین کشته شدند. چینی‌ها سال گذشته و زمانی که پاکستان امنیت منطقه را افزایش داد، کار روی این پروژه را از سر گرفتند. مهندسان پاکستانی و چینی در تلاش هستند تا این پروژه را تا سال ۲۰۲۶ تکمیل کنند.^۱

۱ <https://thediplomat.com/۰۴/۲۰۲۳/chinese-national-arrested-on-blasphemy-charges-in-pakistan>

حمایت اجباری از همجنس‌گرایی؛ محرومیت پنج بازیکن مسلمان در لیگ فوتبال فرانسه



از تیم‌های فرانسوی در دو لیگ برتر این کشور خواسته شده است که اقداماتی نمادین از جمله؛ استفاده از شماره‌های رنگی بر روی پیراهن‌های ورزشی و حمل بنرهایی مخصوص جهت حمایت از همجنس‌گرایان انجام دهند، امری که با مخالفت بازیکنان مسلمان مواجه شده است.

پنج بازیکن مسلمان تیم فرانسوی «تولوز» به دلیل امتناع از پیوستن به کمپین مبارزه علیه «همجنس‌گرا هراسی» از بازی آینده تیم خود مقابل تیم نانت کنار گذاشته شدند.

از تیم‌های فرانسوی در دو دسته برتر این کشور خواسته شده است که شماره‌های رنگی LGBTQ را روی پیراهن‌ها بزنند و بنرهایی را برای جلب

توجهات در روز جهانی پیشگیری از همجنس‌گراهراسی، ترنس‌هراسی و دوجنس‌گراهراسی در ورزشگاه‌ها نصب کنند.

دیلی میل گزارش داد که پنج بازیکن تولوز - زکریا ابوخلال، موسی دیارا، فارس چایی، لوگان کاستا و سعید هامولچ - نارضایتی خود را از این کمپین به فیلیپ مونتانیه سرمربی تیم ابراز کرده‌اند.

در همین راستا باشگاه تولوز در بیانیه‌ای اعلام کرد: «برخی از بازیکنان تیم، مخالفت خود را در مورد ارتباط تصویرشان با رنگ‌های رنگین کمان نشان‌دهنده جنبش LGBTQ ابراز کرده‌اند.» در این بیانیه آمده است: «با وجود احترام به انتخاب‌های فردی بازیکنان خود، باشگاه فوتبال تولوز تصمیم گرفت این بازیکنان را در بازی مقابل تیم نانت کنار بگذارد.»

زکریا ابوخلال مراکشی در حساب اینستاگرام خود تایید کرد که در بازی مقابل نانت شرکت نخواهد کرد. وی در حساب توییتری خود نوشت: «اول از همه، می‌خواهم تاکید کنم که برای هر فرد صرف‌نظر از ترجیحات شخصی، جنسیت، مذهب یا پیشینه‌شان، بالاترین احترام را قائل هستم. این یک اصلی است که می‌بایست هرچه بیشتر بر آن تاکید کرد.»

وی در ادامه نوشت: «احترام ارزشی است که من برای آن احترام زیادی قائل هستم. این به دیگران نیز تعمیم می‌یابد، اما شامل احترام به باورهای شخصی من نیز می‌شود. بنابراین فکر نمی‌کنم برای این کمپین مناسب باشم.»

مصطفی محمد، بازیکن ملی‌پوش مصری نانت نیز در شبکه‌های اجتماعی دلایل عدم حضور خود در کمپین و بازی مقابل تولوز را منتشر کرد. وی در توییتری

نوشت: «اصلاً نمی‌خواهم بحث کنم، اما باید موضع خود را اعلام کنم. من به همه تفاوت‌ها احترام می‌گذارم. من به همه اعتقادات و باورها احترام می‌گذارم. این احترام شامل همه می‌شود، در نتیجه این احترام شامل حال من نیز می‌شود. با توجه به ریشه‌ها، فرهنگ، اهمیت اعتقادات و باورهایم، امکان شرکت در این کمپین برای من وجود نداشت. امیدوارم به تصمیم من احترام گذاشته شود و همچنین خواستم در این مورد بحث نکنم و با همه محترمانه رفتار شود».

روزنامه فرانسوی L'Equipe گزارش داد که مصطفی به همراه تیم نانت به تولوز سفر کرد، اما پس از خودداری از پوشیدن پیراهن LGBTQ تصمیم گرفت در هتل بماند و به استادیوم نرود.^۱

^۱ <https://www.siasat.com/۵-muslim-players-excluded-from-french-league-over-refusal-to-wear-lgbt-colours-۲۵۹۰۰۵۵/>

اعتراض شدید مسیحیان فلسطینی به محدودیت‌ها علیه شرکت‌کنندگان در مراسم شنبه مقدس



کلیساهای شهر قدس اشغالی در اقدامی هماهنگ مخالفت خود با تمام تلاش‌های اشغالگران صهیونیست برای ایجاد محدودیت علیه افراد شرکت‌کننده در جشن شنبه مقدس در این شهر را محکوم کردند.

کلیساهای شهر قدس در بیانیه‌ای اعلام کردند: این هفته، هفته مقدس و هفته‌ای بسیار ارزشمند و دارای قداست برای مسیحیان است که مومنان مسیحی در مراسم جشن شنبه مقدس شرکت کرده و از فیض نور مقدس بهره‌مند می‌شوند و این مراسم از ۲۰۰۰ سال پیش تاکنون به طور مرتب در کنیسه قیامت برگزار شده است، مراسمی که مسیحیان سراسر جهان را به خود جذب می‌کند.

در این بیانیه آمده است اشغالگران صهیونیست محدودیت‌های غیر قابل قبول، بی منطق و بی سابقه‌ای برای دسترسی به کنیسه قیامت وضع کرده‌اند، اما

آنها باید بدانند که این مراسم با وجود تمام این محدودیت‌ها مانند ۲۰۰۰ هزار سال گذشته برگزار می‌شود.

در همین رابطه کمیته عالی رسیدگی به امور کلیساهای فلسطین در بیانیه‌ای از مردم مسیحی فلسطین خواست با وجود محدودیت‌های اعمال شده از سوی اشغالگران در مراسم شنبه مقدس حضور پُرشور داشته باشند.

رمزی خوری رئیس این کمیته در بیانیه خود ضمن محکومیت محدودیت‌های اعمال شده از سوی اشغالگران تاکید کرد: آزادی عبادت یک حق است و ما برای انجام مناسک مذهبی در مساجد و کلیساهای شهر قدس اشغالی به عنوان پایتخت فلسطین از کسی اجازه نمی‌گیریم.

در بخش دیگری از این بیانیه تاکید شده سیاست‌های سرکوبگرانه اسرائیلی علیه فلسطینیان و محدود سازی عبادت آنان نقض آشکار قوانین و اسناد بین‌المللی بوده که انجام آزاد مناسک مذهبی را مورد تاکید قرار می‌دهد.

شنبه مقدس یا شنبه بزرگ روز پس از آدینه پاک و واپسین روز از هفته مقدس است که فردای این روز یعنی یک‌شنبه، عید پاک یا همان عید قیام مسیح از مردگان است. این روز از اهمیتی ویژه در میان مسیحیان باورمند برخوردار است. آنان این روز را با آیین روزه، نیایش و قربانی کردن گرامی می‌دارند.

در سال جاری میلادی، هفته مقدس از یکشنبه ۲ آوریل تا شنبه ۸ آوریل برگزار شد.^۱

^۱ <http://qodsna.com/fa/۳۷۵۹۰۶>

رهبر فرقه «گرسنگی» در کنیا: حداقل ۱۰۰۰ نفر از پیروانم به ملاقات با عیسی رفته‌اند



رهبر فرقه‌ای در شهر مالیندی در کنیا با این وعده که «با گرسنگی می‌توان با عیسی محشور شد»، پیروانش را به کام مرگ کشید و ادعا کرد که پلیس اجساد حداقل ۱۰۰۰ نفر را پیدا خواهد کرد.

مقامات کنیا اعلام کردند که شمار کشته شده‌های «قتل عام شاکاهولا» جنگلی در جنوب شرقی کنیا جایی که رهبر یک فرقه پیروانش را به گرسنگی کشیدن برای ملاقات با عیسی مسیح تشویق می‌کرد به ۲۰۱ نفر رسیده است. ۲۲ جسد جدید دیگر روز شنبه ۱۳ می‌کشف شد.

پلیس بر این باور است که اکثر اجساد پیدا شده در نزدیکی شهر ساحلی مالیندی متعلق به پیروان فرقه «پل مک کنزی»، کشیش خودخوانده کلیسای بین‌المللی «گودنیوز» است.

رودا اونیانچا، بخشدار منطقه گفت که تاکنون ۲۶ نفر بازداشت شده‌اند. از جمله بازداشت شده‌ها آقای مک‌کنزی و یک «باند از اراذل و اوباشی» است که وظیفه داشتند بررسی کنند هیچ کدام از پیروان این کلیسا روزه خود را نشکسته‌اند یا از جنگل فرار نکرده‌اند.

پل مک‌کنزی در تاریخ ۱۴ آوریل پس از اینکه پلیس جسد نخستین قربانیان را در جنگل شاکاهولا کشف کرد تسلیم مقامات شد. از آن زمان تاکنون حدود پنجاه گور دسته جمعی کشف شده است.

اونیانچا افزود که بازرسان نبش قبر، کار خود را از سر می‌گیرند و در آینده یک سازماندهی مجدد انجام خواهند داد.

طبق کالبدشکافی‌های انجام شده به نظر می‌رسد اکثر قربانیان از گرسنگی مرده‌اند.

یوهانسن اودور، رئیس عملیات پزشکی قانونی گفته است که برخی از قربانیان از جمله کودکان بر اثر خفگی و ضرب و جرح جان باخته‌اند.

این مرگ‌ها بحث درباره نظارت بر عبادتگاه‌ها را در کنیا، کشوری عمدتاً مسیحی که حدود ۴ هزار کلیسا دارد، زنده کرد.^۱

^۱ <https://pars.euronews.com/۱۳/۰۵/۲۰۲۳/kenya-death-toll-from-shakahola-massacre-crosses-۲۰۰>

زلنسکی میانجیگری پاپ را پذیرفت



ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین شنبه ۱۴ می پس از دیدار با پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان در واتیکان گفت: با کمال احترام، ما به میانجیگران نیازی نداریم، ما به صلح عادلانه نیاز داریم.

او افزود: برای من ملاقات با ایشان مایه افتخار است اما او از موضع من مطلع است. جنگ در اوکراین است و طرح صلح باید اوکراینی باشد. شما نمی‌توانید با ولادیمیر پوتین (رئیس‌جمهوری روسیه) میانجیگری کنید.

زلنسکی در جریان سفر به رم با پاپ کاتولیک و مقامات ارشد ایتالیایی دیدار کرد. پاپ بارها پیشنهاد کمک خود را برای میانجیگری میان کی‌یف و مسکو ارائه کرده است.

در حالی که واتیکان از روسیه خواسته است که به طور یک‌جانبه عملیات نظامی خود در اوکراین را متوقف کند، پاپ فرانسیس در موارد متعدد پیشنهاد

کمک به کیف و مسکو داده است تا با رضایت دو طرف این درگیری به اتمام برسد و در همین حال تلاش‌های میانجیگری ترکیه در سال گذشته را ستوده است.^۱

پاپ فرانسیس برای نخستین بار در جلسه اسقف‌ها به زنان حق رای داد



پاپ فرانسیس تصمیم گرفته است در نشست آتی اسقف‌ها به زنان حق رای بدهد، تغییری بی سابقه که نشان دهنده امیدهای او برای دادن مسئولیت‌های تصمیم‌گیری بیشتر به زنان است.

فرانسیس تغییراتی را در هنجارهای حاکم بر «سینود اسقف‌ها» -یک نهاد واتیکانی که اسقف‌های جهان را برای جلسات دوره‌ای گرد هم می‌آورد- تصویب کرد که یکی از آنها دادن حق رای به زنان است.

واتیکان اصلاحاتی را منتشر کرد که به تأیید شخص پاپ رسیده است. این تغییرات بر دیدگاه او برای ایفای نقش بیشتر مؤمنان غیر روحانی در امور کلیسا تأکید می‌کند که مدت هاست به روحانیون، اسقف‌ها و کاردینال‌ها واگذار شده است.

از زمان دومین شورای واتیکان به ویژه جلسات دهه ۱۹۶۰ که کلیسا را مدرن کرد، پاپ‌ها اسقف‌های جهان را برای چند هفته به منظور بحث در مورد موضوعات خاص به رم احضار می‌کنند. در پایان جلسات، اسقف‌ها در مورد پیشنهادهای خاص رأی می‌دهند و آن‌ها را به پاپ می‌سپارند، و سپس او سندی را با در نظر گرفتن نظرات آنها تهیه می‌کند.

تا به حال تنها افرادی که می‌توانستند رای دهند مردان بودند. اما بر اساس تغییرات جدید، پنج خواهر مذهبی به پنج کشیش به عنوان نمایندگان رای دهنده برای احکام دینی خواهند پیوست.

علاوه بر این، فرانسیس تصمیم گرفته است که ۷۰ عضو غیر اسقف را برای شورای کلیسا منصوب کند و خواسته است که نیمی از آنها زن باشند. آنها هم حق رای خواهند داشت.^۱

^۱ <https://www.theguardian.com/world/2023/apr/27/pope-francis-gives-women-right-to-vote-in-bishops-meeting-for-first-time>

هشدار «کمیته اسلامی-مسیحی» درباره طرح تبدیل کلیسای باب‌الرحمه به «کنیسه یهودیان»



سه‌شنبه ۲۵ آوریل «کمیته اسلامی مسیحی برای یاری قدس و مقدسات» نسبت به یک طرح رژیم صهیونیستی هشدار داد. در قالب این طرح تقسیم زمانی و مکانی مسجد الاقصی برنامه‌ریزی شده است و به واسطه آن رژیم صهیونیستی به دنبال تداوم فعالیت‌های مذهبی در مسجد الاقصی و تبدیل کلیسای باب‌الرحمه به کنیسه یهودیان است.

این کمیته در بیانیه‌ای از مردم فلسطین خواست، در هر کجا که هستند «مقابله با تلاش‌های اشغالگران برای بستن مجدد کلیسای باب‌الرحمه و حفظ و بازسازی آنچه نیروهای اشغالگر در نمازخانه تخریب کرده‌اند» را مطالبه کنند.

این کمیته در ادامه بیانیه گفت: «مقامات اشغالگر رژیم صهیونیستی با حمله مجدد به کلیسا و تخریب و غارت محتویات به دنبال بستن و بازگرداندن وضعیت آن به قبل از فوریه ۲۰۱۹ هستند که شهروندان علی رغم اشغال برای بازگشایی آن هجوم بردند».

این کمیته تاکید کرد که نمازخانه باب الرحمه جزء لاینفک مسجد الاقصی است و هرگونه تلاش اشغالگران برای تغییر وضعیت موجود در آن عواقب جدی خواهد داشت و اشغالگران مسئولیت آن را بر عهده خواهند داشت.

این کمیته از اردن و بقیه کشورهای عربی و اسلامی خواست که «بیکار نمانند و مسئولیت‌های خود را در برابر خطرات پیرامون مسجد الاقصی بر عهده بگیرند و همه اقدامات را برای مقابله با برنامه‌های اشغالگران برای تغییر هویت اسلامی مسجد انجام دهند».

شایان ذکر است که نیروهای پلیس اشغالگر با حمله به نمازخانه «باب الرحمه» در مسجد الاقصی، سیم‌های برق آن را برای دومین بار متوالی قطع کردند و از ورود نگهبانان مسجد الاقصی جلوگیری کردند.^۱

^۱ <https://qudspress.com/۴۲۶۷۰/>

پاپ فرانسیس اولین پاپی که از مغولستان بازدید می‌کند



پاپ در سخنانی خطاب به کارمندان شرکت هواپیمایی ایتالیایی که تجهیز هواپیمای پاپ برای سفرهای بین‌المللی را بر عهده دارند، گفت که پس از سفرهای برنامه‌ریزی شده خود به مجارستان و فرانسه در ماه‌های آینده به مغولستان سفر خواهد کرد.

سفر به مغولستان، پاپ فرانسیس را به اولین پاپی تبدیل می‌کند که از این کشور آسیایی بازدید می‌کند. مغولستان ۲۸۸۰ مایل مرز مشترک با چین دارد و چین مهم‌ترین شریک اقتصادی آن به شمار می‌رود.

مغولستان با بیش از ۳ میلیون نفر جمعیت حدود ۱۳۰۰ کاتولیک دارد.

پاپ فرانسیس اولین بار در ماه فوریه در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در جریان سفر خود از سودان جنوبی در مورد امکان سفر به مغولستان صحبت کرد.

او در آن زمان به خبرنگاران گفت که «امکان پرواز از ماری به مغولستان وجود دارد.»

پاپ فرانسیس در سال ۲۰۲۳ از چه کشورهایی دیدن خواهد کرد؟

پاپ فرانسیس برای بازدید از بوداپست مجارستان، در پایان این ماه از ۲۸ تا ۳۰ آوریل در دومین سفر خودش به کشور اروپای مرکزی در سه سال گذشته خواهد رفت.

همچنین قرار است پاپ در این سفر به پرتغال نیز سفر کند. به مناسبت روز جهانی جوانان در لیسبون که از ۱ تا ۶ اوت برگزار می‌شود.

اسقف نشین ماری نیز اعلام کرد این هفته پاپ فرانسیس در ۲۳ سپتامبر به عنوان بخشی از نشست اسقف‌های مدیران‌های در شهر بندری جنوب فرانسه، ریاست مراسم عشای ربانی را بر عهده خواهد داشت.

با توجه به اظهارات اخیر پاپ، انتظار می‌رود که سفر احتمالی پاپ به مغولستان مستقیماً از ماری انجام شود.

پاپ فرانسیس همچنین گفته است که امیدوار است در پاسخ به دعوت نخست وزیر نارندرا مودی، سال آینده به هند سفر کند.^۱

۱ <https://www.eurasiareview.com/۱۶۰۴۲۰۲۳-pope-francis-plans-to-travel-to-mongolia/>

شکایت مسلمانان هلندی از دولت این کشور در سازمان ملل



منابع خبری اعلام کردند، گروهی از مسلمانان در هلند شکایتی علیه کمیته پارلمانی آن کشور که وظیفه بررسی تأثیر کمک‌های مالی خارجی بر مساجد و انجمن‌های اسلامی را برعهده دارد و معروف به «پوکوپ» است، به سازمان ملل متحد ارائه کرد.

پروژه امت، گروهی مستقر در هلند که رهبری این تلاش‌ها را برعهده دارد، روز دوشنبه شکایتی ۸۲ صفحه‌ای را به کمیته حقوق بشر سازمان ملل ارائه کرد که کمیته پارلمانی این کشور را که در مورد نفوذ ناخواسته خارجی تحقیق می‌کند، متهم به راه انداختن کمپین «شکار جادوگران» علیه جامعه مسلمانان کرد. رهبران مسلمانی که این شکایت را ثبت کردند، عبارتند از؛ حمید طاهری، ژاکوب ون در بلوم و ناصر الدلمنهوری.

این افراد در سال ۲۰۲۰ پس از آغاز تحقیقات پارلمان هلند در مورد تأثیر پول آمده از «کشورهای غیرآزاد» از جمله کویت، مراکش، قطر، عربستان سعودی، ترکیه و امارات، به پوکوپ فراخوانده شدند.

پوکوپ تنها بر سازمان‌های مسلمان در هلند تمرکز دارد و از گسترش دامنه فعالیت‌هایش به گونه‌ای که امکان بررسی نفوذ سایر کشورهای خارجی را دربرگیرد، پرهیز می‌کند.

این سه مرد که توسط پوکوپ به عنوان شاهد احضار شده بودند، در صورت عدم شهادت احتمال زندانی کردن آنها بود. کلیپ‌هایی از جلسه استماع کمیته نشان می‌دهند که شاهدان مسلمان در حال تحمل یک مجموعه‌ای سؤال از نمایندگان پارلمان بودند.

سمیرا صبیر، یک وکیل هلندی که این پرونده را برعهده دارد، گفت که این سه مرد مجبور به دفاع از خود به عنوان مظنون در برابر اتهامات بسیار مجرمانه بودند در حالی که آنها هیچگونه جرمی مرتکب نشده بودند.

وی گفت: «نه تنها این سؤال مطرح می‌شود که چرا از چنین ابزار سنگینی برای تحقیق در مورد نفوذ خارجی استفاده شده است، بلکه ابزار نامتناسب مورد استفاده، که در آن شاهدان به عنوان مظنون و با سوگند خوردن علناً مورد بازجویی قرار می‌گرفتند، کاملاً غیر ضروری و ناعادلانه بود». این وکیل هلندی گفت: این احضاریه به جای اینکه یک تحقیق دموکراتیک پارلمانی باشد، جنبه تحقیقات جنایی داشت.

گسترش اسلام‌هراسی

در سال ۲۰۲۱، رسانه‌های محلی فاش کردند که مقامات حداقل ده شهر در هلند از شرکت‌های خصوصی برای تحقیق مخفیانه درباره مساجد و مؤسسات اسلامی استفاده می‌کنند. مقامات مساجد، اعضای فعال در جامعه مسلمانان و روزنامه محلی NRC Handelsblad، توسط شهرداری‌ها، با استفاده از روش‌های پنهانی و غیرقانونی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفتند.

احمد شهین، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد آزادی مذهب، در سال ۲۰۱۹ پس از بازدید از هلند، خاطرنشان کرد که اسلام‌هراسی در سراسر هلند گسترش یافته است. شهید در ارزیابی خود خاطرنشان کرد: «اعضای جامعه مسلمانان گزارش دادند که آنها به عنوان تروریست تلقی می‌شوند یا به آنها انگ زده می‌شود و به این ترتیب هدف قرار می‌گیرند». وی همچنین بر وظیفه مهم دولت هلند در کنترل نگرش‌های منفی نسبت به مسلمانان در جامعه، که گاه توسط احزاب سیاسی تشویق می‌شود، تاکید کرد.^۱

https://www.middleeasteye.net/news/netherlands-muslims-complaint-un-parliament-discrimination?utm_source=twitter&utm_medium=social&utm_campaign=Social_Traffic&utm_content=ap_۱۷cejgfjri

کابینه نتانیاهو به زودی قانون «برق حلال» را تصویب خواهد کرد.



بر اساس قانون برق حلال، نهادهای مرتبط تاسیساتی را برای ذخیره برق در روز شنبه (روز تعطیلی یهودیان) ایجاد خواهند کرد که طی آن افراد مذهبی مجبور نباشند از دستان خود برای روشن کردن برق در روزهای تعطیلات مذهبی یهودیان (روزهای شنبه و سایر روزهای دارای حرمت) استفاده نمایند.

این طرح از سوی «یهودیت متحد توره» به عنوان یکی از پیش شرطهای توافق با نتانیاهو به منظور مشارکت در کابینه وی ارایه شده بود. براساس توافق مزبور نتانیاهو با دو شرط عدم تولید برق در نیروگاههای اسرائیل در روز شنبه و تدریس تلمود برای دانش آموزان سکولار موافقت کرد.

انتشار خبر موافقت نتانیاهو با درخواست «یهودیت متحد توره» مبنی بر توقف تولید برق در نیروگاههای اسرائیل با واکنشهای گسترده‌ای در رسانه‌های اسرائیل همراه شد.

برآورد کارشناسان از زیان ۹ میلیارد دلاری اقتصاد اسرائیل در نتیجه توقف تولید برق در نیروگاه‌های اسرائیل در روز شنبه خبر می‌دهد.^۱

واکش انجمن جن‌گیران به یک فیلم



انجمن بین‌المللی جن‌گیران در واکش به فیلم «جن‌گیر پاپ» محصول ۲۰۲۳ به کارگردانی «جولیوس ایوری» و با بازی «راسل کرو» در نقش کشیش گابریل آمورث، این فیلم را غیرقابل اعتماد و از هم‌گسسته توصیف کرد.

داستان فیلم از پرونده‌های واقعی پدر «گابریل آمورث»، رئیس جن‌گیران واتیکان الهام گرفته شده است و «راسل کرو» را در نقش آمورث به تصویر می‌کشد که وظیفه بررسی پسری جوانی را دارد که روحش به تسخیر شیاطین درآمده است. در این روند، او یک توطئه چند صد ساله را آشکار می‌کند که واتیکان به شدت سعی کرده آن را پنهان کند.

^۱ <https://t.me/Middleeastdeadend/۱۰۴۹۳>

انجمن بین‌المللی جن‌گیران (IAE) در بیانیه‌ای که ماه گذشته منتشر کرد، عنوان این فیلم را «متظاهران» خواند و مدعی شد که طرح داستان توطئه‌آمیز فیلم «تردید غیرقابل قبولی» برای مردم ایجاد می‌کند که چه کسی دشمن واقعی است. شیطان یا قدرت کلیسایی. این گروه همچنین عنوان کرد: «نتیجه نهایی القای این اعتقاد است که جن‌گیری یک پدیده غیرعادی و ترسناک است که تنها قهرمان آن شیطان است و با واکنش‌های خشونت‌آمیزش به سختی می‌توان روبرو شد. این دقیقاً برعکس آن چیزی است که در زمینه جن‌گیری رخ می‌دهد که در کلیسای کاتولیک در اطاعت از دستورات صادر شده توسط کلیسای کاتولیک انجام می‌شود.

این فیلم‌ها ترسناک و واقعی هستند

پدر «گابریل آمورث» که در سال ۲۰۱۶ درگذشت، به تأسیس انجمن بین‌المللی جن‌گیران - یک گروه فشار در واتیکان - در سال ۱۹۹۴ کمک کرد. اگرچه این انجمن در ابتدا توسط پاپ ژان پل دوم رد شد، اما از سال ۲۰۱۴، از مهر رسمی تأیید فعالیت‌های خود برخوردار شده است.

انجمن بین‌المللی جن‌گیران تأیید کرد این بیانیه را بر اساس تماشای تیزر فیلم منتشر کرده و اظهار نظر نهایی را پس از تماشای کامل فیلم انجام خواهد داد. هفته گذشته یکی از روزنامه‌نگاران کاتولیک مستقر در واتیکان، بی میلی ظاهری «راسل کرو» برای انجام مصاحبه‌های مرتبط با فیلم «جن‌گیر پاپ» را مرتبط با فیلم «نوح» در سال ۲۰۱۴ دانست که توسط پاپ رد شد و روزنامه

رسمی واتیکان این فیلم را «فرصتی از دست رفته» نامید که خدا را نادیده می‌گیرد.

پدر «آمورث» واقعی یک پارتیزان ضد فاشیست در جنگ جهانی دوم بود که ادعا می‌کرد ۶۰ هزار جن‌گیری کوچک و بزرگ در طول زندگی خود انجام داده است و «هر روز» با شیطان صحبت می‌کند (که به ایتالیایی پاسخ می‌دهد). او همچنین ادعا کرد که شیطان واتیکان را اشغال کرده است، و کسانی که توسط او تسخیر شده‌اند، تکه‌های شیشه و آهن استفراغ می‌کنند. با این حال، او همچنین از طرفداران سینما بود و با افرادی مانند «ویلیام فریدکین»، کارگردان فیلم مورد علاقه‌اش «جن‌گیر» (۱۹۷۳) دوست بود.

دکتر «جوزف لیکاک»، استادیار مطالعات دینی در دانشگاه ایالتی تگزاس و نویسنده کتاب «جن‌گیری» انتشارات پنگوئن، می‌گوید: انجمن جن‌گیران در تلاش برای سود بردن از دو طرف است: «من فکر می‌کنم آنها کاملاً آگاه هستند که از فیلم‌هایی مانند جن‌گیر و علاقه عمومی به جن‌گیری که فیلم‌های ترسناک در بین مردم ایجاد کرده‌اند، بسیار سود برده‌اند اما در عین حال می‌گویند کاری که ما انجام می‌دهیم بسیار جدی است و این فقط یک فیلم است. من این را کمی مانند گاز گرفتن دستی می‌دانم که به آنها غذا می‌دهد.»^۱

۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۲۰۱۲۲۱۰۷۵۴>

اخبار کوتاه

دیدار رهبر جهانی کلیسای شرق آشور با آیت‌الله اعرافی

عالیجناب پاتریارک مار آوا سوم روئیل پاتریارک رهبر جهانی کلیسای شرق آشور به همراه اسقف کلیسای شرق آشور ایران، آمریکا، سوریه و کرکوک با آیت‌الله اعرافی دیدار و گفتگو کردند.^۱

سوئد حکم بازداشت هتاک به قرآن کریم را صادر کرد

دفتر دادستانی مالمو در سوئد حکم بازداشت «راسموس پالودان» سیاستمدار دانمارکی-سوئدی را که چندی پیش اقدام به هتک حرمت قرآن کریم کرده بود، صادر کرد.^۲

توهین به خدا در یک کلیسا؛ خدا ترنسجندر است!

کلیسای «سنت پل مبشر» در نیویورک، قصد دارد تا نمایشگاهی با عنوان «خدا ترنسجندر است؛ یک سفر معنوی عجیب» را برگزار کند. هرچند این کلیسا به چیگرا بودن معروف است ولی برخی از اعضا به این اقدام اعتراض کردند و اعلام کردند که این نمایشگاه، با موضع رسمی کلیسای کاتولیک در مورد مسائل مربوط به تراجنسیتی‌ها در تضاد است.^۳

۱ <https://www.mehrnews.com/photo/5780242>

۲ <https://fa.alalam.ir/news/6609053>

۳ https://trendingpoliticsnews.com/just-in-catholic-church-held-insane-god-is-transgender-exhibit-mace/?utm_source=cw



بخش دوم: پرونده‌ها

جریان‌های مذهبی در انتخابات ترکیه

جماعت اسماعیل آقارسماتصمیم خود را برای حمایت از اردوغان اعلام کرد



جماعت اسماعیل آقا که «شیخ» آن محمود اوستا عثمان اوغلو مشهور به خواجه محمود افندی سال گذشته در گذشت، تصمیمات خود را در مورد انتخابات ریاست جمهوری ترکیه به طور متمرکز اعلام کرد.

سازمان‌های مذهبی مانند جامعه منزیل و گروه Risale-i Nur Meşveret، شاخه‌ای از نهضت نورسیه، به مردم اعلام کردند که تصمیم

گرفته‌اند از اتحاد خلق و نامزد حزب عدالت و توسعه، رجب طیب اردوغان حمایت کنند.

جماعت اسماعیل آقا که به حمایت قاطع خود از دولت معروف است و در دوره حزب عدالت و توسعه به یکی از گسترده‌ترین تشکلهای مذهبی ترکیه تبدیل شد، تصمیم انتخاباتی خود را نیز در همین زمینه اعلام کرد. در بیانیه‌ی این جماعت آمده است:

انتخابات روز یکشنبه ۱۴ می ۲۰۲۳ یکی از نقاط عطف تاریخی است که در آن اتحاد مردم، اتحاد کسانی که برای حفظ ارزشهای دینی، ملی و اخلاقی تلاش می‌کنند، در مقابل اتحاد افرادی که پروژه‌های پایمال کردن این ارزشهای والا را دنبال می‌کنند، قرار می‌گیرد. همچنین اتحاد ما علیه کسانی که از تروریسم که اتحاد و با هم بودن ما را تهدید می‌کند، مقابله خواهد کرد.

علاوه بر این، ضرورت مبارزه پایدار با مشکلات جهانی که روز به روز در حال افزایش است، همچنین مقابله با بیماری همه گیر جهانی و سیل و زلزله‌های ویرانگر، یک مدیریت قوی، مجرب و پایدار را ایجاب می‌کند. با اعتقاد به اینکه ثبات و تجربه باعث موفقیت می‌شود، تصمیم خود را برای حمایت از رئیس جمهور محترم خود رجب طیب اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی سال ۲۰۲۳ به اطلاع عموم می‌رسانیم.^۱

۱ <https://www.cumhuriyet.com.tr/siyaset/ismailaga-cemaati-de-geri-kalmadi-erdogani-destek-kararini-resmen-duyurdular-2076202>

نگاهی متفاوت به کنشگری سیاسی جماعت‌های دینی در انتخابات ترکیه

به قلم: مسعود صدر محمدی



جماعت‌های دینی یکی از واقعیت‌های اجتماعی ترکیه است و نمی‌توان نسبت به نقشی که آنها در مهندسی اجتماعی و سیاسی ترکیه معاصر داشته‌اند بی‌توجه بود. از زمان جنگ سرد پس از آن که جماعت‌ها و طریقت‌های دینی در راستای مبارزه با موج کمونیسم امکان تنفس پیدا کردند تا به امروز یکی از عناصر شکل دهنده به کنش‌های اجتماعی و سیاسی ترکیه بوده‌اند و سیاسیون نیز با توجه به همین واقعیت در برهه‌های مختلف تاریخی تلاش کرده‌اند از بدنه اجتماعی و کاریزمای مشروعیت بخش این جریان‌ات به نفع خود بهره ببرند. در برهه‌ای احزاب راست و بعدتر جریان اسلامی ملی گوروش تحت رهبری مرحوم نجم‌الدین اربکان از جمله جریان‌اتی بودند که توانستند از توان این جریان‌ات بهره کافی ببرند.

دهه‌های ۱۹۷۰ تا اوایل ۲۰۰۰ را می‌توان دوره طلایی اجتماعی این جریان‌ات دانست. با توجه به موج مهاجرت به شهرها از مناطق پیرامونی کشور جماعت‌ها

اصلی‌ترین پلتفرم همیاری اجتماعی و ساختار هویت‌یابی در کلانشهرها بودند و با بسیج هدفمند فعالیت‌های اجتماعی خود ضمن بهبود وضعیت زیستی شهروندان از طریق ایجاد تشکلهای همیاری اجتماعی امکان همراه سازی آنان با خود و کمک به آنان برای درک جدید از هویت فردی و جمعی‌شان را فراهم می‌آوردند. با توجه به همین واقعیت طبیعی است که سیاستمداران در برخی موارد به دلیل علقه‌های شخصی و اعتقادی مانند مرحوم اربکان و یا صرفاً در راستای منافع سیاسی خود مانند تجربه‌های سلیمان دمیرل در تلاش برای جلب حمایت و همکاری این تشکیلات‌ها بر می‌آمدند. با پیدایش و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نیز همین سنت تداوم پیدا کرده و اتفاقاً این حزب در مقایسه با سلف خود و نیز دیگر رقبایش عملکرد بسیار موفق‌تری در این حوزه به نمایش گذاشت. حزب عدالت و توسعه از جماعت‌ها و طریقت‌ها به عنوان محلی برای جذب نیروی انسانی و بروکرات معتمد استفاده کرده تلاش کرد با یاری به این ساختارها بدنه اجتماعی خود در برابر حاکمیت کمالیست را سامان دهد. جماعتی همچون جریان فتح الله گولن که در طول چند دهه نفوذ در داخل حاکمیت در دوران حزب عدالت و توسعه توانست با جلب اعتماد رهبران این حزب تبدیل به دولتی موازی در درون حاکمیت شده و با قدرت‌یابی در نهادهای حساسی همچون قوه قضائیه، سازمان‌های امنیتی، ارتش و به خصوص ساختار آموزشی به قدرتی مقاوم در برابر حزب حاکم تبدیل شده و نهایتاً تا مرحله درگیری امنیتی (حادثه افشاگری‌های موسوم به ۱۷-۲۵ اکتبر ۲۰۱۳) و نهایتاً کودتای نظامی (۱۵ جولای ۲۰۱۶) پیش برود یکی از نمونه‌های این جماعت‌ها بود.

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه بهار پیشرفت جماعت‌ها و طریقت‌های دینی بود. حزب با ارائه رانت‌های دولتی به این ساختارها از سویی آنها را به سمت رشد و بالندگی هر چه بیشتر سوق داده و از سوی دیگر محملی برای جلب سرمایه‌های اجتماعی بیشتر برای خود ایجاد می‌کرد. این سرمایه گذاری حزب عدالت و توسعه غیر از مورد جریان گولن که ضربه سنگینی به وجهه سیاسی و قدرت اجتماعی حزب عدالت و توسعه بود در اکثر موارد سرمایه‌گذاری موفق بود و شخص رجب طیب اردوغان با قدرت راهبرانه‌اش امکان به خط کردن این ساختارها به نفع خود در مقاطع حساس سیاسی از جمله انتخابات را به نمایش گذاشته است.

طبیعی است که در انتخابات آینده نیز طریقت‌ها و جاعت‌های دینی یکی از پایگاه‌های اصلی رای‌آوری اردوغان و حزبش خواهند بود و در نگاه نخست نظر می‌رسد این جریان‌ها در پی تقویت شانس پیروزی اردوغان خواهند بود. اما به راستی جماعت‌ها همچنان از توان گذشته برخوردارند و کارکرد سابق خود را دارند؟ و نیز آیا همراهی آنان با اردوغان همچون گذشته طوعا و همدا لانه است و یا این که مسائل دیگری در این کنشگری سیاسی برای آنها ایجاد شده است؟ همچنین آیا جماعت‌های دینی مخالف در برابر حزب عدالت و توسعه نیز وجود خارجی دارند یا نه؟

جماعت‌ها؛ اسلحه‌های زنگ زده

اگرچه جماعت‌های دینی - همچنان که اشاره شد- در دهه‌های گذشته نقشی کلیدی و حیاتی در زیست اجتماعی ترکیه داشتند اما در سال‌های اخیر، زمان علیه مرجعیت اجتماعی آنان در حال پیشرفت است.

با گذشت زمان این تشکلهای مرجعیت پیشین خود را از دست می‌دهند و اعتبار و مکانات اجتماعی سابقشان در رهبری گروه‌های اجتماعی و جهت دهی به فعالیت‌های فکری و مدنی آنها رو به کاهش است. بخشی از این فرآیند سلب اعتبار را باید به اقتضای عصر جدید گذاشت. طبیعی است که نسل‌های جدید در کلانشهرها نیازهای متفاوتی نسبت به نسل پدرانشان دارند که نسلی تازه وارد به محیط کلانشهرها بودند. مرجعیت شبکه‌های اجتماعی، سلبریتی‌های این شبکه‌ها و اساساً کاهش تقیدات مذهبی در نسل جوان به صورت طبیعی نقشی کاهنده در اهمیت اجتماعی جماعت‌ها و طریقت‌ها دارد. از سوی دیگر عملکرد دو دهه اخیر جماعت‌ها و طریقت‌ها در قبال دو عنصر قدرت و ثروت ناظران بیرونی و توده‌های عمومی را به این نتیجه سوق داده است که این تشکلهای آنچنان هم که ادعا می‌کردند/می‌کنند در برابر این دو عنصر اغواگر وارسته نیستند و از هیچ فرصتی برای دستیابی به قدرت و ثروت به ویژه زمانی که وضعیتی بادآورده داشته باشد چشم پوشی نمی‌کنند.

بخش قابل توجهی از جماعت‌های دینی اگرچه در آغاز برای تامین زیرساخت برای همیاری اجتماعی رو به فعالیت‌های اقتصادی آوردند اما در دو دهه اخیر این جماعت‌ها عملاً به هولدینگ‌های کاپیتالیست تمام عیاری که هیچ

بهره‌ای از اخلاق و اقتصاد اسلامی ندارند تبدیل شدند. همچنین این جماعت‌ها به ویژه در مساله تصاحب میراث جریان گولن و تلاش برای جایگزین شدن به جای آنها در داخل نهاد حاکمیت نشان دادند که در مواقع لزوم می‌توانند به سمت رفتارهایی که تناسبی با معیارهای اسلامی ندارد سوق یابند.

کاهش و جاهت جماعت‌های دینی عملاً راهبرد ایجاد این همانی میان اسلام و حزب عدالت و توسعه و ارائه گفتمانی که حمایت از اسلام را منوط به حمایت از شخص اردوغان و حزب او می‌کند را از کار انداخته است. اگرچه در آغاز کار این راهبرد یک راهبرد جدی و یک کارت بازی قدرتمند در دست اردوغان و جماعت‌ها بود اما اکنون دیگر آن کارکرد سابق خود را ندارد. این وضعیت از سویی نشان دهنده ناتوانی جماعت‌ها در بازتولید نسل‌های وفادار به خود و از سوی دیگر نشان دهنده تاثیر عوامل پیرامونی از جمله اقتصاد و سیاست بر نوع کنشگری مومنان یک طریقت و جماعت است.

با توجه به این وضعیت باید گفت که اگرچه جماعت‌ها و طریقت‌ها همچنان یک سلاح در دست اردوغان هستند اما تبدیل به سلاحی زنگ زده و کم اثر شده‌اند.

حمایت از اردوغان، طوعا و کرها

جماعت‌ها در بسیاری از موارد حقیقتاً بر اساس ایمان قلبی و نیز مبتنی بر نوع نگرش خود به مساله سیاست و حکمروایی در کشور از اردوغان حمایت کرده‌اند. آنها اردوغان و حزب او را خیرالموجودین دانسته و معتقدند که حمایت

از اردوغان دو جنبه سلبی و اثباتی دارد. سلبی است از این منظر که حضور او دافع به قدرت رسیدن لائیک‌های تندرویی است که برای ده‌ها سال اعتقادات و سنن ملت ترکیه را به رسمیت نشناخته‌اند و ایجابی است از این منظر که حضور او در قدرت عزت مومنان را به همراه آورده است.

اما به راستی آیا فقط همین مبانی سیاسی مشوق‌های حمایت از اردوغان در طول بیست و اندی سال گذشته بوده است؟

وقتی حجم رانت اقتصادی و اداری به دست آمده از قدرت اردوغان برای جماعت‌ها را در نظر بگیریم بی‌شک با اطمینان می‌توانیم ادعا کنیم که اردوغان با حضور در قدرت جماعت‌ها را وارد سرزمینی از فرصت‌هایی که هیچ‌گاه به ذهنشان خطور نمی‌کرد کرده است. آنها امکان تبدیل به کارتل‌های اقتصادی را پیدا کرده‌اند، در بسیاری از موارد در برابر پرداخت‌های پشت پرده و با اهداف مشخص امکان دریافت تخفیف‌های مالیاتی را به دست آورده‌اند، در مناصب دولتی حضور جدی پیدا کرده‌اند، نظام آموزشی و دانشگاهی را حداقل در حوزه آموزش الهیات تبدیل به حیاط خلوت خود کرده‌اند، در نهادهای حساسی همچون قوه قضائیه قدرتی غیرقابل اغماض به دست آورده‌اند و مهمتر از همه امکان ارائه مطالبات مستقیم خود به راس هرم قدرت سیاسی کشور را به دست آورده‌اند. گردش مالی جماعت‌های دینی در حوزه آموزش، بهداشت، رسانه و تجارت خارجی گردش قابل توجهی است و طبیعتاً آنها را متوجه این نکته می‌کند که همه این مزایا به برکت حضور اردوغان در قدرت سیاسی است.

اما از سوی دیگر نوع رفتار اردوغان در چند سال اخیر در قبال جریانات دینی مخالف خود نشانگر یک حقیقت دیگر نیز است و آن هم این که اردوغان در قبال کسانی که با صبغه دینی به مخالفت با او برخیزند رحمی نخواهد داشت. او از تحقیر و تنبیه آنها هم برای منفعل کردنشان و هم برای درس عبرت بودن برای دیگران چشم‌پوشی نمی‌کند و نشان داده است که در این مساله جدی است. نوع رفتار او با تمل کاراموللا اوغلو، رهبر حزب سعادت به هنگام دیدار خصوصی دو نفره که اجازه نداد او در صندلی هم سطح اردوغان بنشیند نمونه‌ای از این تحقیرهاست که واکنش رسانه‌ای بسیاری داشت. همچنین سرکوب سخت جماعت فرقان در جنوب کشور که نمونه این سرکوب در ترکیه معاصر دو دهه اخیر کمتر دیده شده است از جمله نمونه‌های تنبیه جدی است. رهبر این جماعت یک سال است که در زندان به سر می‌برد و اعضای آن نیز به کرات از سوی پلیس مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته‌اند. نمونه دیگر تنبیه جماعت‌ها از سوی اردوغان تنبیه اقتصادی - اداری جماعت ارن‌کوی در یک سال گذشته است. جماعت ارن‌کوی که از قدرت اقتصادی بالایی برخوردار است و فروشگاه‌های زنجیره‌ای BIM که در همه شهرهای ترکیه شعبات آن را میتوان دید متعلق به آنها است صرفاً به این دلیل که همدل با احمد داوداوغلو بودند با مالیات‌های سنگین و نیز بازرسی‌های مداوم و روزمره نهادهای دولتی و جریمه‌های آنها مواجه شدند. این نوع رفتار اردوغان در قبال این جماعت که اتفاقاً زمانی از جماعت‌های هم راستا با او بوده به دیگر جماعت‌ها نشان داد همه آنها در دوران بهره‌برداری از رانت اقتصادی قدرت اردوغان، در واقع سوار بر

پشت شیری بودند که سوارکاری بر آن لذتبخش است اما خشم او و زمین زدنش عواقب حیاتی سنگینی برای آنها در پی خواهد داشت.

همین سختگیری را در مورد دانشگاه شهر استانبول (İstanbul Şehir Üniversitesi) نیز می‌توان از اردوغان به یاد آورد. اگرچه این دانشگاه متعلق به یک جماعت دینی و تصوفی نبود اما از اصلی‌ترین دانشگاه‌های متعلق به جریان روشفکری اسلامی بود که از قضا تجربه بسیار موفقی نیز در حوزه آکادمی ارائه کرده تبدیل به قطبی علمی در ترکیه شده بود. اما اردوغان به محض این که متوجه همدلی هسته اصلی این دانشگاه با داوداوغلو — که بنیانگذار آن دانشگاه نیز بود — شد عملاً در یک شب دانشگاهی به آن عظمت را تعطیل، دانشجویان و اعضای هیئت علمی آن را در دانشگاه‌های دیگر پخش کرد.

با توجه به همه این واقعیت‌ها می‌توان نتیجه گرفت که جماعت‌ها و طریقت‌ها در کنار قرابت فکری و ایدئولوژیک هم به دلیل امکاناتی که از اردوغان و قدرتش نصیب آنها شده و هم به دلیل ترسی که از خشم او دارند چاره‌ای جز همراهی با اردوغان در پیش روی خود ندارند.

آیا به راستی همه همراهند؟

در کنار همراهی تمام عیار جماعت‌های مختلف که آشکارترین و مهمترین آن شاید جریان اسماعیل آقا بود، به رغم همه این چماق و هویج‌ها برخی جماعت‌های دینی از جمله سلیمانجی‌ها که اتفاقاً جماعتی بزرگ، قدرتمند و مکتوم هستند مانند همه سال‌های گذشته از همراهی با اردوغان خودداری کردند.

این جماعت اگرچه در سال‌های پس از ۱۵ جولای توانست از خلا ایجاد شده در حاکمیت به نفع خود بهره ببرد اما همچنان زاویه خود را با حزب عدالت و توسعه حفظ کرده است. نکته جالب این که این جماعت که ساختاری طبقاتی و هرمی دارد با جدیت افرادی را که در این مورد با جماعت همراهی نکنند طرد میکند.

از سوی دیگر در دیگر جماعت‌ها، خصوصاً جماعت‌های شهری و مرکز نشین که اعضا از استقلال فکری و رفتاری بیشتری برخوردارند و یا جماعت کنترل انضباطی قدرتمندی بر آنها ندارد به رغم این که رهبری جماعت از اردوغان اعلام حمایت کرده است اما اعضا به مقاومت در برابر نظر رهبری می‌پردازند. در این مورد جماعت‌هایی مانند اسماعیل آقا که ساختار سنتی و سفت و سخت خود را حفظ کرده‌اند موفقیت بیشتری در کنترل رفتار اعضای خود دارند اما جماعت‌های فاقد ساختارهای نظارتی توفیق کمتری داشته‌اند.

فردای انتخابات چه خواهد شد

اگر انتخابات روز یکشنبه به نفع کمال قلیچداراوغلو رقم خورد و ستاره بخت اردوغان افول کرد بر سر جماعت‌های دینی چه خواهد آمد؟ در حالی که بسیاری از افراد معتقدند که تغییر قدرت در آنکارا برای بسیاری از این جماعت‌ها عواقب حیاتی در پی خواهد داشت اما زمانی که تجربه تغییر قدرت در شهرداری‌های استانبول و آنکارا را در نظر داشته باشیم متوجه این نکته خواهیم شد که مساله پیچیده‌تر از آن چیزی است که در ظاهر دیده میشود.

قطعا بخش مهمی از رانت‌های اقتصادی، امکانات مجانی و فرصت‌های استخدامی جماعتها با تغییر محتمل قدرت در آنکارا به خطر افتاده و یا قطع خواهد شد اما این به معنای پایان عمر آنها نخواهد بود. چرا که جریان لائیک هم اکنون در وضعیتی نیست که با اقدامات رادیکال علیه این جماعتها دشمنی آنها را به سمت خود جلب کند. بلکه به عکس این جریان چنین پالسی به جماعتها میدهد که در صورت همراهی با من، من نیز تا حد ممکن با شما همراهی خواهم کرد. برانگیختن حساسیت‌های دینی مردم و خصومت جماعتها حداقل در سالهای نخست قدرت نفعی برای جریان لائیک نخواهد داشت. از سوی دیگر این جماعت‌هائیز در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی که ترکیه دچار دولتهای مستعجل شده بود نشان داده‌اند که از توان حرکت زیگزاگی بالایی برخوردارند و میتوانند در کوتاه زمانی بر اساس حساسیت‌های طرف مقابل خود به بازتعریف اولویت‌های سیاسی خود دست زنند.^۱

۱ <https://mersadcss.com/divisions/turkey/> - ترکیه/نگاهی - محصولات-میز-ترکیه/نگاهی -
 /متفاوت-به-کنشگری-سیاسی-جماعت‌های

اسلام‌گرایی و انتخابات ترکیه؛ مساله دین و آزادی چقدر برای دو طرف اهمیت دارد؟

به قلم: عطا محامد تبریز



در کارزار انتخاباتی ترکیه ویدیویی به نام «من علوی هستم» از کمال قلیچ‌داراوغلو، کاندیدای ریاست جمهوری و رئیس حزب جمهوری خواه خلق، خبرساز شد. بسیاری این ویدئو را که بیش از ۱۰۳ میلیون بار مورد بازدید قرار گرفته و رکورد بازدیدهای توییتری را شکسته بود، کاری متهورانه دانستند. برخی از تحلیل‌گران سیاسی نیز معتقد بودند این ویدئو، اقدامی پیش‌گیرانه برای خنثی‌سازی حملات احتمالی ائتلاف جمهور به سردمداری حزب عدالت و توسعه بود. آن‌ها یاد واقعه‌ای در میتینگ انتخاباتی سال ۲۰۱۱ افتاده بودند که رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری فعلی و رئیس حزب عدالت و توسعه امروز، آن روزها به مردم حاضر در میدان گفته بود «می‌دانید که آقای کمال یک علوی است» و حضار هم «هو» کرده بودند.

اردوغان، این بار در واکنش به ویدیو سه دقیقه‌ای فلیچ‌داراغلو در یک سخنرانی گفت عده‌ای می‌خواهند در کشور فرقه‌گرایی راه بیندازند. وی ادامه داد: «ما به علوی‌ها و به هر گونه دیگری احترام می‌گذاریم.» استفاده از واژه «گونه» برای یک باور دینی بسیاری را به انتقاد واداشت. برخی از منتقدین می‌گفتند این تحقیری علنی و راهی برای سرکوب باورها خواهد بود.

انتشار این ویدئو، چه اقدامی شجاعانه باشد چه پیش‌گیرانه، واکنش‌ها به آن، نشان می‌دهد که جامعه ترکیه با دوقطبی بر سر موضوع دین روبه‌ورست. برخی در این کشور معتقدند که فضای دینی ترکیه رها شده است و برخی دیگر مسیر موجود را، راهی برای برآمدن حکومت شریعت‌محور قلمداد می‌کنند. این گزاره‌ها اگرچه سمت و سوی رادیکال دارند اما به نظر می‌رسد مسئله دین و آزادی‌های گره خورده به آن در این دوگانه، یکی از تاثیرگذارترین مسائل در انتخابات این کشور باشد.

طریقت‌ها و جماعت‌های دینی در سیاست

گرچه در سال ۱۹۲۵ آتاتورک فریاد برآورده بود که «تکیه‌ها و زاویه‌ها باید بسته شوند و هیچ کدام از ما نیازمند راهنمایی آن‌ها نیستیم» و با وجود آنکه توانسته بود این ایده را بدل به قانون کند، اما امروز، هم آن قانون تغییر کرده و هم اکثر فضای آموزش خصوصی و خوابگاه‌های ترکیه در دست یکی از جماعت‌ها و یا طریقت‌ها است. حضور و تاثیرگذاری آن‌ها در سیاست این کشور

بیش از هر زمان دیگری است. در فضای بازی که دولت برای آن‌ها فراهم کرده است آن‌ها قدرت فعالیت جدی در بخش‌های مختلف را یافته‌اند.

فعالیت آن‌ها صرفاً در حوزه آموزش نیست، بلکه به واسطه نیروی انسانی و توانایی مالی که در اختیار دارند، هولدینگ‌ها و بنگاه‌های مختلفی در راستای منافع خود به وجود آورده و حتی بیمارستان‌هایی نیز تاسیس کرده‌اند. به خاطر همین نیروی مادی و اجتماعی و همچنین گرایش دولت مستقر کشور به این گروه‌ها، تاثیر آن‌ها در سیاست ترکیه روز افزون است.

این طریقت‌ها، جماعت‌ها و فرقه‌ها دینی که پیش‌تر فعالیتشان قدغن بود، امروز تصمیم خود در مورد انتخابات را طی بیانیه‌هایی اعلام می‌کنند. یکی از مهمترین این جماعت‌ها که نفوس و نفوذ قابل توجهی دارد، جماعت «اسماعیل آقا» است. آن‌ها، همچون بسیاری از طریقت‌های دیگر طی بیانیه‌ای از رجب طیب اردوغان و ائتلافی که در حول او و حزبش به وجود آمده حمایت کردند.

مشایخ این جماعت که در حوالی ۱۹۸۰ به وجود آمده و یک طریقت نقشبندی است، بارها مورد زیارت اردوغان واقع شده‌اند. بیانیه این جماعت می‌گوید که انتخابات پیش رو «یکی از نقاط عطف تاریخی» است و ائتلاف جمهور تلاشی برای حفظ ارزش‌های دینی، ملی و اخلاقی آغاز کرده‌اند. بیانیه معتقد است این ائتلاف در برابر کسانی قرار دارد که ارزش‌های الهی را در برابر کسانی که پروژه‌هایی برای از بین بردن خانواده و نسل دارند محافظت می‌کند.

اما مهم‌ترین جماعت حامی ائتلاف جمهور جماعت منزلی است که بعد از متلاشی شدن طریقت منسوب به فتح‌الله گولن، امروز پر پیروترین جماعت دینی

ترکیه محسوب می‌شود. حمایت آن‌ها به قدر حمایت جماعت اسماعیل‌آقا علنی نیست. جماعت منزلی نه به نام خود بلکه به واسطه امضای مشترک انجمن‌ها، موقوفات و هولدینگ‌هایی که در اختیار دارد از این ائتلاف «ملی و بومی» حمایت کرده است.

این طریقت نقشبندی که از روستای منزلی در استان آدی‌یامان به پا خواسته، برخلاف جماعت اسماعیل‌آقا دارای شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی است و بسیاری در آناتولی شرقی تحت تاثیر فعالیت رسانه‌های زیر نظر آن‌هاست. اگرچه برخی از مفسران می‌گویند این جماعت در وزارت خانه‌های مختلف نفوذ کرده و تاثیر بسزایی در سیاست دارند اما به همان میزان به واسطه انجمنی‌های خیریه خود مانند «بشیر» توانسته‌اند در میان مردم آناتولی نفوذ کنند. بعضی گزارش‌های موجود در رسانه‌های ترکیه حکایت از آن دارند که به ویژه فعالیت این انجمن خیریه در بعد از زلزله ۶ فوریه، باعث شده است که نفوذ عقاید جماعت منزلی میان توده‌ها بیش از پیش گسترش یابد.

همجسنگرایان و خانواده «مقدس»

جماعت‌های دینی ترکیه نقش بسزایی در انتخابات ترکیه خواهند داشت اما تحلیل‌گران می‌گویند بازتاب سیاسی خواست‌های آن‌ها از زبان مقامات حزب عدالت و توسعه بیرون می‌آید. یکی از این منویات، حقوق همجسنگرایان است. برخی اعضای حزب عدالت و توسعه این رقابت انتخاباتی را میان یک دوگانه می‌پندارند، دوگانه‌ای که در یک سوی آن هواداران حقوق همجسنگرایان

و دیگر گروه‌های اقلیت جنسی و در سوی دیگر آن طرفداران سنتی ارزش‌های خانواده قرار دارد.

این مسئله را اردوغان چنین فرمول‌بندی کرده است: «ما طرفدار LGBT (همجنس‌گرایان زن و مرد، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها) نیستیم. ما مخالف LGBT هستیم. ما به عنوان ائتلاف جمهور مخالف آن هستیم، چرا که برای ما خانواده مقدس است. نمی‌گذاریم کسی به آن توهین کند.»

وزیر کشور ترکیه سلیمان سویلو اما مسئله جامعه رنگین‌کمانی را با کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ مقایسه می‌کند. وی با اشاره به آمریکا می‌گوید، آن‌ها در کودتا موفق نشدند و امروز، حزب جمهوری‌خواه خلق و همجنس‌گرایان را کنار هم چیده‌اند تا اردوغان را مغلوب کنند.

نگاه احزاب دیگری که با حزب عدالت و توسعه ائتلاف کرده‌اند در این زمینه متفاوت نیست. در میان آن‌ها حزب «بازهم رفاه» سه وعده انتخاباتی خود را چنین برشمرده است: بستن انجمن‌های دگرباشان جنسی، لغو نامحدود بودن پرداخت نفقه و تاسیس آموزش و پرورش که اخلاق و معنویت را در اولویت خود قرار دهد.

مخالفت با افراد این جامعه در سیاست ۲۰ سال گذشته ترکیه جدید نیست اما این موضوع پیش از این کمتر به دستمایه سیاست‌ورزی و مقابله‌خوانی با رقیب سیاسی بدل شده بود. رقیبی که به دنبال حمایت از این جامعه است.

رابطه با «ترور» یا اطاعت از خدا

روز ۲ مه، اردوغان در سخنرانی خود در شهر مذهبی قونیه، گفت: «آقای کمال و همراهان او فرمان را از کجا می‌گیرند؟ آن‌ها فرمانشان را از تروریست‌های قنديل (شهری کرد نشین در شمال عراق که گفته می‌شود مقر پ‌کاکاست) می‌گیرند. ولی ما فرمانمان را از خدا می‌گیریم».

او به واسطه این جملات آشکارا حزب جمهوری‌خواه خلق و رئیس آن را به گروه پ‌کاکا که از سوی دولت ترکیه «تروریستی» دانسته می‌شود منصوب کرد. این در حالی بود که خود و گروه خود را در رابطه با خداوند دانست.

این گفته‌ها بسیاری را در ترکیه نگران کرده است؛ چرا که گمان می‌کنند در صورت مسلط شدن حزب عدالت و توسعه و در راس آن اردوغان بر سیاست بعد از ۱۴ مه، همین بیان کافی است تا حملات جدی‌تری به بزرگترین حزب مخالف او وارد شود یا در صورت پیروزی این حزب با همین دستاویز، از حضور آن‌ها در سیاست جلوگیری شود.

ریشه این گفته اردوغان به حمایت صلاح‌الدین دمیرتاش، رئیس سابق حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) و اعضای کنونی حزب از سیاست‌های حزب جمهوری‌خواه باز می‌گردد. مسئله سر این حمایت نیست، نکته آنجاست که برخی حزب جمهوری دموکراتیک خلق‌ها را حامی پ‌ک‌ک و بدین واسطه حامی تروریسم می‌دانند.

این رابطه بیم حزب جمهوری‌خواه و پ‌کاکا در حالی برقرار شده است که در دایره ائتلاف جمهور، حزب «هداپار» وجود دارد که برخی نیز در ترکیه آن

را یک حزب «تروریستی» می‌دانند. «هداپار» حزبی است که همجنسگرایی را به شدت نکوهش کرده و حتی برخی از مواد قانون اساسی ترکیه را آشکارا قبول ندارد. یکی از مهمترین مسائلی که این حزب با آن مخالفت می‌کند، آزادی‌های زنان است. آن‌ها همچنین رابطه پیش از ازدواج زنان و مردان را نمی‌پذیرند. این حزب که از نظر برخی ادامه حزب‌الله ترکیه است، در منطقه باتمان ترکیه به وجود آمده و ادعا می‌شود بعضی از اعضای آن در برخی جنایت‌ها دست داشته‌اند. از نظر سکولارهای این کشور یکی از معماهای جدی بعد از انتخابات، حضور این حزب در ائتلاف با حزب عدالت و توسعه است.

بین تساهل و مداخله جویی

حزب عدالت و توسعه، به واسطه ائتلاف با حزب «هداپار» و حزب «بازهم رفاه»، آشکارا با یک پیمان محافظه کارانه وارد رقابت انتخاباتی شده است؛ پیمانی که عملاً برخی از اعضای آن سویه‌های رادیکال دارند. این در حالی است که نظرسنجی‌ها درباره دینداری در ترکیه نشان از آن دارند که بخش قابل توجهی از جامعه ترکیه توانسته است در سال‌های گذشته اصل لائسیته موجود در قانون اساسی این کشور را درونی کند. شاید به همین خاطر هم هست که مجموع تمام آرای احزاب اسلام‌گرا در سال‌های اخیر به بیش از ۴۰ درصد نرسیده است.

واقعیت آن است که دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه اگر چه در تمام بیش از ۲۰ سال گذشته تلاش کرد تا جامعه دین‌دار ترکیه را راضی نگه داشته و

اسلام‌گرایی را در این کشور توسعه دهد، اما تاکنون نتوانسته است با استفاده از این گفتمان به دایره مخاطبان خود چندان بیفزاید.

بر اساس گفتمانی که ائتلاف جمهور پیش گرفته است، برای بسیاری از مخالفین، انتخابات پیش رو انتخاباتی حیاتی است، چرا که گمان می‌کنند از نظر دینی و قوانین مدنی، ترکیه شاهد فضای عمومی کمتر مسالمت‌جویانه‌ای خواهد بود.

در طرف مقابل اما به نظر می‌رسد که نماینده حزب جمهوری‌خواه خلق، علیرغم آن‌که با احزاب اسلام‌گرایی مانند سعادت و حزب آینده وارد ائتلاف ملت شده است، بیشتر بر تکرر موجود در جامعه دارد. به ویژه که برخی از اعضای حزب جمهوری‌خواه خلق خود علوی هستند، توسط برخی از گروه‌های کرد کشور حمایت می‌شوند و گاه اعضای آن به دیدار برخی از انجمن‌های مدافع دگرباشان جنسی می‌روند.^۱

اردوغان و اسلام‌گرایان مخالف:

به قلم: صابر گل عنبری



رجب طیب اردوغان عقبه اخوانی دارد؛ اما بر خلاف تصور خیلی‌ها، حزب عدالت و توسعه اخوانی نیست و بیشتر ملی - مذهبی است و اتفاقاً حزبی که تا حدود زیادی به عنوان اخوان المسلمین ترکیه و یا نزدیک به آن مطرح است، حزب «سعادت» می‌باشد که سال‌هاست با اردوغان و آک پارتی اختلاف نظر داشته و در انتخابات پیش رو نیز در ائتلاف «ملت» رقیب ائتلاف حاکم حضوری قوی دارد.

از این رو، در حالی که جریان اسلام سیاسی منطقه و اخوان المسلمین با حساسیت بالایی انتخابات ترکیه را پیگیری می‌کند و توأم با نوعی نگرانی، امیدوار به پیروزی اردوغان و حزبش هستند، سه ضلع ائتلاف شش گانه مخالفان او را سه حزب اسلامگرا تشکیل می‌دهند و دوستان اسلامگرایی دیروز اردوغان

امروز علیه او در ائتلافی گرد هم آمده‌اند که سکولار بوده و سکولارها بدنه اجتماعی آن را تشکیل می‌دهند.

علاوه بر حزب اسلام‌گرایی «سعادت»، دو حزب «آینده» به رهبری احمد داود اوغلو و «دموکراسی و پیشرفت» (لیبرال اسلامی) به رهبری علی باباجان که به علت اختلاف با اردوغان و سبک مدیریتی‌اش جدا شدند، دو ضلع دیگر مثلث اسلام‌گرایان ائتلاف مخالفان را تشکیل می‌دهند.

این سه حزب و رهبرانشان و خود اردوغان در اصل شاگردان پدر اسلام سیاسی ترکیه نجم الدین اربکان هستند که در دهه نود، یک سالی نخست وزیر شد اما در نتیجه اعتراضات سکولارهای مخالف و فشارهای ارتش مجبور به کناره‌گیری از قدرت شد.

اما با شکست تجربه اربکان، انحلال حزب رفاه و سپس حزب فضیلت دو جریان از دل آن بیرون آمد: نخست حزب سعادت در سال ۲۰۰۱ که خود را وارث مکتب اربکان دانسته و می‌داند و دوم حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ به رهبری اردوغان.

تاسیس آک پارتنی برآیند نگاه جدید برخی شاگردان تحول‌خواه و عمل‌گرای او مانند اردوغان، احمد داود اوغلو و علی باباجان بود که چندان با شکل سیاست ورزی مستقیم اربکان و در افتادن او با سکولاریسم که اساس جمهوری ترکیه را تشکیل می‌دهد، موافق نبودند و راه توسعه اقتصادی را به عنوان دروازه ورود به جهان سیاست در ترکیه و تثبیت موقعیت اسلام‌گراها انتخاب کردند. از همان

ابتدا دو حزب برآمده از مکتب اربکان دو مسیر متفاوت را رفته و با هم اختلاف پیدا کردند.

البته در کنار آن نیز حزب سعادت با وجود مطرح بودن به امتداد فکری اخوان المسلمین در ترکیه، در نگاه خود به مسائل منطقه‌ای به ویژه در جریان‌های انقلاب‌های عربی با دیگر جریان‌ها و احزاب اخوان المسلمین در منطقه اختلاف نظر مبنایی داشت. از جمله در بحران سوریه، در کنار نظام سوریه ایستاد و مصطفی کمالاک رهبر حزب در سال ۲۰۱۲ به دمشق رفت و با بشار اسد دیدار کرد. همچنین این حزب روابط نزدیکی با ایران دارد.

اختلافات سعادت با آک پارتی به مرور زمان شدت یافت و دیدار دو سال پیش رهبر حزب با اردوغان نیز نتوانست به آن پایان دهد. امروز هم مهم‌ترین حزب اسلامگرای عضو ائتلاف مخالف اردوغان است که نقش مهمی در حل اختلافات میان قلیچدار اوغلو و مارال اکشنار داشت. خلاصه شراکت سیاسی سعادت با حزب جمهوری‌خواه خلق تا جایی پیش رفته است که رهبرش تمل کارا ملا اوغلو چند وقت قبل کمال قلیچدار اوغلو را در توییتی «مجاهد» نامید و سعادتی‌ها نیز در برخی میتینگ‌ها شعار «مجاهد کمال» سر داده‌اند؛ لقبی که در گذشته تنها برای اربکان به کار می‌بردند. سیاست همین است؛ نه دوست دائم می‌شناسد نه دشمن دائم. کمال قلیچدار اوغلو که حزتش در دهه نود مخالف اربکان و در تحریک ارتش به برکناری او نقش داشت، امروز «مجاهد کمال» نامیده می‌شود.

سید رای سه حزب اسلامگرای پیش گفته، نظر به نتایج اکتسابی حزب سعادت در دوره‌های پیش، مجموعاً حدود ۵ درصد است که البته برای تعیین سرنوشت انتخابات رقم ناچیزی نیست و مهم است. اما اهمیت حضور آن‌ها در ائتلاف مخالفان اردوغان به ویژه حزب سعادت از آن جهت است که مخالفان سکولار و کمال‌قلیچدار اوغلو به شدت به این حضور برای کسب آرای جامعه محافظه‌کار و مذهبی (حدود ۴۰ درصد) ترکیه که پایگاه اصلی حزب عدالت و توسعه به شمار می‌رود، نیاز دارد.

از این رو، اعلام نامزدی اوغلو برای انتخابات ریاست جمهوری از مقابل دفتر حزب سعادت، مشارکت در مراسم افطار رمضان و همچنین تأکید بر آزادی حجاب و اظهارات و اقداماتی دیگر، گامی حساب شده در جهت کاستن از سبد آرای اردوغان از جامعه مذهبی ترکیه است که بیشتر جوانان آن در نتیجه مشکلات اقتصادی معترض هستند.

در این خصوص نیز اظهارات مارال اکشنار رهبر حزب «خوب» برای کسب آرای مذهبی‌های ترکیه جالب است. وی گفته است پنج فرض نماز را می‌خواند و به حج رفته است. مقایسه این وضعیت با تحولات جامعه ایران قابل تأمل است. امروزه پس از دو دهه حکمرانی عدالت و توسعه، گرایش به مذهب و اسلامگرایی در جامعه ترکیه به نحوی است که رهبران لائیک برای جذب آرای آن‌ها قسم حضرت عباس می‌خورند که نماز می‌خوانند.^۱

^۱ <https://t.me/Sgolanbari/۱۱۳۹>

سرکوب مذهبی در بحرین

تصرف حکومتی زمین موقوفه حسینیة شیعیان در بحرین



رسانه‌های معارض در بحرین از اقدام رژیم آل خلیفه برای تصرف زمین‌های موقوفه بیشتری متعلق به اداره اوقاف جعفری در این کشور خبر دادند.

رژیم آل خلیفه به تصرف زمین‌های موقوفه شیعیان در بحرین از طریق تبدیل آن به ملک شخصی ادامه می‌دهد.

در تازه‌ترین تعرض به زمین‌های وقفی شیعیان بحرین، دولت منامه، زمین حسینیة آل عبدالحی در شهر السنابس این کشور را ملک خصوصی خوانده است؛ با وجود اینکه شورای اداره حسینیة بارها با مراجعات و پیگیری‌های خود مالکیت و موقوفه بودن این زمین را ثابت کرده است.

هیئت مدیره حسینه آل عبد الحی السنابس با تکذیب مطالب منتشر شده توسط یک روزنامه دولتی بحرین در خصوص زمین موقوفه این حسینه، گفت: تمرکز روزنامه صرفاً بر موضوع مالکیت زمین و نه ثابت کردن موقوفه بودن آن است.

در بیانیه هیئت مدیره حسینه آمده است: روزنامه مذکور مدعی است مالکیت زمین از آن عده‌ای است، با وجود اینکه موقوفه بودن آن ثابت شده است و این روزنامه هیچ به حرمت تصرف اموالی که شرعاً وقف شده، نپرداخته است در حالی که اجازه تصرف اموال موقوفه وجود ندارد.

این شورا در بیانیه‌ای با ابراز تأسف از اینکه روزنامه‌ها در بحرین به قضیه‌ای به این حساسی از لحاظ قانونی و عرفی پرداخته بدون اینکه جنبه‌های مختلف آن را لحاظ کند، گفت: این روزنامه به اختصار یک حکم قضایی درباره ملک مورد نظر را منتشر کرده است، بدون اینکه به اسنادی در آرشیو موقوفات اداره اوقاف جعفری بحرین رجوع کند که تاریخ آن به ۸۰ سال قبل بازمی‌گردد. او تأکید کرد که این روزنامه با هیئت مدیره حسینه نیز هیچ ارتباطی نگرفته است.

شورای حسینه آل عبدالحی تأکید کرد که بنا به حکم صادر شده از سوی دادگاه در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷ که درستی مضمون موقوفه بودن این ملک را ثابت می‌کند، مالکیت این زمین هرگز شخصی نیست.

شورا تأکید کرد که تعدادی از مشاهیر نامی که از زمان صدور وقفنامه در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی (۱۹۴۶م) شهادت آنها به تأیید اداره اوقاف جعفری رسیده است به مالکیت و وقف این زمین شهادت داده‌اند و آنها عبارت از حاج

علی بن منصور ابوصبیح، حاج حسن بن احمد بن خمیس، عبدالرسول بن عبدالله بن رجب، حاج منصور بن عبد علی بن رجب، سید عبدالوهاب بن السید محمد المرخی هستند.^۱

آیت الله غریفی تسلط نامشروع بر موقوفات بحرین را محکوم کرد



آیت الله سید عبدالله غریفی از علمای بحرین تسلط بر برخی موقوفات در این کشور را محکوم کرد.

وی در سخنرانی خود که در مسجد امام صادق علیه السلام در شهر القفول برگزار شد، تسلط بر برخی موقوفات در بحرین را محکوم کرد و نسبت به پدیده خطرناک ابطال موقوفات به دلیل عدم ثبت، هر چند که سابقه طولانی دارند و

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۱۳۷۲۴۵>

نزد مردم معروف هستند، هشدار داد و تأکید کرد که این کار نابسامانی را تشدید می‌کند.

آیت‌الله غریفی بیان داشت: قرار دادن برخی موقوفات در مزایده برای فروش و خرید آنها از برخی افراد تحت ادعای کذب و دلایل سست، نقض احکام شرع است.

این عالم بحرینی خواستار رسیدگی به موضوع با خرد، تدبیر و بصیرت شد.^۱

دستگیری شیخ علی العویناتی به محض ورود به بحرین



مرکز دموکراسی و حقوق بشر خلیج فارس فاش کرد که مقامات رژیم بحرین شیخ علی العویناتی روحانی شیعه بحرینی را در بدو ورود به بحرین به دلایل نامعلومی دستگیر کردند.

پیشتر سازمان عفو بین‌الملل

در گزارشی گفته بود که مقامات رژیم بحرین همچنان به بازداشت زندانیان به دلیل استفاده از حق آزادی بیان و تجمع ادامه می‌دهند و شش نفر از اعضای خانواده زندانی عقیدتی حسن مشیمع به دلیل اعتراض مسالمت آمیز از طرف او دستگیر شدند و ده رهبر زندانی از سال ۲۰۱۱ به دلیل استفاده از حق آزادی بیان و تجمع

^۱ <https://www.hawzahnews.com/news/۱۰۸۳۰۵۹/>

در جریان اعتراضات گسترده در آن سال بازداشت شده‌اند. به همین ترتیب، شیخ علی سلمان، دبیرکل جمعیت اسلامی الوفاق، که در حال گذراندن حبس ابد است.^۱

بازداشت مداح شیعه به دلیل همبستگی با فلسطین



دادستان کل بحرین در حکمی بازداشت «عبدالامیر البلادی» مداح اهل بیت را به مدت دو هفته صادر کرد.

دستگیری البلادی پس از آن انجام شد که وی در جریان شرکت در مراسم شب‌های قدر و شهادت امام علی(ع) در منامه قصیده‌ای در همبستگی با آرمان فلسطین و قدس خوانده بود.

منابع حقوقی در بحرین اعلام کردند که دادستان کل، البلادی را در رابطه با این قصیده مورد بازجویی قرار داده است.

^۱ <https://hawzahnews.com/xccb۶>

مقامات امنیتی بحرین، روز چهارشنبه (۳۰ فروردین ۱۴۰۲) البرادی را در فرودگاه بین‌المللی بحرین هنگام بازگشت از عمان دستگیر کردند. دادستان کل تصمیم دارد تا او را تا پایان تحقیقات در بازداشت نگه دارد.^۱

جنجال‌ها بر سر تغییر برنامه‌های درسی در بحرین «پس از عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی»



تغییرات ایجاد شده توسط آموزش و پرورش بحرین در متون آموزشی دانش آموزان پس از عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی، موجی از اعتراضات را به همراه داشت.

فعالین بحرینی تاکید کردند که تغییرات محتوای کتاب‌های درسی شامل نوشتن کلمه اسرائیل بر روی نقشه‌های موجود در کتاب‌های اجتماعی مقطع ابتدایی شده و همچنین درس مربوط به یهودیت از کتاب مقطع سوم ابتدایی حذف

^۱ <http://shabestan.ir/detail/News/۱۲۶۲۹۲۳>

گردیده و متأسفانه درسی با موضوع عادی سازی روابط با این رژیم در کتاب‌ها گنجانده شده است.

پس از این تغییرات علما و وعاظ بحرینی بیانیه‌ای صادر کردند و در آن با ابراز نگرانی از تغییرات مشکوکی که توسط وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌های درسی ایجاد شده خواستار بازگشت محتوای درسی گذشته شدند.

آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، رهبر شیعیان بحرین نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «تغییر برنامه‌های درسی برای دلجویی از اسرائیل و فروختن مبانی دین و تاریخ به منظور عادی‌سازی روابط با این رژیم، مبارزه‌ای آشکار با دین است که مسلمانان نمی‌توانند در برابر آن سکوت کنند. هر گونه تغییر در برنامه‌های آموزشی که با ارزش‌های ملی ما که در حفظ دین و عدم تأثیرگذاری بر مبانی آن سازگار نباشد، باید متوقف شود.»

بعد از جنجال ایجاد شده، ولیعهد بحرین سلمان بن حمد آل خلیفه دستور توقف فوری تغییرات و محتوای آموزش را صادر کرد.

اما برغم دستور ولیعهد بحرین مبنی بر توقف تغییرات همچنان جدال در این زمینه در شبکه‌های اجتماعی بحرین وجود دارد و کاربران توییتر خواستار برخورد با وزیر آموزش و پرورش بحرین هستند که با این کار خودش مبالغ زیادی از بودجه کشور را هدر داده است.

کاربران توییتر بر این موضوع تاکید دارند که عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی موضوعی سیاسی است و ارتباطی با مسائل آموزشی و تغییر محتوای آموزش ندارد.^۱

^۱ <https://syaaq.com/۱۸۴۶۱>

اسلام ستیزی در هند؛

از سینما تا مدرسه

تجید نخست وزیر هند از «کراالا»؛ بلیط ارزان برای فیلمی علیه مسلمانان



یک فیلم بالیوودی کم هزینه درباره زنان جوانی که توسط داعش به خدمت گرفته شده‌اند، بحث‌های شدیدی را در هند برانگیخته است و به تبدیل شدن آن به یک فیلم پرفروش در گیشه کمک کرده است.

«داستان کراالا» که در ایالت ساحلی جنوبی به همین نام اتفاق می‌افتد، سه زن را دنبال می‌کند که وسوسه شده، تغییر دین داده و به اردوگاه‌های داعش فرستاده می‌شوند.

بر اساس ارقام غیررسمی این فیلم هندی زبان با بازی بازیگران نسبتاً ناشناخته، از زمان اکران خود در سینما تاکنون بیش از ۴۵۰ میلیون روپیه (۵,۵۰ میلیون دلار) بلیت فروخته است که در بالیوود نادر است.

درحالی‌که مسلمانان و برخی کارشناسان حوزه دین و قومیت در هند در مورد ابعاد انتشار گسترده این فیلم هشدار می‌دهند، نخست وزیر نارندرا مودی از فیلم داستان کرالا تمجید کرد و گفت که این فیلم عواقب تروریسم را نشان می‌دهد. اوتار پرادش و مادهیا پرادش، دو ایالت که توسط حزب حاکم اداره می‌شود، فیلم را از مالیات ایالتی معاف و بلیت‌ها را ارزان‌تر کرده‌اند.

با این حال، منتقدان می‌گویند که این فیلم احساسات منفی را علیه جمعیت اقلیت مسلمان این کشور تحریک می‌کند. انجمن صاحبان تئاتر و سینما در ایالت تامیل نادو هم روز یکشنبه نمایش این فیلم در این ایالت را به عنوان اقدامی پیشگیرانه برای حفظ نظم و قانون مسدود کرد. با این حال، دادگاه عالی کرالا از اعمال ممنوعیت در ایالتی که فیلم در آن فیلمبرداری می‌شود خودداری کرده و گفته است که این فیلم الهام گرفته از وقایع واقعی است. دادگاه عالی قرار است هفته آینده به درخواست تجدیدنظر رسیدگی کند.^۱

^۱ <https://www.reuters.com/world/india/bollywood-film-islamic-state-recruits-sparks-debate-india-۰۹-۰۵-۲۰۲۳/>

رشد جمعیت هندوچالش اثبات شهروندی مسلمانان در این کشور



در زمانی که هند در آستانه پشت سر گذاشتن چین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور قرار دارد، انتظار می‌رود نگرانی‌ها در مورد اینکه چه کسی تبعه‌ی هند محسوب می‌شود، تشدید شود زیرا دولت نخست وزیر نارندرا مودی نسبت به مهاجرت غیرقانونی و تغییر جمعیت برای دستاوردهای انتخاباتی در کشوری که در آن احساسات ملی گرایانه عمیق است، حساسیت به خرج می‌دهد.

بسیاری بر این باورند که مهاجرانی از کشور همسایه یعنی بنگلادش بخش اعظمی از جمعیت این ایالت را تشکیل می‌دهند.

بیسواس یکی از اهالی آسام می‌گوید که در این ایالت در شمال شرقی هند به دنیا آمده است. تقریباً ۶۵ سال پیش پدرش نیز در این ایالت به دنیا آمد. اما دولت می‌گوید که برای اثبات هندی بودنش، باید اسنادی را ارائه کند که به سال ۱۹۷۱

بازمی‌گردد. برای یک سبزی‌فروش ۳۷ ساله، این به معنای جستجو برای یافتن یک سند ملکی با قدمت چند دهه یا یک شناسنامه با نام اجدادی است.

نزدیک به ۲ میلیون نفر — بیش از ۵ درصد از جمعیت آسام — مانند بیسواس وجود دارند که به آینده‌ای خیره شده‌اند که اگر نتوانند هندی بودن خود را ثابت کنند، تابعیت خود را از دست می‌دهند.

با این وجود، صدها مهاجر مظنون با حق رای در آسام دستگیر و به مراکز بازداشت فرستاده شده‌اند که دولت آن را «اردوگاه‌های ترانزیت» می‌نامد. هزاران نفر از ترس دستگیری به دیگر ایالت‌های هند گریخته‌اند. برخی بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند.

میلیون‌ها نفر وضعیت شهروندی آنها نامشخص است، این افراد در هند از والدینی متولد شده‌اند که چندین دهه پیش مهاجرت کرده‌اند. بسیاری از آنها دارای کارت رای گیری و سایر مدارک شناسایی هستند، اما ثبت شهروندی ایالت فقط کسانی را در نظر می‌گیرد که می‌توانند با مدارک مستند ثابت کنند که آنها یا اجدادشان قبل از سال ۱۹۷۱، سال تولد بنگلادش، شهروند هند بوده‌اند.

حزب مودی، که بر آسام نیز حکومت می‌کند، استدلال می‌کند که ثبت نام برای شناسایی افرادی که به طور غیرقانونی وارد کشور شده‌اند در ایالتی که احساسات قومی عمیق است و اعتراضات ضد مهاجران در دهه ۱۹۸۰ با قتل عام بیش از ۲۰۰۰ مسلمان مهاجر به اوج خود رسید، ضروری است.

این ثبت و شناسایی افراد آخرین بار در سال ۲۰۱۹ به روز شد و هندوها و مسلمانان را مستثنی کرد، اما اکثر منتقدان آن را تلاشی برای اخراج میلیون‌ها مسلمان اقلیت می‌دانند.

آنها می‌گویند که این روند حتی بدتر خواهد شد اگر حزب مودی لایحه شهروندی جنجالی را احیا کند که به طرفداران ادیان مختلف تحت تعقیب که به طور غیرقانونی از کشورهای همسایه وارد هند شده‌اند از جمله هندوها، سیک‌ها و مسیحیان، اما نه مسلمانان، تابعیت می‌دهد.

لایحه شهروندی سراسری در سال ۲۰۱۹ ارائه شد، اما منجر به اعتراضات گسترده در سراسر هند به دلیل جدا کردن مسلمانان شد و دولت را مجبور کرد که آن را اجرا نکند.

حامیان این مدل ثبت و شناسایی افراد می‌گویند که حفاظت از هویت فرهنگی مردم بومی آسام ضروری است و استدلال می‌کنند که افرادی که به طور غیرقانونی وارد شده‌اند شغل و زمین آنها را می‌گیرند.

فیض‌علی به واسطه خارجی بودن در اواخر سال ۲۰۱۵ به یک بازداشتگاه فرستاده شد. پسر دیگرش در رودخانه غرق شد. یک سال بعد پسر دیگر علی خود را حلق آویز کرد. علی در سال ۲۰۱۹ با قرار وثیقه از بازداشتگاه آزاد شد. او در ماه مارس درگذشت و همسر، یک پسر بیمار روانی، دو عروس و فرزندان‌شان را به جای گذاشت.

همه آنها در یک خانه یک اتاقه در روستای بهاری که اکثریت آن مسلمان هستند زندگی می‌کنند. همه آنها «خارجی» اعلام شده‌اند.^۱

موج فزاینده اسلام‌هراسی در شبکه‌های اجتماعی هند



موج تحریک علیه مسلمانان از طریق انتشار انبوه اطلاعات گمراه‌کننده در رسانه‌ها به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی که مملو از اطلاعاتی است که شامل تحریک علیه مسلمانان می‌شود، در هند افزایش یافته است.

در گزارشی که خبرگزاری فرانسه منتشر کرد، آمده است که آمیت آپادچی، داروساز و فعال نامدار در شبکه‌های اجتماعی هند، یکی از نمونه‌های انتشار اطلاعات نادرست است که مسلمانان در هند را هدف قرار می‌دهد، زیرا

^۱ <https://apnews.com/article/india-citizenship-population-assam-38e6932b88902d9dd2715ae3373a2d91>

او در ادعاهای منتشر شده در اینترنت بیان می‌کند: همسایگان مسلمان او فرزندان زیادی دارند؛ بنابراین او مجبور است به زنان هندو توصیه کند تا فرزندان بیشتری داشته باشد.

در این گزارش آمده است که این داروساز یکی از چندین چهره تأثیرگذار هندو در شبکه‌های اجتماعی است که با انتشار داده‌های جمعیت‌شناختی نادرست توانسته است مخاطبان زیادی را به خود جلب کند تا مدعی شود هند در حال اصلاح برای تبدیل شدن به کشوری مسلمان است. برای آنها، اعلام هند به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان، در ماه گذشته دلیلی برای جشن نبود، بلکه فراخوانی برای اقدام بود.

آپادحی اهل ایالت اوتارپرداش که یک صفحه محبوب در فیس‌بوک دارد، تصریح می‌کند: به همه مشتریان هندو خود می‌گویم که باید فرزندان بیشتری برای مقابله با مسلمانان داشته باشند. او در گفت‌وگویی با خبرگزاری فرانسه تصریح کرد: در غیر این صورت، مسلمانان به یک تهدید تبدیل خواهند شد و مذهب هندو را از هند خواهند زدود.

آپادحی اغلب در صفحه خود که حدود ۴۰۰۰۰ دنبال‌کننده دارد، پست‌های ضد اسلامی را به اشتراک می‌گذارد.

در ماه آوریل گذشته، نشریه‌ای درباره تصمیم مسلمانان برای «دو برابر کردن جمعیت خود برای تسلط بر هند» هشدار داد.

هند ۱،۴ میلیارد نفر جمعیت دارد که ۲۱۰ میلیون نفر مسلمان هستند، اما نرخ زادوولد برای همه مردم این کشور فارغ از مذهب آنها در دهه‌های اخیر و در ارتباط با روندهای جهانی کاهش یافته است.

بر اساس آخرین نظرسنجی ملی سلامت خانواده در کشور، نرخ باروری در هند به ۲ فرزند برای هر زن رسیده است و بر اساس آنچه خبرگزاری فرانسه می‌گوید، این نرخ برای زنان مسلمان ۲،۳ فرزند بوده که بر خلاف ادعای هندوهای افراطی در زمینه چند برابر بودن این نرخ برای مسلمانان است.

پیش‌بینی‌های منتشر شده در همان سال توسط مرکز تحقیقاتی پیو نشان می‌دهد که تعداد مسلمانان هند تا سال ۲۰۵۰ به ۳۱۱ میلیون نفر خواهد رسید.

بر اساس پیش‌بینی‌های این مرکز، با وجود افزایش تعداد مسلمانان، در این کشور که جمعیتی بالغ بر ۱،۷ میلیارد نفر در اواسط قرن خواهد داشت، در اقلیت باقی خواهند ماند.

با این حال این آمارها و برآوردها مانع از انتشار گسترده اطلاعات نادرست علیه مسلمانان در هند از طریق فیس‌بوک، واتس‌آپ و دیگر شبکه‌های اجتماعی نشده است. اطلاعاتی که بر مبنای آنها ادعا می‌شود، هند در مسیر تبدیل به کشوری با اکثریت مسلمان است.

نشریه یاد شده در یک اظهارنظر کنایه‌آمیز با استقبال از پیشی گرفتن هند از چین از نظر جمعیت، از مسلمانان به دلیل «به دنیا آوردن پنج تا ۱۰ فرزند» در هر خانواده تشکر کرد.

سیاست راست افراطی در هند برای تحریک هندوها علیه مسلمانان

احزاب راست افراطی در کشورهای دیگر به‌ویژه فرانسه نظریه‌های مشابهی را اتخاذ می‌کند و می‌گوید که اقلیت‌ها و مهاجران «جایگزین» اکثریت جمعیت می‌شوند. این تئوری‌ها گاهی از طرف حزب ملی‌گرای هندو بهاراتیا جاناتا به رهبری نارندرا مودی، نخست‌وزیر، حمایت شده است.

راکش سینها، نماینده حزب ملی‌گرای هندو، در سال ۲۰۱۹ پیش‌نویس قانونی را به مجلس هند ارائه کرده بود که در آن پیشنهاد محدود کردن تعداد کودکان در هند به دو کودک در هر خانواده را داده بود و پروژه وی از حمایت ۱۲۵ نماینده دیگر برخوردار شد.

این پیش‌نویس پس از اتهامات منتقدان نماینده مجلس مبنی بر هدف قرار دادن مسلمانان پس از ایراد سخنرانی وی که در آن بر نرخ‌های متفاوت زادوولد بین هندوها و مسلمانان تمرکز کرد، پس گرفته شد.

این ادعاها مدت کوتاهی پس از آنکه سازمان ملل متحد در آوریل گذشته اعلام کرد هند از نظر جمعیت از چین پیشی گرفته است، دوباره مطرح شد.

اشوار لعل، یکی از اعضای یک گروه ملی‌گرای هندو مرتبط با حزب حاکم، در یک سخنرانی عمومی گفت: «هندوها یک بار ازدواج می‌کنند و دو فرزند دارند در حالی که مسلمانان چهار بار ازدواج می‌کنند و فرزندان زیادی دارند که می‌توانند تیم کریکت خود را تشکیل دهند.»

در همان ماه، یک شخصیت دینی هندو در یک مکان زیارتی معروف در دامنه‌های هیمالیا، هندوها را بر آن داشت تا یک ضد حمله جمعیتی انجام دهند.

راویندرا پوری در آن سخنرانی تأکید کرد که هندوها از داشتن دو فرزند به داشتن یک فرزند پسرفت کرده‌اند و تأکید کرد که این وضعیت باعث عدم تعادل در تعادل جمعیت می‌شود.

ش.ی. قریشی، رئیس سابق کمیسیون انتخابات هند، به‌طور گسترده در مورد انتشار اطلاعات نادرست در مورد نرخ تولد مسلمانان در هند نوشته است.

به گفته وی ادعاها مبنی بر اینکه مسلمانان به زودی به مذهب اکثریت در هند تبدیل خواهند شد، به ابزار برجسته «تبلیغات» ملی‌گرایان هندو تبدیل شده است. قریشی تأکید کرد: آنها با ایجاد ترس از اینکه تعداد مسلمانان از آنها بیشتر شود، همچنان هندوها را تحریک می‌کنند که بچه‌های بیشتری داشته باشند، اما طبق آمارها این ادعاها باطل است.^۱

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۱۳۹۰۹۸>

مسلح کردن شبه نظامیان هندو: طرح دولت افراطی هند علیه مسلمانان کشمیر



در تشدید تنش مجدد بین هند و پاکستان، دهلی نو همچنان به مسلح کردن نیروهای خود در منطقه مورد مناقشه کشمیر برای جایگزینی مسلمانان با هندوهای افراطی ادامه می‌دهد.

در ۳۰ آوریل ۲۰۲۳، نیروهای اشغالگر هند به عنوان بخشی از عملیات ارتش هندو از ژانویه همان سال، ۱۵۰ نفر را در روستای دنگری در ایالت راجوری در کشمیر، در بخشی از قلمرو تحت کنترل خود، مسلح کردند. بنابر اعلام خبرگزاری فرانسه به گفته نیروهای امنیتی بیش از ۵۰۰۰ هندو در دو منطقه مرزی کشمیر، توسط نیروهای شبه نظامی هند مسلح شده‌اند، چیزی شبیه به تسلیح شهرک نشینان یهودی توسط اشغالگران اسرائیلی.

در اوایل ژانویه ۲۰۲۳، افراد مسلح وابسته به جنبش مقاومت کشمیری به خانه‌های هندوهای اشغالگر در روستای دنگری تیراندازی کردند و ۷ نفر از آنها را کشتند. این جنبش‌ها در حال مبارزه با اشغال هندی بخش مسلمان‌نشین از منطقه مورد مناقشه کشمیر بین دو طرف هستند که از سال ۱۹۴۷ بین دو کشور مورد مناقشه بوده است.

این تحولات نگرانی مسلمانان کشمیر را برانگیخت. آنها اظهار داشتند که شبه نظامیان تنش و مشکلات را تشدید خواهند کرد و آنها می‌ترسند که این آخرین نقشه هند برای ریشه کن کردن آنها باشد. اکنون، بسیاری از روستاهای جامو و کشمیر، که جمعیت زیادی از هندوها دارند، شبه‌نظامیانی به نام «نگهبانان دفاع از روستا» دارند که — مانند شهرک نشینان اسرائیلی — با نیروهای اشغالگر هندی تحت نظارت امیت‌شاه، وزیر کشور هند، به بهانه مقابله با مقاومت کشمیری می‌جنگند.

کمیته‌های دفاع

بنابر گفته برخی از روزنامه‌ها دولت افراطی حزب بهاراتیا جاناتا به دنبال احیای «کمیته‌های دفاعی (هندو) در روستاها» برای اسکان هندوها و ریشه کن کردن مسلمانان است. به گزارش وبسایت «اوت لوک هند»، ۱۰ ژانویه ۲۰۲۳، مقامات اشغالگر هندو اسلحه‌ها را به روستاییان هندو در منطقه جامو تحویل دادند و آموزش دفاع از خود را آغاز کردند.

واقعیت این است که مقامات هندو از این حادثه برای گسترش نقش گروه به اصطلاح «نگهبانان روستا» استفاده کردند. آنها در پی این هستند که گروه نگهبانان روستا را به یک گروه شبه نظامی هندو شبیه گروه مسلح «RSS» در هند تبدیل کنند. این گروه افراطی هندی دکرین «هندوتوا» یعنی «هند فقط برای هندوهاست و مسلمانان را باید کشت» را ترویج می‌کند.

این شبه نظامیان تنها بخشی از یک طرح گسترده برای تغییر ترکیب جمعیتی کشمیر است که با سرکوب و دستگیری رهبران مسلمان، بستن مساجد معروف، و تخریب خانه‌های مسلمانان با بولدوزر به بهانه «بازپس‌گیری» اراضی دولتی، دنبال می‌شود.

هند حدود نیمی از جامو و کشمیر را در اختیار دارد که شامل این دو منطقه به همراه لداخ است، در حالی که پاکستان یک سوم این منطقه را کنترل می‌کند که به دو استان کشمیر آزاد و گلگت-بلتستان تقسیم شده است.

پیش از این بخش‌هایی از ایالت (جامو، کشمیر و لداخ) توسط هند به‌عنوان سرزمین‌های فدرال اداره می‌شد، اما در ۵ اوت ۲۰۱۹، دولت دهلی نو خودمختاری محدود مسلمانان را لغو کرد، کل منطقه را به آن وابسته کرد و هندوئیسم را تحمیل کرد.

در اواسط دهه ۱۹۹۰، به بهانه اینکه مردم هندو از خود در برابر حملات مبارزان مقاومت کشمیری دفاع می‌کردند، برای اولین بار در منطقه چناب دره جامو و کشمیر به ویژه در روستاهای دورافتاده کوهستانی کمیته‌های دفاع از روستاها (VDGs) ایجاد شد.

ایندیان اکسپرس در ۹ ژانویه ۲۰۲۳ می‌گوید که این کمیته‌های دفاع از روستاها (VDCs) در سال ۱۹۹۵، «به عنوان پاسخی به ناامنی در میان اقلیت هندو» ایجاد شدند. این کمیته‌ها در آن زمان شامل حدود ۴۰۰۰ عضو و بیش از ۲۷۰۰۰ داوطلب بود. به گزارش خبرگزاری فرانسه، دولت هند نزدیک به ۲۵۰۰۰ مرد و زن را مسلح کرد و آنها را در کمیته‌های دفاع از روستا در منطقه جامو با اکثریت هندوها سازمان داد.

اما سازمان‌های حقوق بشر در هند و سراسر جهان، شبه نظامیان این کمیته‌ها را به ارتکاب جنایات علیه جمعیت غیرنظامی مسلمان این سرزمین متهم کرده‌اند. در طول سال‌ها، این شبه نظامیان به طور فزاینده‌ای سیاسی شده و متهم به هدف قرار دادن و آزار و اذیت جمعیت مسلمان در این منطقه شده‌اند. گزارش‌های متعددی از دست داشتن این گروه‌های مسلح هندو در قتل‌های غیرقانونی و سایر اشکال شکنجه علیه مسلمانان در کشمیر وجود دارد. طبق آمار رسمی، حداقل ۲۱۰ پرونده قتل، تجاوز و زورگیری توسط مسلمانان علیه هندوها تشکیل شده است، اما کمتر از ۲ درصد از متهمان هندو در دادگاه‌های هند محکوم شده‌اند. این گروه‌ها متهم به همکاری نزدیک با نیروهای امنیتی هند برای حفظ کنترل بر منطقه و سرکوب مخالفان شده‌اند.

در سال ۲۰۲۰، سیاست «کمیته‌های دفاع از روستا» تجدید شد و فعالیت آن به سازماندهی و مسلح‌تر شدن تغییر کرد و تحت عنوان «گارد‌های دفاع از روستا» (VDGs) به ارتش و پلیس هند وابسته شد. به نقل از وبسایت «اوت لوک

هند» در ژانویه ۲۰۲۳، نه فقط افسران عملیات ویژه بلکه همه هندوها به تفنگ‌های جدیدتر مسلح شدند.

مقامات شروع به برگزاری جلسات آموزشی برای گارد دفاع روستا کردند که عمدتاً متشکل از افسران و سربازان سابق هندو بودند تا مانند افراد مسلح شورای شهرک سازی در اسرائیل به عنوان نگهبان دفاع از روستاهای هندو عمل کنند. و از آنجایی که آنها بیشتر شبیه نیروهای غیرنظامی وابسته به هند شده‌اند، دهلی نو به آنها حقوق خوب و آموزش بیشتری ارائه داد، اما طبق گفته تلویزیون آلمانی «دویچه وله»، ۱۸ مارس ۲۰۲۳، آنها همچنان به کشتار غیرقابل توجیه مسلمانان ادامه دادند.

به گزارش روزنامه «کشمیر آبرور»، ۲۰ آوریل ۲۰۲۳، ارتش هند در آموزش تیراندازی و مسلح کردن آنها شرکت کرد. مقامات هندی گفتند که بیش از ۵۰ گروه از افسران از روستاهای مختلف در امتداد خط کنترل با هماهنگی پلیس محلی در آموزش تیراندازی شرکت کردند.

ترس مسلمانان

در حالی که هندوها از مسلح شدن توسط دولت هند خوشحال هستند، مسلمانان می‌ترسند که این شبه نظامیان به ابزار جدیدی در عملیات کشتار آنها تبدیل شوند.

یک شیخ مسلمان مسن که در دنگری زندگی می‌کند، در ۳۰ آوریل ۲۰۲۳ به خبرگزاری فرانسه گفت: «آنچه مرا نگران می‌کند نحوه توزیع سلاح‌ها در یک

جامعه است.» او ادامه داد: «الان جوانان (هندو) با سلاح‌هایی که در اختیار دارند به صورت ما می‌کوبند و این باعث اذیت و آزار ما می‌شود.»

به گزارش آژانس بریتانیایی «رویترز» در ۱۲ ژانویه ۲۰۲۳ محبوبه مفتی، وزیر ارشد سابق جامو و کشمیر، که حزبش خواستار خودمختاری بیشتر برای منطقه است، گفت که قرار دادن سلاح در دست مردم محلی در مناطق مرزی جامو با ادعاهای دولت مبنی بر بازگشت زندگی به روال عادی در تناقض است.

«سیا دار» از فعالان چپ هند در ۱۸ مارس ۲۰۲۳ در گفتگو با تلویزیون آلمانی «دویچه وله» این سوال را مطرح کرد که چرا هند با وجود نیم میلیون سرباز منظم در ارتش هند و سایر نیروهای مستقر در کشمیر، ۲۷ هزار هندو را در طرح «نگهبانان روستا» مسلح می‌کند؟ وی همچنین تایید کرد که هدف آنها «خصوصی سازی نقض حقوق بشر» مسلمانان در کشمیر است، یعنی تجاوزات علیه مسلمانان به طور رسمی توسط ارتش هند انجام نمی‌شود، بلکه توسط گروه‌های خصوصی غیر رسمی انجام می‌شود.

هنگامی که دهلی نو در سال ۲۰۱۹ از کشمیر تحت مدیریت هند محروم شد، دولت راست‌گرای حزب بهاراتیا جاناتا از این اقدام دفاع کرد و مدعی شد که این اقدام به دهه‌ها شورش مسلحانه در منطقه مورد مناقشه پایان می‌دهد. اما پس از گذشت تنها چهار سال، اکنون همان دولت یک شبه نظامی هندو را احیا می‌کند تا با هدف آواره کردن آنها، جمعیت مسلمان را به وحشت بیندازد.

برای اولین بار در هفت دهه اخیر، اکثریت مسلمان کشمیر در نتیجه اقدامات قانونی و نظامی اخیر هند که به دنبال ادغام اجباری این منطقه پس از

نیمه مستقل شدن این منطقه است، با یک تهدید وجودی و یک تغییر سیستماتیک جمعیتی مواجه است. ناظران، سیاست هند در کشمیر را، به کاری که اشغالگران اسرائیل در فلسطین انجام می‌دهند تشبیه می‌کنند، به ویژه در مورد سیاست پاکسازی و شهرک سازی، نسل کشی و جابجایی اجباری مردم بومی و آوردن شهرک نشینان و جایگزینی آنها.

در ۵ آگوست ۲۰۲۱، مقامات هندی ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند را که وضعیت حقوقی قلمرو جامو و کشمیر را پیش بینی می‌کرد، لغو و رسماً به آن ضمیمه کردند. از آن زمان، مرحله جدیدی به رهبری حزب افراطی هندو (بهاراتیا جاناتا) که از سال ۲۰۱۳ بر کشور حکومت می‌کند، با عنوان تغییر هویت کشمیری و حذف کامل دولت نیمه خودمختار و اکثریت مسلمان در منطقه آغاز شده است و به عنوان بخشی از طرح خود با هدف تغییر جمعیتی، هند از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱، نزدیک به چهار میلیون مجوز اقامت برای هندی هایی که مایل به مهاجرت برای زندگی و مالکیت زمین در کشمیر بودند، صادر کرد.

این رقم در مقایسه با تعداد مسلمانان آنجا که از ۸ میلیون نفر فراتر نمی رود، بسیار زیاد است، که نشان از شتاب هند در سیاست «مهندسی» کشمیر، یعنی گرویدن آن به هندوئیسم دارد.^۱

برچیدن نمازخانه موقت مسلمانان در حیدرآباد با اعتراض هندوهای افراطی



مقامات حیدرآباد هند یک نمازخانه موقت را پس از شکایت گروه‌های هندوتوا برچیدند.

این موضوع پس از آن علنی شد که برخی از گروه‌های هندوتوا در حساب‌های رسانه‌های اجتماعی خود این خبر را به اشتراک گذاشتند.

مقامات حیدرآباد این نمازخانه موقت را که در کانتینر یک کامیون در سواحل رودخانه موسی در منطقه آمبرپت ایجاد شده بود به بهانه اینکه این سازه غیرقانونی است و هیچ مجوزی از مقامات مربوطه نداشت برداشتند.

برخی از گروه‌های محلی به وجود این نمازخانه اعتراض و شکایت‌هایی را به مقامات محلی ارائه کردند که پس از آن پلیس وارد عمل شد و این سازه را حذف کرد.

یک گروه هندوی افراطی در صفحه وب سایت خود نوشت: کابینی از آهن را به اینجا آورده بودند و به شکل مسجد در آوردند. نماز نیز در این نمازخانه اقامه شد. سه روز بعد، وقتی یک گروه هندو این موضوع مطلع شد، به سایر سازمان‌های هندو اطلاع دادند. سازمان‌های هندو با هم نامه‌ای به مقامات ناحیه نوشتند و خواستار حذف مسجد غیرقانونی شدند. پلیس و مقامات محلی، پس از آن این نمازخانه را حذف کردند.

از زمان روی کار آمدن دولت نارندرا مودی که سیاست‌های ملی‌گرایانه و ضد مسلمانان را دنبال می‌کند، حملات هندوهای افراطی علیه اقلیت مسلمانان این کشور شدت زیادی گرفته است.

حملات فزاینده افراط‌گرایان هندو علیه مسلمانان در هند سوالات زیادی را در مورد پیشینه این حملات و علل و اهداف واقعی آنها مطرح کرده است. هفته گذشته دستگاه قضایی هند اعلام کرد که تداوم حملات سیستماتیک و نظام‌مند علیه مسلمانان از سوی ملی‌گرایان هندو در این کشور را که با وجود درخواست‌ها از دولت نارندرا مودی برای مقابله با سخنان نفرت‌آمیز شدت گرفته است، پیگیری می‌کند.^۱

^۱ <https://syaacq.com/۱۶۵۵۷>

هند، تاریخ حاکمان مسلمان را از کتاب‌های درسی حذف کرد



در سایه تشدید گرایش ملی افراطی هندو در هند، شورای ملی تحقیقات تربیتی و آموزشی این کشور که مسئول تهیه برنامه‌های درسی مدارس و آموزشگاه‌هاست، فصل‌های مربوط به حکام مسلمان هند در قرن نوزدهم را حذف کرد.

شورای تربیتی و آموزشی هند وابسته به وزارت آموزش فدرال این کشور که کنترل آن در دست حزب حاکم بهاراتیا جانانا است، از مدت‌ها پیش برای این اقدام مقدمه چینی کرده بود.

براساس گزارش روزنامه تایم که سال گذشته منتشر شده بود، هدف از چنین اقدامی در واقع کوچک شمردن دستاوردهای حاکمان مسلمان در هند است.

در همین چارچوب مقامات هند در پنج سال اخیر بخش‌های مربوط به اوج گیری دین اسلام در هند در کتاب‌های درسی را به تدریج حذف کرده‌اند.^۱

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۵۶۳۹۴۰>

اسلام‌هراسی در غرب

افزایش نگران‌کننده آزار کودکان مسلمان در آمریکا



حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز دوره جدیدی برای مسلمانان در ایالات متحده بود. مدت کوتاهی پس از حملات تروریستی به برج‌های دوقلو و پنتاگون، بسیاری از مسلمانان و همچنین دیگر آمریکایی‌های عرب هدف خشم و نژادپرستی در ایالات متحده قرار گرفتند.

با گذشت بیش از دو دهه از این حوادث، پدیده اسلام‌هراسی همچنان دامن‌گیر مسلمانان آمریکا است و در دوره ریاست جمهوری ترامپ که گفته بود ورود مسلمانان به این کشور را ممنوع خواهد کرد، شاهد افزایش آن بود. بر اساس گزارش ABC News، ترامپ گفته بود که به اعتقاد وی اسلام از ما متنفر است.

با افزایش سخنان نفرت انگیز ضد مسلمانان در ایالات متحده در سالهای اخیر، متأسفانه کودکان به هدف اصلی این نفرت تبدیل شده‌اند. کودکان مسلمان به ویژه در مدارس به دلیل مذهب خود در معرض انواع مختلف تبعیض، آزار و اذیت و حتی خشونت قرار دارند.

سازمان ملل متحد سخنان تنفرآمیز را این گونه تعریف می‌کند:

هر نوع ارتباط کلامی، نوشتاری یا رفتاری که با اشاره به یک فرد یا گروه بر اساس هویت و یا به عبارت دیگر بر اساس مذهب، قومیت، ملیت، نژاد، رنگ، اصل و نسب، جنسیت یا هر عامل شناسایی دیگری از زبان تحقیرآمیز یا تبعیض آمیز علیه شخص دیگری استفاده شود. این اقدامی است که در ایالات متحده به عنوان یک جرم کیفری طبقه بندی می‌شود.

نرخ بالای نفرت

شورای روابط آمریکایی-اسلامی (CAIR) گزارشی را منتشر کرد که در آن موارد شکایت حقوق مدنی در سراسر آمریکا توسط مسلمانان آمریکایی در سال ۲۰۲۲ را دربر می‌گرفت. این بررسی نشان داد شکایات حقوق مدنی ۲۳ درصد کاهش داشته است، در حالی که شکایات در مورد حوادث مدرسه ۶۳ درصد افزایش یافته است.

کوری سیلر، رئیس بخش تحقیقات شورای روابط آمریکایی-اسلامی در گفتگو با خبرگزاری آناتولی درباره یافته‌های این گزارش گفت که این اولین

کاهش ثبت شده در شکایات حقوق مدنی توسط مسلمانان آمریکایی از زمان شروع بررسی این داده‌ها در سال ۱۹۹۵ است.

سیلر گفت که مردم آمریکا هنوز مسلمانان را به عنوان بخشی از جامعه نمی‌پذیرند. وی افزود: نمایش مسلمانان در رسانه‌ها پس از آن که دادگاه عالی آمریکا پرونده رو علیه واید در مورد سقط جنین در سال ۲۰۲۲ را رد کرد و خروج ایالات متحده از افغانستان در سال ۲۰۲۱ گواه آن است.

سخنان نفرت انگیز در مدارس و بانک‌ها ادامه دارد

شکایات مدنی از سخنان نفرت انگیز ناشی از حوادث مدرسه در سال ۲۰۲۲ ۶۳ درصد افزایش یافت. این موضوع باعث شد کوری سیلر بگوید «ما به شدت نگران مطالب اسلام هراسانه در کلاس درس هستیم. بنابراین در حالی که ما از کاهش موارد مربوط به دولت خرسندیم متأسفانه، به نظر می‌رسد کودکان یکی از اهداف اصلی باشند.»

وی تأکید کرد که با وجود برخی مصادیق منفی، خبرهای مثبتی برای مسلمانان در آموزش و ورزش وجود دارد. سیلر خاطرنشان کرد که مقامات دولتی در اوهایو و مریلند قوانینی را برای حمایت از ورزشکارانی که به دلیل اعتقادات مذهبی خود روسری می‌پوشند، تصویب کرده‌اند.

سیلر با اشاره به اینکه با وجود کاهش ۲۳ درصدی کل شکایات، در حوزه آموزش و بانکداری، اقدامات ضد اسلامی همچنان روند صعودی دارد، افزود:

مؤسسات مالی بر اساس اعتقادات دینی حساب‌های بانکی را باز و مسدود می‌کنند که باعث شده بانکداری چالش بزرگی برای مسلمانان باشد. او به نظرسنجی انجام شده توسط موسسه سیاست اجتماعی و تفاهم در مارس گذشته اشاره کرد که نشان داد ۲۷ درصد از مسلمانان در ایالات متحده با مؤسسات مالی مشکل دارند.

چرا کودکان به اهداف اصلی تبدیل شدند؟

دلایل این پدیده پیچیده است، اما برخی از عوامل کلیدی می‌توانند به توضیح اینکه چرا کودکان هدف اصلی نفرت ضد مسلمانان در ایالات متحده هستند، کمک کند. به گفته کارشناسان، مهمترین آنها موارد زیر است:

اول، کودکان به عنوان اهداف آسان برای گروه‌های آزار و نفرت دیده می‌شوند. آنها آسیب پذیر هستند و اغلب فاقد مهارت‌های اجتماعی و عاطفی برای دفاع از خود در برابر آزار و اذیت و تبعیض هستند. این آنها را به هدف آسانی برای کسانی تبدیل می‌کند که می‌خواهند نفرت پراکنی کنند و جامعه را تجزیه کنند.

دوم، کودکان مسلمان اغلب اقلیت‌های قابل مشاهده هستند، که آنها را بیشتر در معرض دید و آسیب پذیری در برابر تبعیض قرار می‌دهد. طبق گزارش مرکز تحقیقاتی pew، مسلمانان تنها حدود ۱ درصد از جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند. این بدان معناست که کودکان مسلمان اغلب در مدارس یا محله‌های خود تنها کسانی هستند که روسری یا سایر لباس‌های سنتی می‌پوشند، به زبان

عربی یا زبانی غیر از انگلیسی صحبت می‌کنند یا از آداب مذهبی متفاوت پیروی می‌کنند. این دیدگاه می‌تواند آنها را هدف تبعیض قرار دهد، به ویژه در جوامعی که درک یا پذیرش کمی از تنوع وجود دارد.

سوم، رسانه‌ها نقش مهمی در تداوم کلیشه‌ها و تعصبات ضد مسلمانان ایفا کرده‌اند، که می‌تواند بر نحوه درک و رفتار مردم با کودکان مسلمان تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، پوشش رسانه‌ای حملات تروریستی، اغلب اسلام و مسلمانان را با خشونت و تروریسم مرتبط می‌سازد، که در ذهن برخی از آمریکایی‌ها، از جمله کودکان، تصور منفی از مسلمانان ایجاد می‌کند.

چهارم، جو سیاسی کنونی در ایالات متحده فضایی را ایجاد کرده است که در آن نفرت ضد مسلمانان می‌تواند شکوفا شود. رهبران سیاسی اغلب از لفاظی‌های ضد مسلمانان برای جلب نظر پایگاه خود استفاده می‌کنند و برخی حتی سیاست‌هایی را برای هدف قرار دادن مسلمانان بر اساس اعتقاداتشان پیشنهاد کرده‌اند. این می‌تواند باعث ایجاد حس ترس و بی‌اعتمادی نسبت به مسلمانان به طور کلی از جمله کودکان مسلمان شود.^۱

زادت-حدتة-بدرجۃ-مهولة-لماذا- <https://www.trtarabi.com/explainers/> ۱

یستهدف-خطاب-الکراهیۃ-بأمریکا-أطفال-المسلمین-۱۲۹۹۱۶۶۰

پشت پرده جدا کردن کودکان مسلمان از خانواده‌ها در کشورهای اروپایی



اخیرا ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌دهد پلیس و ماموران سازمان حفاظت از کودکان آلمان، پسر بچه‌ای را با اعمال زور از خانواده‌اش جدا می‌کنند.

پسر بچه مذکور در ویدئو مرتباً گریه می‌کند و سعی می‌کند در برابر ماموران مقاومت کند؛ همزمان اعضای خانواده‌اش تلاش دارند تا ماموران را از این اقدام منصرف کنند، زیرا کودک مشکلات سلامت دارد.

انتشار این ویدئو که به گستردگی در شبکه‌های اجتماعی پخش شد، سبب شد تا انتقادهایی شدید متوجه مقام‌های آلمانی شود؛ در عین حال، منتقدان می‌گویند که چنین اقدامی در تضاد با ادعاهای آلمان به عنوان یکی از کشورهای قائل به آزادی‌های اساسی از جمله آزادی ادیان است.

دلیل جداسازی کودک مذکور از خانواده‌اش گزارش مدرسه به پلیس مبنی بر آموزش مسائل اسلامی به کودک در خانواده بوده است؛ در واقع پلیس پس از دریافت گزارش مدرسه اقدام به جداسازی اجباری کودک از خانواده‌اش کرد. تاکنون اخبار متعدد و ویدئوهای مختلفی از جداسازی اجباری کودکان مسلمان از خانواده‌هایشان در کشورهای غربی به ویژه سوئد منتشر شده است؛ اقدامی که به زعم منتقدان و ناظران بی عدالتی در حق خانواده‌های مسلمان است. به عنوان مثال، سوئد در سال ۲۰۲۰ بیش از ۹ هزار کودک را بدون رضایت خانواده‌هایشان تحت مراقبت‌های دولتی قرار داد که کودکان مسلمان در نسبت با سهمشان از جمعیت این کشور، سهم نامتناسبی از این کودکان را به خود اختصاص داده‌اند.

واکنش مقام‌های آلمانی

پلیس «برمر هافن» در ایالت برمن آلمان ضمن تایید ویدئوی مذکور اعلام کرد که این حادثه در هفته گذشته رخ داده است؛ این نهاد مدعی شد که دلیل مطرح شده برای جداسازی اجباری کودک مسلمان نادرست است. پلیس «برمر هافن» با انتشار بیانیه‌ای ادعا کرد که ویدئوی منتشر شده بخش بریده شده‌ای از اقدام جهت اجرای حکم دادگاه برای مراقبت از دو کودک است، اما پلیس نمی‌تواند توضیح بیشتری در این باره بدهد.

نکته مهمی که باید به آن اشاره شود، مطالعه ایست که نتایجش دو هفته پیش اعلام شد؛ بر اساس مطالعه مذکور نگرش پلیس آلمان به مسلمانان منفی بوده و آن‌ها را افرادی بیگانه می‌دانند.

اداره رفاه جوانان آلمان در برمر هافن هم از اظهارنظر در این باره خودداری کرد.

دلیل جداسازی کودکان مسلمان از خانواده‌هایشان در کشورهای غربی

تاکنون گزارش‌های متعددی از جداسازی هدفمند کودکان مسلمان از خانواده‌هایشان در کشورهای غربی مانند کانادا، سوئد، هلند و آلمان منتشر شده است؛ اقدامی که مورد انتقاد شدید مسلمانان و گروه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری قرار می‌گیرد.

دلایل متعددی پشت چنین اقدام‌هایی قرار دارند، اما دلیل اصلی چنین برخوردی با خانواده‌های مسلمان همان تبعیض و نژادپرستی علیه مسلمانان در کشورهای غربی است.

کودکان مسلمان جدا شده از خانواده که تحت مراقبت دولت قرار می‌گیرند، در ادامه وارد پروسه فرزند خواندگی می‌شوند و خانواده‌ها فقط پس از طی روند دادگاه می‌توانند حضانت فرزند خود را مجدداً به دست بگیرند.

کودکان مسلمان جدا شده عامدانه تحت سرپرستی خانواده‌های مسیحی قرار می‌گیرند تا به زعم مقام‌های اروپایی فرآیند ادغام در جامعه سکولار را طی کنند.

گزارش‌هایی نیز از بی توجهی مقام‌های کشورهای اروپایی در واگذاری سرپرستی آن‌ها به افراد پدوفیل منتشر شده است.

نکته قابل تأمل این که خانواده‌هایی که کودکان مذکور را به سرپرستی می‌گیرند حقوق قابل توجهی را که از مالیات معاف است، به صورت ماهانه دریافت می‌کنند؛ ضمن این که خانواده‌های مذکور با دادن هدایایی کودکان را اغوا می‌کنند تا به سمت خانواده‌های خود بازنگردند.

پیامدهای جداسازی اجباری کودکان

منتقدان می‌گویند که جداسازی کودکان از خانواده‌هایشان با هدف آموزش آنان جهت تطابق با زندگی بر اساس قوانین کشور مقصد، بسیار مضر و آسیب‌زاست و آسیب‌های جبران‌ناپذیر درازمدتی را در پی خواهد داشت؛ آن‌ها تأکید دارند که این اقدام نقض آشکار حقوق بشر است.

شمار قابل توجهی از این کودکان پس از جدا شدن از خانواده دست به خودکشی می‌زنند یا قربانی تجاوز جنسی از سوی سرپرستان تعیین شده توسط دولت می‌شوند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که کودکان جدا شده از خانواده از نرخ بالاتر مرگ و میر و بیماری و البته ارتکاب جرم رنج می‌برند.

به عنوان مثال، در سوئد، کودکانی که تحت مراقبت خدمات اجتماعی قرار می‌گیرند با نرخ بالاتری از مرگ و میر مواجهند، در بیمارستان بستری می‌شوند، دچار بیماری‌های روانی می‌شوند و دست به جرم و جنایت می‌زنند؛ ضمن این که

مشکلات بیشتری در زمینه تحصیل دارند. «سیو وستورگ»، وکیل بین‌المللی شناخته شده‌ای که در هشت پرونده در دادگاه حقوق بشر اروپا علیه خدمات اجتماعی سوئد پیروز بوده، گفت: آن‌ها کودکان مسلمان را می‌ربایند، چون نمی‌خواهند بپذیرند که راه دیگری هم برای زندگی وجود دارد.^۱

شیوه‌ها و ترفندهای راست‌گرایان افراطی برای نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان



در سال‌های اخیر، شاهد تلاش راست‌گرایان افراطی برای سوء استفاده از شبکه‌های اجتماعی به منظور ترویج عقاید و اندیشه‌های مسموم علیه دموکراسی و با هدف نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان هستیم.

شیوه‌ها و ترفندهای راست‌گرایان افراطی برای نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان

^۱ <https://www.mizanonline.ir/fa/news/۴۷۰۹۹۰۶>

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تقریب، پایگاه خبری یورونیوز در گزارشی به بررسی ابعاد مختلف نفرت پراکنی علیه مسلمانان در اروپا و به طور خاص در اسپانیا از طریق شبکه مجازی پرداخته است.

در این گزارش آمده است: در سال‌های اخیر، شاهد تلاش راست‌گرایان افراطی برای سوء استفاده از شبکه‌های اجتماعی به منظور ترویج عقاید و اندیشه‌های مسموم علیه دموکراسی و با هدف نفرت پراکنی علیه مسلمانان هستیم.

این افراطیون تلاش می‌کنند از طریق حساب‌های جعلی و ساختگی که بیشتر آنها در شبکه توئیتر قرار دارد، به تحریک احساسات علیه مهاجرت، اسلام و دموکراسی اسپانیایی که تعدد ارزش‌ها را پذیرفته، بپردازند.

در برخی موارد، این ملی‌گرایان افراطی به تبلیغ گفتمان نفرت‌انگیز و تهدید به خشونت می‌پردازند، و در موارد دیگر با تظاهر به مسلمانی از آن به عنوان ابزاری برای مخدوش کردن وجهه مسلمانان واقعی استفاده می‌کنند.

به عنوان مثال فردی با مدیریت صفحه‌ای در توئیتر، ادعا کرده که یک مسلمان اصیل ساکن اسپانیا و در عین حال حامی خشونت و افراط‌گرایی است. وی ادعا می‌کند به شش قرن پیش که مسلمانان بر اسپانیا حکومت می‌کردند، چشم دوخته است.

این حساب‌های جعلی و دیدگاه‌های دروغ و ساختگی، بخشی از تلاش‌های غیررسمی تندروهای اسپانیایی برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی و با هدف رواج و گسترش افکار افراطی خود است.

این افراد در پس جنبشی قرار دارند که به «استرداد و بازپس‌گیری» معروف شده و بر همان قواعد بازی افراطیون راست‌گرا در ایالات متحده آمریکا، برزیل و کشورهای دیگر تکیه می‌کنند و از شبکه‌های اجتماعی برای گسترش فعالیت‌ها و بسط نفوذ خود بهره می‌برند.

جنبش موسوم به بازپس‌گیری، از واژه «ریکونکیستا» که یک واژه اسپانیایی است، گرفته شده است. هنگامی که حکومت‌های مسیحی در شبه جزیره «ایبری» شروع به سیطره بر مناطقی کردند که تحت حکومت اسلامی قرار داشتند، واژه استرداد و بازپس‌گیری را برگزیدند، پیروان این جنبش افراطی مدعی هستند که مبارزه آنها با مسلمانان، پایان الهی نزاع خونین در طی قرون گذشته است.

پیروان این جنبش همانند ایالات متحده و کشورهای دیگر، فقط نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان و مهاجران را تبلیغ و ترویج نمی‌کنند، بلکه به انحرافات جنسی، ترویج ادعاهای گمراه‌کننده درباره سوء استفاده از کودکان و توطئه‌های فرضی برای از بین بردن ایده تنوع اجتماعی روی آورده‌اند، همچنان که این افراد از واکسن کرونا، جنبش زنان، تلاش‌های انجام شده برای تغییر آب و هوایی انتقاد کرده و از اوکراین در جنگ با روسیه حمایت می‌کنند.

نسخه‌ای برای فاجعه

«جویل وینکلستین» پژوهشگر مرکز (Contagion Research Institute) در آمریکا با انجام تحقیقاتی درباره افراط‌گرایی گزارشی درباره جنبش موسوم به استرداد و بازپس‌گیری منتشر کرده است.

وی در این زمینه می‌گوید: تشابه در راهبردها و اهداف جنبش‌های افراطی در جهان تصادفی نیست، بلکه نشان می‌دهد که چگونه این گروه‌ها از یکدیگر الگوبرداری می‌کنند.

این پژوهشگر می‌افزاید: این یک نسخه برای یک فاجعه است که در مناطق مختلف جهان شاهد اشکال مختلف آن هستیم.

این پژوهشگر با بیان این که با وجود اختلاف کشورها و ویژگی‌های آنها، این گروه‌ها در استفاده از این وسایل به یکدیگر شبیه هستند، خاطرنشان کرد: تحریک لفظی ممکن است به خشونت در صحنه میدانی و عملی یعنی خارج از فضای مجازی منجر شود.

آیا شبکه‌های ارتباط اجتماعی در افزایش نفرت پراکنی علیه مسلمانان نقش دارند؟

گفتمان خصمانه علیه مسلمانان از طریق حساب‌های مرتبط با جنبش موسوم به «استرداد و بازپس گیری» پس از حمله یک شهروند مغربی به کلیسایی در شهری در جنوب اسپانیا در ژانویه ۲۰۲۳ میلادی گسترش یافته است، حمله‌ای که به کشته شدن یک کارمند کلیسا و زخمی شدن یک کشیش منجر شد. عامل این حمله یک مهاجر غیرقانونی بود که اکنون در بخش بیماری‌های روانی یک زندان در اسپانیا در انتظار نتایج تحقیقات قضایی زندانی به سر می‌برد. مقامات معتقدند که رفتار این مهاجم شخصی بوده است.

افراطیون راست‌گرا در پارلمان

حزب فوکس که یک حزب راست‌گرای افراطی است، به تبلیغ و ترویج جنبش استرداد از طریق اینترنت و با به کارگیری این واژه در توثیقات خود پیش از انتخابات سال ۲۰۱۹ میلادی در اسپانیا کمک کرده است.

این حزب که اعضایش دیدگاه‌های بسیار خصمانه علیه مهاجران دارند، ۵۲ کرسی در پارلمان اسپانیا دارد که آن را به سومین حزب بزرگ در این نهاد قانونگذاری متشکل از ۳۵۰ نماینده در اسپانیا تبدیل کرده است.

حساب حزب فوکس برای مدت کوتاهی در توییتر در سال ۲۰۲۰ به اتهام تبلیغ برای تجاوز جنسی به کودکان مسدود شد، همچنانکه حساب وی بار دیگر در سال ۲۰۲۱ به سبب تحریک به خشونت و نفرت علیه مسلمانان مسدود گردید.

«سانتیاگو آباسکال» رئیس این حزب بارها به خصومت ورزی علیه مسلمانان دست زده است. وی در توثیتی نوشته بود امروز، سالروز استرداد گرانادا (در شبه جزیره ایبری اسپانیا) است، روزی که از خاطره‌ها محو نمی‌شود، روزی که تمام خاک وطن پس از هشت قرن از تهاجم اسلامی بازپس گرفته شد.

بیشتر طرفداران جنبش موسوم به استرداد، در حساب‌های شخصی خود آشکارا به تمجید از «فرانسسکو فرانکو» دیکتاتور فاشیستی می‌پردازند که حکومت وی بیش از چهل سال پیش پایان یافت. بسیاری از آنها به این اشاره می‌کنند که مسلمانان، «موریسکین» یا «المور» هستند. یک واژه تاریخی قدیمی برای مسلمانان شمال آفریقا به شمار می‌رود.

برخی دیگر در حساب خود با عنوان «در مسیر استرداد و بازپس‌گیری» چنین نوشته‌اند: «ما المور (اصطلاحی قدیمی درباره مسلمانان) را فقط از بین نمی‌بریم، بلکه کسانی که دروازه‌ها را به روی آنها باز کردند، هم از بین خواهیم بردم».

جنبشی که در اینترنت زندگی می‌کند

جنبش‌های راست‌گرای افراطی در بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند فهم عمومی از برخی رخداد‌های تاریخی مانند هولوکاست، بردگی و حمله ششم ژانویه ۲۰۲۱ به ساختمان کنگره آمریکا را بازتعریف کنند.

براساس پژوهش «مارک استفه دیل وال» استاد دانشگاه «خرونینگن» هلند در خصوص چگونگی استفاده جنبش «استرداد» از اینترنت، این جمعیت‌ها تلاش می‌کنند با نادیده گرفتن جزئیات تاریخی «استرداد» یا دیکتاتوری فرانکو، به دیدگاه‌های خصمانه علیه مهاجران به عنوان یک ارزش سنتی اسپانیا مشروعیت ببخشند.

وی معتقد است که اینترنت تنها مکانی برای تبادل اطلاعات توسط طرفداران این جنبش نیست، بلکه ابزار و وسیله‌ای برای ایده پردازی و سیاست‌ورزی به شمار می‌رود.

این استاد دانشگاه شبکه‌های اجتماعی را ابزارهایی برای سازمان‌دهی و آماده‌سازی و مکانی می‌داند که این جنبش در آن زندگی می‌کند.

زمانی که ایلان ماسک، کنترل توئیت‌ر را در دست گرفت، به صورت چشم‌گیری از تعداد کارمندانی که موظف به کشف اطلاعات گمراه‌کننده یا نفرت‌انگیز و یا محتوای افراطی بودند، کاست و به درخواست‌ها برای پایان دادن به فعالیت‌های جنبش استرداد در پلت‌فرم خود پاسخ نداد. این در حالی است که در سال‌های اخیر، شماری از جنبش‌های افراطی سازمان یافته به صورت غیررسمی از شبکه‌های اجتماعی به شیوه‌های مشابه استفاده کردند.

جنبش‌های مشابه در کشورهای دیگر

در ایتالیا، یک گروه مخالف واکسن از طریق تلگرام به تهدید پرستاران و پزشکان و دیگر افراد شرکت‌کننده در تلاش‌ها برای نجات بیماران مبتلا به کرونا پرداخت.

در آلمان، یک گروه مشابه که نام «(Querdenken)» را بر خود گذاشته، از فیسبوک برای تشویق به خشونت علیه طرفداران واکسیناسیون استفاده کردند. در ایالات متحده آمریکا، شبکه‌های ارتباط اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در اقدامات آشوب و اغتشاش در روز ششم ژانویه ۲۰۲۱ میلادی در ساختمان کنگره آمریکا ایفا کردند، و در حال حاضر طرفداران ترامپ رئیس‌جمهور سابق از این شبکه‌ها برای بزک کردن چهره خود و بهبود تصاویر رخدادهای آن روز استفاده می‌کنند.^۱

^۱ <https://arabic.euronews.com/۰۵/۰۵/۲۰۲۳/spain-anti-muslim-social-media-hate-speech-reconquista-vox-far-right>

برخورد تبعیض آمیز موسسات مالی هلند در خصوص مسلمانان



موسسات مالی هلند با استفاده تبعیض آمیز از قانونی که برای مقابله با پولشویی و اعمال تروریستی تصویب شده، مسلمانان را هدف می گیرند.

یک تبعیض ساختاری علیه مسلمانان در بانک ها و موسسات مالی هلند وجود دارد. این را مقام هماهنگ کننده در امر مقابله با تبعیض و نژادپرستی در این کشور می گوید. اجازه دهید توضیح دهم. اداره مالیات هلند قانونی با عنوان قانون جلوگیری از پولشویی و تامین مالی اقدامات تروریستی دارد که موسسات مالی نظیر بانکها، دفاتر اسناد، کارگزاری ها و کلا را موظف می کند درباره منشا پول مشتریان خود تحقیق کنند و معاملات غیرعادی را گزارش دهند. اگر کسی مشکوک به معاملات غیرمعمول باشد درباره اش تحقیق می شود و ممکن است نامش در یک فهرست موسوم به فهرست کلاهبرداران ثبت شود.

اما مسلمانان چگونه پایشان به این فهرست باز می شود؟ رابین بالسوئینگ، مقام هماهنگ کننده در مقابله با تبعیض و نژادپرستی می گوید: نهادهای مالی از این قانون برای متهم کردن مسلمانان استفاده می کنند. وی در مصاحبه ای به عنوان

نمونه از یک کارآفرین نام برد که نام خانوادگی‌اش حاوی یک نام مشترک در پاکستان است که با نام یک فرد وابسته به القاعده تطابق داشت. سال ۲۰۲۱ این کارآفرین را مجبور کردند سوالات بیشتری را در خصوص این مساله پاسخ دهد. دولت بعد از آن که به دروغ هزاران خانوار را به کلاهبرداری در مزایای کودکان متهم کرد مجبور به استعفا شد. بیش از نیمی از افراد متهم به خاطر تابعیت دوگانه و قومیت آنها هدف قرار گرفته بودند.^۱

عملیات فرانسه علیه مسلمانان مایوت



مقامات فرانسوی یک عملیات خشونت‌آمیز با هدف اخراج مهاجران غیرقانونی از محله‌های حاشیه‌ای در جزیره مایوت که اکثریت ساکنان آن را مسلمان تشکیل می‌دهند، آغاز نموده‌اند.

بر اساس آنچه وزیر کشور فرانسه ژرالد دارمنن بیان کرده، مقامات فرانسوی یک عملیات خشونت‌آمیز با هدف اخراج مهاجران غیرقانونی از محله‌های

^۱ <https://www.iribnews.ir/fa/news/۳۸۳۸۲۸۲>

حاشیه‌ای در جزیره مایوت که اکثریت ساکنان آن را مسلمان تشکیل می‌دهند، آغاز نموده‌اند.

وزارت کشور فرانسه این عملیات را «Wambushu» نامید که در زبان محلی موهوری به معنای «بازیابی» است. در این عملیات انواع خشونت علیه غیرنظامیان از جمله سلاح گرم و گلوله واقعی به کار گرفته شده است. بر اساس حکم صادره از قوه قضاییه فرانسه، روند اخراج و تخلیه «غیرقانونی» است و مطبوعات پاریس آن را خشونت سیاسی و نقض آشکار قانون نامیده‌اند.

پاریس «Wambocho» را اجرا کرد

قبل از شروع عملیات Wambushu در روز دوشنبه، وزارت کشور فرانسه به شدت نسبت به علنی شدن این عملیات حساسیت نشان داد. روزنامه طنز «Le Canard Enchaîné» اولین رسانه‌ای بود که در مورد آن صحبت کرد. این روزنامه در ۱۲ آوریل فاش کرد که وزارت کشور بلافاصله پس از پایان ماه رمضان در حال آماده شدن برای یک عملیات گسترده علیه مسلمانان در مایوت است.

این روزنامه افزود، به گفته یک منبع پلیس که از افشای هویت خود خودداری کرد، پاریس بیش از ۵۰۰ نفر دیگر از نیروهای اجرای قانون CRS و پلیس را به جزیره فرستاده است. و اینکه این روند می‌تواند دو تا سه ماه به طول بینجامد.

ژرالد دارمن وزیر کشور فرانسه روز جمعه سکوت خود را شکست و گفت: این عملیات، «تعقیب باندهای جنایتکار که فرانسوی‌ها را در جزیره به وحشت می‌اندازند» را در اولویت قرار می‌دهد و «ما با دستور قضایی ۱۰۰۰ محله حاشیه‌ای را که (از این پس) در فرانسه غیرقابل قبول خواهند بود، ویران خواهیم کرد.»

خسونت و آوارگی غیرقانونی

روز دوشنبه ۲۴ آوریل، وزارت کشور فرانسه عملیات Wamboucho را با مشارکت ۱۸۰۰ افسر مجری قانون CRS و پلیس ملی آغاز کرد. مقامات فرانسوی از خسونت و فشار علیه ساکنان محله‌ها استفاده کردند که از تخلیه منازل خودداری کردند که منجر به درگیری‌های خسونت آمیز شد. به گفته ادوی پلنل، روزنامه‌نگار فرانسوی و سردبیر وبسایت مدیاپارت، پلیس فرانسه در یک روز از «بیش از ۶۵۰ نارنجک گاز اشک‌آور، ۸۵ نارنجک شوکر و ۶۰ گلوله لاستیکی» و «اسلحه گرم» استفاده کرد. روزنامه نگار کهنه کار فرانسوی این روند را «صحنه‌های واقعی جنگ و نژادپرستی علیه مهاجران، تبعیدیان و پناهندگان توصیف کرد.

حکم دادگاه فانسوی این عملیات را غیرقانونی دانسته بود چرا که ممکن است یک تهدید آشکار برای امنیت شخصی ساکنان آن محله‌ها باشد.

از سوی دیگر، بیش از ۱۷۰ مقام بهداشتی شاغل در مایوت قبلاً در بیانیه‌ای نسبت به خطرات سلامتی ناشی از هرگونه مداخله گسترده برای جابه‌جایی ساکنان محله‌های حاشیه‌ای جزیره هشدار داده‌اند.

کومور از پذیرش مهاجرانی که مقامات فرانسوی به دنبال اخراج آنها در خاک خود هستند، خودداری کرد. حمید مسعیدی، سخنگوی دولت گفت: کومور قصد ندارد از طریق روند برنامه ریزی شده توسط دولت فرانسه در مایوت، اخراج شدگان را بپذیرد.

این موضوع روز شنبه توسط فکر الدین محمود، وزیر کشور کومور تایید شد و گفت: «دولت من موضع خود را در تاریخ ۱۰ آوریل به صراحت اعلام کرده است: اخراج‌ها را نمی‌پذیریم.»

درباره مایوت چه می‌دانید؟

مایوت در سواحل شرقی آفریقا واقع شده است و از نظر جغرافیایی به مجمع الجزایر کومور وابسته است. جمعیت جزیره مایوت حدود ۲۸۸ هزار نفر است که ۹۷ درصد آنها مسلمان هستند که پس از اشغال سرزمینشان در سال ۱۸۴۱ تا امروز تحت حاکمیت فرانسه زندگی می‌کنند و تابعیت فرانسه را دارند. با وجود این، ساکنان جزیره هویت آفریقایی-عربی خود را حفظ می‌کنند، زیرا آنها هنوز لباس‌های سنتی جزیره را می‌پوشند و به زبان‌های بومی خود صحبت می‌کنند. آنها همچنین هنوز دین و آیین اسلامی خود و تأثیرات آن را در جزیره حفظ کرده‌اند،

جایی که قدیمی‌ترین مسجد فرانسه در اوایل قرن شانزدهم پس از میلاد ساخته شده است.

مایوت در سواحل شرقی آفریقا و در عرض اقیانوس هند با مساحت ۳۷۴ کیلومتر مربع واقع شده است. مردم کومور برای مدت طولانی علیه اشغال فرانسه مبارزه کردند تا اینکه در سال ۱۹۶۱ به آنها خودمختاری اعطا شد. سه سال بعد، این جزایر خواستار استقلال کامل شدند. پس از مبارزه طولانی با اشغال، فرانسه مجبور به برگزاری همه پرسی استقلال در کومور در سال ۱۹۷۴ شد.

در سال ۱۹۷۴، طبق گزارش قبلی منتشر شده توسط مرکز تحقیقات انسانی و اجتماعی در ترکیه، ۹۵ درصد از جمعیت کومور بزرگ به استقلال رای دادند که پس از ۵ ماه توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته شد، اما فرانسه همه پرسی را در سال ۱۹۷۶ تکرار کرد و این بار ۶۵ درصد از جمعیت جزیره به مایوت رای دادند تا تحت مدیریت فرانسه باقی بماند، در حالی که ۹۵ درصد از جمعیت جزایر دیگر به استقلال رأی دادند. علیرغم قطعنامه سازمان ملل متحد در این زمینه استقلال خود را به دست نیاورد.

در سال ۲۰۱۱، ساکنان جزیره رای دادند که این جزیره به عنوان یکصد و یکمین بخش اداره ارضی فرانسه تبدیل شود. در سال ۲۰۱۴، اتحادیه اروپا موافقت کرد که آن را در قلمرو خود قرار دهد تا به دورترین قلمرو اروپایی از پایتخت خود، بروکسل تبدیل شود. از سال ۱۹۹۵، فرانسه برای ورود به مایوت روایدی را برای ساکنان کومور وضع کرد که باعث رشد مهاجرت غیرقانونی به آن شد و این جزیره به مقصد موج پناهندگی تبدیل شد.

طبق آمار فرانسوی‌ها زندگی اجتماعی در مایوت راحت نیست زیرا ۱۰ درصد از جمعیت جزیره از برق محروم هستند، ۲۹ درصد به آب آشامیدنی دسترسی ندارند و حتی بیش از نیمی از جمعیت جزیره به حمام دسترسی ندارند. همچنین حداقل دستمزد در آنجا ۲۵ درصد کمتر از قلمرو اروپایی فرانسه است.^۱

آذربایجان: محاکمه به دلیل بردن فرزندان خود به جشن میلاد حضرت فاطمه (س)



حداقل هفت مسلمان شیعه به دلیل بردن فرزندان خود به جشنی در یک مرکز خرید به مناسبت سالروز تولد حضرت فاطمه سلام الله علیها، دختر پیامبر اسلام، با پرونده‌های قضایی روبرو شدند. چهار نفر به پرداخت نصف درآمد خود برای دو ماه جریمه شدند. یکی از جریمه‌شدگان، میل کریموف، به حکم دادگاه

عملیة-وامبوشو-لماذا-تهجر-فرنسا- <https://www.trtarabi.com/explainers/>

المسلمین-من-جزیره-مایوت-۱۲۹۸۲۲۱۴

دستگیر شد و در میان صدها مسلمان شیعه در زندان است. این افراد به اتهام حمل مواد مخدر زندانی می‌شوند هر چند مدافعان حقوق بشر می‌گویند این اتهام‌ها ساختگی است اما محاکمه شیعیان در باکو به ویژه سردار بابایف به عنوان امام شیعیان همچنان ادامه دارد.

در اواخر ژانویه و اوایل فوریه، دادگاه باکو پرونده‌هایی را علیه حداقل هفت مسلمان شیعه به دلیل همراه بردن فرزندان‌شان به یک جشن مذهبی مهم به مناسبت، سالروز میلاد فاطمه زهرا سلام الله علیها بررسی کرد. پس از اینکه پلیس این پرونده‌ها را به دادگاه ارسال کرد، حداقل چهار نفر از این افراد به میزان نصف درآمد خود جریمه شدند.

این چهار نفر وقوع هرگونه رویداد مذهبی سازمان یافته را انکار کردند و در دفاع از خود گفتند: «ما فرزندان خود را در اعیاد مذهبی به گردش و تفریح می‌بریم».

دادگاه پرونده علیه مسلمان پنجم را به پلیس بازگرداند زیرا پرونده تخلف فرد پنجم به درستی تکمیل نشده بود. هنوز اطلاعات کافی درباره اینکه آیا پرونده علیه دو مسلمان دیگر منجر به مجازات شده است یا خیر موجود نمی‌باشد.

یکی از جریمه‌شدگان، میل کریموف ۴۰ ساله، در ۲ فوریه، با وجود رای دادگاه مبنی بر جریمه نقدی به دلیل باز شدن پرونده دیگری از سوی پلیس در همان دادگاه برای مدت ۴ ماه بازداشت شد، به این دلیل که پلیس از او پیرامون اتهاماتی مرتبط با مواد مخدر تحقیق می‌کند. این در حالی است که خانواده او دو روز بعد متوجه شدند که او دستگیر شده است.

عارف یونس، مدافع حقوق بشر، تعداد مسلمانان شیعه‌ای را که باکو بین ژانویه تا اواسط آوریل ۲۰۲۳ دستگیر کرد، ۳۷۰ نفر اعلام کرد.

محاکمه جنایی امام سردار بابایف به اتهام خیانت که از اکتبر ۲۰۲۱ در بازداشت به سر می‌برد، در ماه مارس در باکو آغاز شد و همچنان ادامه دارد.

دادگاه عالی باکو قرار است در ۸ ژوئن به محکومیت وی به دلیل امتناع از خدمت سربازی اجباری به دلایل اعتقادی رسیدگی کند. او ابتدا به حبس محکوم شد، اما این حکم در دادگاه تجدید نظر به یک سال تعلیق تبدیل شد. دولت آذربایجان مکرراً از اجرای تعهد خود به شورای اروپا برای معرفی جایگزینی برای خدمت سربازی اجباری خودداری کرده است.

دادگاه حقوق بشر اروپا در استراسبورگ در مورد یکی از پرونده‌های امام بابایف به دلیل بازداشت موقت طولانی‌مدت وی و همچنین در مورد سه پرونده دیگر که افراد به دلیل داشتن عقاید مذهبی زندانی یا جریمه شده‌اند با دولت آذربایجان در تماس بوده است.

جریمه حضور کودکان در جشن مذهبی

سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، دختر پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) که جشنی کلیدی به ویژه برای مسلمانان شیعه است، امسال در ۱۳ ژانویه برگزار شد. در آن روز، مسلمانان شیعه با فرزندان خردسال خود به مرکز خرید زاگولبا در بوزونا رفتند. این مرکز خرید در شبه جزیره آبشرون در شرق باکو در منطقه خزر این شهر واقع شده است.

این تاریخ مصادف با هشتمین سالگرد تأسیس جنبش وحدت مسلمانان بود. منشور جنبش یکی از اهداف خود را «حفاظت و توسعه ارزش‌های ملی و اخلاقی اسلامی در جامعه» توصیف می‌کند و به ویژه جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهد.

دولت آذربایجان تعداد زیادی از اعضای جنبش وحدت مسلمین را زندانی کرده است. رهبر جنبش، زندانی عقیدتی طالع باقروف (معروف به باقرزاده) در حال گذراندن دوران محکومیت ۲۰ ساله خود است. او در زندان فوق امنیتی قبوستان در ۴۰ کیلومتری جنوب غربی باکو نگهداری می‌شود.

در ۱۴ ژانویه ۲۰۲۳، مأموران کلانتری دوم ناحیه خزر پرونده تخلفی را علیه حداقل هفت مرد مسلمان تنظیم کردند. سپس پرونده‌ها به دادسرای ناحیه خزر تحویل داده شد.

این افراد همگی به نقض ماده ۵۱۵,۰,۳ قانون اداری متهم شدند. این مجازات «روحانیون و اعضای انجمن‌های مذهبی که جلسات ویژه برای کودکان و نوجوانان برگزار می‌کنند و همچنین سازماندهی یا برگزاری توسط هیئت‌های مذهبی باشگاه‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته کارگری، ادبی یا سایر گروه‌هایی که با برگزاری مراسم مذهبی مرتبط نیستند را مجازات می‌کند».

وزارت کشور در ۱۴ ژانویه به رسانه‌های محلی گفت: «در باکو، گروهی از والدین، کودکان را به طور غیرقانونی در اجرای مراسم مذهبی دخالت دادند. در ۱۳ ژانویه، پلیس محلی اطلاعاتی در مورد گروهی از مردم در روستای بوزونا دریافت کرد که کودکان خردسال خود را در اجرای مراسم مذهبی شرکت می‌

دادند. تحقیقات در حال حاضر در این زمینه در جریان است.» در ادامه این بیانیه آمده است که «اقدامات قانونی» علیه کسانی که «به طور غیرقانونی افراد زیر سن قانونی را در اجرای مناسک مذهبی شرکت می‌دهند» اتخاذ خواهد شد.^۱

۱ <https://www.eurasiareview.com/۲۶۰۴۲۰۲۳-azerbaijan-fined-for-religious-celebration-then-arrested/>



بخش سوم: تحلیل ها

ظهور و اتیکان شیعه در عراق



از سال ۲۰۰۳ قدرت و نفوذ هیچ شخص و گروهی در عراق به اندازه مقامات مذهبی شیعه تغییر نکرده است. از سالهای اولیه اشغال عراق توسط آمریکا، تلاش مراجع شیعه برای استقلال از حکومت آغاز شد و اکنون این تلاش‌ها به ثمر نشست است و نتایج آن را می‌توان در عرصه فراهنگ در عراق دید. نهادهای آمریکایی-اروپایی، مجموعه میراث فرهنگی عراق را از آغاز تأسیس این کشور شکل داده‌اند. موزه ملی عراق، حوزه باستان‌شناسی و اداره دولتی آثار و میراث (SBAH) همگی به دست غربی‌ها تأسیس شده‌اند. این وابستگی نهادی به دانش غربی عمده‌تا تاکنون ادامه یافته است. با وجود این، در سالهای اخیر، یک الگوی فعال و ارگانیک از میراث فرهنگی جدا از رویه غربی پدید آمده که اساس آن مدیریت منابع محسوس و نامحسوس مربوط به شیعه است.

امروزه مراجع با تکیه بر مدیریت عتبات و موقوفات شیعیان، از قدرت و منابع مالی عظیمی در عراق بهره مند هستند. گسترش سریع زیارتگاه‌ها و املاک تجاری متعلق به اوقاف شیعیان نشان‌دهنده سیاست جدید و مستقلى است که مرجعیت شیعه در طول تاریخ در پی دستیابی به آن بوده است. این هدف سریعاً پس از سرکوب خشنی که شیعیان در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تجربه کردند، باید محقق می‌شد. اکنون نهادهای مذهبی که گوناگون و عمدتاً غیرمتمرکز هستند، در هتل‌داری، املاک و مستغلات، بیمارستان‌های خصوصی، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و باغ‌ها سرمایه‌گذاری کرده و درآمد حاصل از گردشگری مذهبی را کنترل می‌کنند.

بنابراین، یک اقتصاد سیاسی جدید بر پایه مجموعه گسترده‌ای از نهادهای مرتبط با طبقه روحانیت شیعه پدید آمده است که همچون یک نهاد دولتی در عراق عمل می‌کند. زیارتگاه‌ها و موقوفات شیعیان به سبب سرمایه‌گذاری‌های روبه‌رشد، در حال گسترش هستند و صدها زیارتگاه جدید در سراسر کشور در حال ساخت است. این کار، شبکه‌ای از مکان‌های فرهنگی و مذهبی در سراسر کشور ایجاد کرده که سود شبکه زیارتی یا گردشگری مذهبی شیعیان را افزایش می‌دهد.

گسترش زیارتگاه‌ها و سرمایه‌گذاری در خرید ملک و زمین، به تدریج کل فضای فیزیکی را دگرگون و در خدمت نهادهای مذهبی شیعه قرار می‌دهد. نجف، کربلا، کاظمین و سامرا اکنون نمونه‌هایی هستند از اینکه چگونه مقامات اوقاف و حرم شیعیان کل محله‌ها را تغییر داده‌اند تا برنامه‌های خود را برای افزایش

شمار زائران اجرایی کنند. این در حالی است که رژیم بعث پیش از سال ۲۰۰۳ می‌کوشید فعالیت مذهبی و سیاسی شیعیان را بسیار محدود کند.

غالباً، تصاحب املاک و اماکن فرهنگی-مذهبی با مناقشه، به‌ویژه با اوقاف اهل سنت، همراه بوده است. رقابت بر سر املاک فرهنگی و مذهبی بین موقوفات شیعه و سنی موضوعی است که در سراسر کشور ادامه دارد. با گذشت زمان، گسترش زیارتگاه‌های شیعیان بر بسیاری از محیط‌های شهری و جغرافیایی آنها تأثیر خواهد گذاشت.

نهادهای مذهبی شیعه در حال کشف این موضوع هستند که در چارچوب برجستگی و گسترش روزافزون قدرت مذهبی و سیاسی خود، در قبال ارائه خدمات مختلف به ویژه در حوزه فرهنگ مسئولیت دارند. نهادهای مذهبی شیعه پس از تثبیت استقلال مالی، می‌توانند بخش بزرگی از چشم‌انداز فرهنگی عراق را آن‌گونه که می‌خواهند، شکل بدهند. هر یک از پنج زیارتگاه اصلی در کربلا، نجف، کاظمین و سامرا دارای ساختار مدیریتی غیرمتمرکز هستند؛ آنها می‌توانند رقابتی سازنده با یکدیگر جهت رساندن منافع ملموس به مردم و زائران داشته باشند. همه زیارتگاه‌ها یک هدف بیشتر ندارند: ایجاد و تثبیت شبکه‌ای گسترده و به‌هم‌پیوسته از زیارتگاه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها. این موضوع الگویی غیرمتمرکز اما قدرتمند از یک نهاد فرهنگی-مذهبی پدید آورده است.

حوزه علمیه، مجموعه‌ای از مدارس دینی شیعه، در طول تاریخ مولد و پشتیبان علم بوده است. مدارس و مراکز آموزشی گوناگون حوزه امروز فعال هستند و هزاران طلبه از عراق و خارج از کشور را در خود جای داده‌اند. با وجود

این، ابتکار عمل‌ها در حوزه میراث فرهنگی نیز تا حدی مشهود است؛ برای نمونه، توسعه موزه‌های میراث فرهنگی، مانند موزه امام حسین و موزه کفیل در کربلا که دارای مجموعه‌های تاریخی قابل توجه و روبه‌رشدی هستند. این موزه‌ها همچنین برای احیای صنایع دستی مرتبط با کتابت، هنر و فرهنگ که در حال فراموشی هستند، می‌کوشند.

برگزاری یادبود و ساختن روایت‌های جدید مرتبط با گذشته — که معمولاً پیرامون آزار و اذیت شیعیان است — از ویژگی‌های روزافزون این نهادهاست. کتابخانه‌های دارای نسخه‌های خطی گران‌بهای اسلامی و کتاب‌های کمیاب گسترش یافته‌اند. در هیچ کجای کشور نمی‌توان نظم و تعهد به کار را به اندازه نهادهای شیعه مشاهده کرد. در واقع، درجه سازماندهی این نهادها و هدف آنها از مدیریت منابع مذهبی و فرهنگی، الگوی میراث فرهنگی شیعیان عراق را به اوج خود می‌رساند.

فرایند کشف مربوط به الگوی میراث فرهنگی مملو از آزمون و خطا بوده است، اما یادگیری تجربی و تشویق سبب شد تا بهترین شیوه‌ها و مهارت‌های محلی در توسعه نهادی ادغام شوند. مرجعیت شیعه یک مرکز منحصربه‌فرد برای سازماندهی، نظم و برنامه‌ریزی است و کاملاً جدا از دولت ناکارآمد عراق است که پس از سال ۲۰۰۳ تحت سلطه سهم‌خواهی‌های سیاسی است. این یک واقعیت است که کوشش اشغالگران آمریکایی از سال ۲۰۰۳ برای تخریب دولت عراق، ناخواسته به این «دولت غیررسمی» قدرت بخشید.

با وجود این، دستیابی به یک الگوی میراث فرهنگی برای شیعه، کاری مستمر و در حال پیشرفت است و نتایج آن به طور فزاینده‌ای قابل مشاهده است. اگرچه تعامل نهادهای مذهبی شیعه با جهان از طریق اجلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی ادامه می‌یابد، آنان الگوهای فرهنگی و حتی الگوهای سیاسی مبتنی بر دانش غربی و ماده‌گرایی را رد می‌کنند. این نهادها، فارغ از شیوه‌های مفروض و غربی میراث فرهنگی، نگاه سکولار به فرهنگ را رویه متعارف دولت مدرن عراق است، به چالش می‌کشد.

این چشم‌انداز میراث فرهنگی که به طور فزاینده‌ای تحت تسلط نهادهای مذهبی شیعه است، تأثیرات گسترده‌ای بر عراق و وضعیت سیاسی آن خواهد داشت؛ چراکه در چنین فضاهایی تعاملات و ارتباطات شکل می‌گیرد و سرانجام، نهادهایی که جامعه و سیاست را مدیریت می‌کنند، تأسیس می‌شود. نهادهای مذهبی شیعه باید مشارکت بیشتری نسبت به میراث فرهنگی عراق داشته باشند تا کارهایی که تاکنون برای میراث فرهنگی شیعه انجام داده‌اند نادیده گرفته نشود و آثار بلندمدت آنها از بین نرود.

آینده مجموعه غنی و گوناگون میراث فرهنگی غیردینی عراق تیره‌وتار است و از پشتیبانی ضعیف دولت آسیب دیده است. به‌ویژه میراثی که وزارت فرهنگ، گردشگری و آثار باستانی اداره می‌کند - که بودجه آن بسیار کم است و مانند سایر وزارتخانه‌های دولتی، در رقابت‌های سیاسی خرید و فروش می‌شود. دولت‌های متوالی برای پشتیبانی از این وزارتخانه راهبردی و نهادهای گوناگون آن مانند SBAH کاری انجام نداده‌اند. به‌هرحال، شاید در بلندمدت، مشارکت نهادهای

مذهبی شیعه به‌عنوان یک بازیگر ملی در زمینه میراث فرهنگی، کاملاً چشم‌انداز فرهنگی عراق را دگرگون سازد. خواه نهادهای مذهبی جسور و احیاشده، عراق را متحول کنند یا نه، کار آنها ممکن است در بهترین حالت به ظهور واتیکان شیعه منجر شود یا دست کم بر هویت و آینده عراق تأثیرگذار باشد.^۱

^۱ <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/the-rise-of-a-shia-vatican-in-iraq/>

عادی سازی عادی نمی شود؛ حمله به صهیونیست ها در کنیسه ای در تونس

به قلم: احمد معصوم زاده



تشییع جنازه آویل حداد، یک صهیونیست تونسی الاصل که در تیراندازی در روز ۹ مه در جزیره جربه در تونس کشته شد - تیپوت، فلسطین اشغالی، ۱۲ مه ۲۰۲۳. (رویترز)^۱

شامگاه سه شنبه نهم ماه مه وزارت کشور تونس اعلام کرد یک مامور گارد نیروی دریایی این کشور طی عملیاتی در کنیسه ای که یهودیان در آنجا برای مناسک سالانه گرد هم آمده بودند، دو گردشگر یهودی و سه نگهبان تونسی را به ضرب گلوله کشته است.

^۱ <https://globeecho.com/news/africa/in-tunisia-the-authorities-seek-to-minimize-the-scope-of-the-attack-on-the-djerba-synagogue/>

به گفته وزارت کشور تونس، چهار نفر در این حمله زخمی شدند و مهاجم نیز با حمله متقابل نگهبانان کشته شد.^۱

این سومین حادثه در نوع خود در این جزیره است. اولین بار این کنیسه در سال ۱۹۸۵ زمانی که یک پلیس چند نفر را کشت، مورد حمله قرار گرفت. در آوریل ۲۰۰۲ نیز یک کامیون بمب‌گذاری شده به تجمع گردشگران در این کنیسه حمله کرد که منجر به کشته شدن ۲۱ نفر از جمله ۱۴ گردشگر صهیونیست شد.^۲

تونس همچنین شاهد ۳ عملیات مشابه در سال ۲۰۱۵ بود. این حملات منجر به صدور هشدار کشورهای غربی در مورد سفر به تونس شد.^۳

«غریبه»؛ نماد عادی‌سازی در تونس

کنیسه الغریبه در جزیره جربه واقع در جنوب شرقی پایتخت تونس، با قدمتی نزدیک به ۲۵۰۰ سال، قدیمی‌ترین کنیسه در آفریقا است و یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های تورات در جهان در آن نگهداری می‌شود. این کنیسه یکی از مقاصد اصلی سفرهای مذهبی یهودیان به ویژه یهودی‌های ساکن تونس است

۱ <https://www.independentpersian.com/node/۳۲۷۷۵۱/> - جهان/تونس؛

حمله - به - کنیسه - یهودیان - پنج - کشته - بر - جا - گذاشت

۲ <https://www.bbc.com/arabic/middleeast-۶۵۵۴۶۴۵۴>

۳ <https://hafryat.com/ar/blog/> - حج - الیهود - الی - تونس - فرصه - لتجاوز - العمليات - الإرهابیة - ومظهر - للتسامح - الدینی

که هر ساله در ماه مه (۳۳ روز پس از عید فصح) به این مکان روی آورده و مناسکی مذهبی به جای می‌آورند.^۱

این کنیسه یکی از نمادهای عادی سازی روابط تونس با رژیم صهیونیستی است و این سال‌ها به بهانه «توسعه گردشگری مذهبی» دولت قیس سعید امکانات و تمهیدات گسترده‌ای را برای برگزاری باشکوه و امن حج سالانه یهودیان در این مکان تدارک دیده است.



حضور پوششی صهیونیست‌ها در تونس

در تونس گرچه پروژه عادی سازی به دلایل گوناگون، از جمله نقش مهم اسلام‌گرایان در سیاست این کشور، نتوانسته چندان بروز و ظهور یابد، اما صهیونیست‌ها توانسته‌اند با همان شعارهای تسامح و تعایش و از دریچه حرکت‌های فرهنگی، ورزشی و اقتصادی گام‌هایی را برای پیشبرد این پروژه

^۱ <https://www.bbc.com/arabic/middleeast-۶۵۵۴۶۴۵۴>

بردارند. گرچه هر بار این اقدامات با اعتراض‌ها احزاب و جریان‌های اسلام‌گرا روبه‌رو شده است. در همین رابطه سال گذشته حزب جمهوری خواه تونس تأیید کرد که مقامات تونس عمداً مراحل بی‌سابقه عادی‌سازی با رژیم اشغالگر را با پذیرایی از انبوهی از صهیونیست‌ها در شهر جربه و تحت پوشش گردشگری مذهبی از کنیسه «الغریبه» دنبال کرده‌اند و به طور مشابه با برگزاری دوره‌هایی ورزشی در شهر حمامات، درهای این کشور را به روی ورزشکاران صهیونیست به منظور عادی‌سازی در ورزش گشوده‌اند.^۱

کنیسه الغریبه، به عنوان مهم‌ترین مکان مذهبی یهودیان در قاره آفریقا، تاکنون بهانه‌ای بوده که صهیونیست‌ها در پوشش‌های گوناگون برای عادی‌سازی حضور خود در تونس دستاویز قرار گرفته است. بیشتر بازدیدکنندگان این کنیسه، یهودیان تونسی اصلی هستند که بیشتر آنها در فلسطین اشغالی، کانادا، آمریکا و فرانسه زندگی می‌کنند. سالانه هزاران نفر از یهودیان سراسر جهان، به ویژه صهیونیست‌هایی از فلسطین اشغالی، برای انجام مناسک مذهبی به این کنیسه می‌آیند.

در سال ۲۰۱۹ زمانی که یک یهودی و مدیر عامل یک شرکت خدمات مسافری، وزیر گردشگری تونس بود، از تدابیر شدید امنیتی و تلاش‌های فراوان یهودیان در کنار همکاری دولت تونس برای برگزاری این مراسم مذهبی خبر داد و پیش‌بینی کرد ۷۰۰۰ نفر از این کنیسه بازدید کنند.^۲ این آمار در سال جاری

^۱ <https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۱۰۳۱۰۰۰۴۵۶>

^۲ <https://www.bbc.com/arabic/middleeast-۴۸۳۷۹۵۶۳>

میلادی بنا بر اعلام شبکه فرانسوی BMFTV به نقل از برگزارکنندگان، حدود ۵۰۰ نفر بوده است.^۱

عادی سازی از دریچه گردشگری

ژوئن ۲۰۱۹ ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی تونس خبرساز شد. این ویدئو گروهی از گردشگران صیهونیست را نشان می‌داد که در نزدیکی خانه‌ای که خلیل الوزیر، سیاستمدار فلسطینی در آن ترور شده بود، در حال سردادن شعار «زنده باد تونس و زنده باد اسرائیل» در حمایت از ارتش رژیم صیهونیستی هستند. خلیل الوزیر معروف به ابوجهاد یکی از مهم‌ترین رهبران جنبش فتح بود. وی در سال ۱۹۸۸ همزمان با انتفاضه نخست فلسطینیان در تونس ترور شد. این ویدئو برای کاربران شبکه‌های اجتماعی شوکه‌کننده بود، زیرا آنها آن را «بی‌احترامی آشکار به تونس، مردم و ارزش‌های آن» می‌دانستند. تونسی‌ها این ویدئو را «نمایش تحریک‌آمیز در حمایت از ارتش رژیم صیهونیستی» می‌دانستند و از دولت خواستار شفاف‌سازی این موضوع شدند. فعالان رسانه انگشت خود را به سمت وزیر گردشگری، رونیه الطرابلسی، که یهودی است نشانه رفتند. چرا که وی با تأمین سفر صیهونیست‌ها برای شرکت در برنامه «زیارت کنیسه الغریبه»، زمینه حضور آن‌ها در تونس را فراهم کرده

^۱ https://www.timesofisrael.com/gunshots-heard-at-tunisia-synagogue-during-major-pilgrimage-sparking-terror-fears/?utm_campaign=most_popular&utm_source=website&utm_medium=article_end&utm_content=۲

بود. آنها همچنین این اتفاق را نشانه «قدرت نفوذ رژیم صهیونیستی در حوزه سیاسی و امنیتی تونس و افشای همدستی دولت با آن» دانستند.^۱

مخالفت‌ها با عادی‌سازی

اگرچه این اتهامات در مورد ورود گردشگران با پاسپورت رژیم صهیونیستی از سوی وزارت کشور تونس رد شد اما فعالان رسانه‌ای تونس همچنان نسبت به همکاری دولت این کشور با این رژیم معترض بودند و با توجه به اتفاقات قبلی همچون حضور خبرنگاران کانال‌های رژیم صهیونیستی در خاک تونس خواستار برکناری وزیر گردشگری شدند.



حسن الشلغومی در کنار رونیه الطرابلسی (نفر اول سمت راست) تاجر یهودی تونسی ساکن فرانسه، مدیر عامل شرکت گردشگری «Royal First Travel» و وزیر گردشگری تونس و مسئول کنیسه الغربیه تا سال ۲۰۲۱. او فرزند رئیس جامعه یهودی جربه است. از آنجایی که

^۱ <https://www.bbc.com/arabic/trending-۴۸۶۲۷۹۹۴>

قانون تونس داشتن کسب و کار خصوصی را برای وزیران ممنوع کرده انتخاب وی به عنوان وزیر گردشگری تونس در سال ۲۰۱۸ اعتراضات زیادی را به همراه داشت.^۱

مخالفان عادی سازی این رویداد را در چارچوب «سیاست عربی-آمریکایی با هدف حرکت به سمت معامله قرن» می دانند. «کمیسون ملی ضد عادی سازی و حمایت از مقاومت» در تونس خواستار تسریع در تصویب قانون جرم انگاری عادی سازی با رژیم صهیونیستی شد و نسبت به مقدم کردن منافع محدود حزبی و اقتصادی در مقابل حمایت از آرمان فلسطین هشدار داد.

همچنین حزب جریان دموکراتیک خواستار تحقیقات جدی در مورد ورود دارندگان تابعیت رژیم صهیونیستی به خاک تونس شد.^۲

همه چیز عادی است!!

عملیات اخیر ضد صهیونیست ها در تونس، بی شک یکی از بلندترین صداها در اعتراض به عادی سازی با رژیم اشغالگر بوده است. به همین خاطر دولت مردان تونس و صهیونیست ها در این چند روز تمام تلاش خود را کردند تا صدای این اعتراض سرمایه گذاری های آنها برای عادی سازی در تونس را بر باد ندهد. آنها تمام سعی خود را در این چند روز کردند تا با ارائه روایتی «عادی» از این عملیات، از پوشش رسانه ای آن در قالب یک حرکت اعتراضی علیه صهیونیست ها جلوگیری کنند.

^۱ <https://www.bbc.com/arabic/trending-۴۶۱۳۰۰۷۸>

^۲ <https://www.bbc.com/arabic/trending-۴۸۶۲۷۹۹۴>

در همین راستا و در تلاش برای عادی جلوه دادن اوضاع در جزیره جربه و به ویژه کنیسه غریبه، خبرگزاری وابسته به دولت تونس بدون پرداختن به جزئیات حادثه تیراندازی در کنیسه، طی چند گزارش و مصاحبه از مردم محلی و چند گردشگر سعی کرد تا وضعیت منطقه را آرام و عادی نشان دهد.^۱

قیس سعید، رئیس‌جمهور تونس، نیز از توصیف این عملیات به عنوان یک «حمله تروریستی» و «یهودستیزانه» خودداری کرده و ترجیح داد آن را تنها یک «عملیات جنایتکارانه» بخواند.^۲

رسانه تایمز اسرائیل نیز برای عادی جلوه دادن اوضاع با حسن الشلغومی، رئیس تونسی‌الاصل مجمع ائمه جماعات فرانسه، که برای شرکت در مراسم یهودیان در کنیسه غریبه به تونس سفر کرده بود مصاحبه کرد. شلغومی به شدت مخالف اسلام سیاسی است و آن را سرطان امت اسلام می‌داند.^۳ شلغومی در مصاحبه‌ای گفته بود «فرانسه بزرگتر است» و وقتی خبرنگار از وی پرسیده بود آیا خدا بزرگتر نیست؟ جمله خود را تکرار کرده بود و گفته بود: «فرانسه بزرگتر است!»^۴.

۱ <https://www.tap.info.tn/ar/مدنین-سیاح/۱۶۲۶۲۵۴۳> زوم-جهات

۲ https://www.lemonde.fr/afrique/article/۲۰۲۳/۰۵/۱۵/en-tunisie-les-autorites-cherchent-a-minimiser-la-portee-de-l-attaque-contre-la-synagogue-de-djerba_۶۱۷۳۴۱۷_۳۲۱۲.html

۳ <https://www.skynewsarabia.com/world/۱۳۸۸۶۹۵> ری‌یس-منتدی-
اُی‌م‌م‌فرنسا-الاسلام-السیاسی-سرطان-هذه-الامّة

۴ <https://arabi۲۱.com/story/۱۴۳۹۰۱۱/> صورة-لبودن-تشعل-جدلا-بتونس-قبل-
حذفها... واتهامات-بالتطبيع



حسن الشلغومی (سمت چپ) و مارک هالتر نویسنده فرانسوی (سمت راست) در راهپیمایی مسلمانان علیه تروریسم در پاریس در ۸ ژوئیه ۲۰۱۷

شلغومی که طرفدار عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی است و به مبارزه با «یهودستیزی» معروف است، در مصاحبه با تایمز اسرائیل تلاش کرد تا اوضاع را آرام نشان دهد. او در بخشی از این مصاحبه می گوید اقامت خود در تونس را برای کمک به مردم محلی یک روز تمدید کرده و سال آینده نیز بار دیگر به اینجا می آید تا شاهد جشن برادری و برابری بین مسلمانان و یهودیان باشد.^۱

در همین راستا جروزالم پست نیز با انتشار مطلبی شامل چند مصاحبه، سعی کرد حادثه کنیسه غریبه را یک مورد عادی جلوه دهد که نه تنها در حضور آینده یهودیان در تونس تاثیر منفی ندارد بلکه می تواند بهانه ای برای دولت قیس

^۱ https://www.timesofisrael.com/french-imam-asks-israelis-to-continue-tunisia-pilgrimage-despite-terror-attack/?utm_source=dlvr.it&utm_medium=twitter

سعید برای جذب کمک‌های خارجی و توسعه گردشگری در این کشور باشد. این روزنامه از قول سامی حمدی، مدیر عامل اینترنشنال اینترست، نوشت انگیزه‌های پشت این حمله همچنان نامشخص است و اطلاعات اولیه حاکی از آن است که این حمله یک «عملیات گرگ تنها» بوده است؛ به همین دلیل، جامعه یهودی نباید منتظر حملات بعدی باشد.^۱

گفتنی است رسانه‌های غربی برای آنکه نشان ندهند این عملیات علیه صهیونیست‌هایی صورت گرفته که با پوشش گردشگر در تونس حضور یافته بودند، اطلاعات و یا تصاویری از افراد کشته شده ندادند. نکته جالب توجه آن است که تنها خبرگزاری رویترز تصویری از تشییع یکی از افراد کشته‌شده در این عملیات به نام آویل حداد منتشر کرد که در منطقه نتیووت در فلسطین اشغالی به همراه پرچمی از رژیم اشغالگر به خاک سپرده شده است (تصویر آغازین این یادداشت). اما این خبرگزاری نیز پس از ساعاتی این تصویر را حذف کرد تا مبادا نشانه‌ای رسمی از حضور صهیونیست‌ها در تونس به جای مانده باشد.

۱ <https://www.jpost.com/middle-east/article-۷۴۲۶۹۱>

نگاه و استراتژی طالبان در مقابل سلفیت



یکی از جریان‌های فکری که به لحاظ اعتقادی، فقهی و نظامی‌گری توانسته است بر جهان و به طور ویژه بر جوامع اسلامی تأثیرهای سوء بگذارد، سلفیت است. این جریان، جدا از وجوه اعتقادی و فکری خود که در مقابل مذاهب اسلامی قرار گرفته است، به لحاظ سیاسی عملاً الهام‌بخش گروه‌های تروریستی مانند داعش قرار گرفته و نظم را در برخی از سرزمین‌های اسلامی از هم گسیخته است.

در جریان چند دهه جنگ و بحران افغانستان، سلفیت توانست در این کشور علاوه بر هسته‌گذاری، نفوذ و گسترش یابد و در سال‌های اخیر مراکز متعدد سلفی‌ها حتی در شهر کابل قابل رویت بود. روابط طالبان به عنوان یک جریان اسلام‌گرای حنفی مذهب با گروه‌های سلفی به دو مرحله قابل تقسیم می‌باشد. در مقطعی از زمان، روابط طالبان با برخی از جریان‌های سلفی همسویانه و هم‌دستانه بود.

اما در چند سال اخیر و بخصوص پس از حاکمیت مجدد طالبان بر افغانستان نگاه و استراتژی طالبان در قبال سلفیت کاملاً متفاوت شده است. در نگاه طالبان به عنوان متولیان حکومت در افغانستان، سلفیت به عنوان جریانی تعریف و شناخته می‌شود که می‌تواند از دو بُعد به افغانستان آسیب بزند.

سلفیت به عنوان یک پدیده ضد مذهب

به لحاظ اعتقادی سلفی‌گری را می‌توان به دو گروه میانه‌رو و متشدد تقسیم کرد. سلفی‌های میانه‌رو پایبندی به یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت را ضروری نمی‌دانند و تلاش می‌کنند که پایه اعمال مذهبی خود را صرفاً براساس رفتار سلف صالح (صحابه پیامبر) استوار سازند. سلفی‌های متشدد پا را فراتر نهاده و نه تنها تمسک به سلف صالح را اصل رفتاری خود قرار می‌دهند بلکه سایر مذاهب تقلیدی از جمله مذهب حنفی را نفی کرده، فرد مقلد را گمراه دانسته و حتی مورد تکفیر قرار می‌دهند. با این که دسته دوم سلفی‌ها که مذهب را نفی می‌کنند مشکل اصلی را ایجاد می‌کنند اما در نگاه طالبان هر دو گروه سلفی‌ها غیر قابل تحمل هستند. طالبان که پایه مذهبی آنان را حنفیت شکل می‌دهد، نقطه مقابل سلفیت قرار دارند. از نظر طالبان، مردم سنی مذهب افغانستان از گذشته‌های دور پیرو مذهب حنفی بوده‌اند و این مذهب یکی از مهمترین منابع وحدت مردمان اهل سنت افغانستان بوده است.

موضوع مهم‌تر دیگر، نگاه و تعامل مثبتی است که بین پیروان دو مذهب حنفی و شیعه در افغانستان وجود دارد و این موضوع باعث شده که به رغم وجود

تضادهای قومی و زبانی در افغانستان، مذهب عامل و منبعی برای درگیری و بحران قرار نگیرد. با توجه به این بحث در نگاه طالبان گسترش افکار سلفیت اولاً علیه مذهب حنفی تلقی شده و ثانیاً با توجه به ضدیت سلفی‌ها با اهل تشیع، تفکر سلفیت زمینه برخورد های مذهبی را در افغانستان سبب خواهد شد.

سلفیت تکفیری؛ دشمن سیاسی

آسیب دیگری که گسترش سلفیت می‌تواند بر افغانستان وارد کند، پیوند بسیار نزدیکی افکار سلفی و اقدامات تروریستی است. چنان چه بیان شد، طالبان در گذشته با برخی از گروه‌های سلفی همکاری و همیاری داشت اما در حال حاضر حکومت طالبان به چند دلیل از نزدیک بودن با جریان‌های سلفی امتناع می‌کند. نخست این که داعش به عنوان دشمن اصلی و درجه یک فکری و سیاسی طالبان از ایدئولوژی سلفیت تغذیه شده و سربازگیری می‌کند و هر قدر که این ایدئولوژی در افغانستان فرصت گسترش یابد به همان میزان خطر داعش علیه حکومت طالبان بیشتر می‌شود.

دوم از آنجا که افکار سلفی بازوی ایدئولوژیک القاعده نیز شناخته می‌شود و از این رهگذر که طالبان متعهد به عدم همکاری با القاعده شده‌اند، برای جلوگیری از رشد القاعده نیز نباید به سلفیت اجازه حضور دهند. سوم اگر یکی از عوامل موفقیت سیاسی طالبان وحدت مذهبی لحاظ شود، در صورت گسترش افکار سلفیت در جامعه و صفوف طالبان نه تنها وحدت موجود خدشه‌دار می‌

شود بلکه میزان اطاعت‌پذیری از رهبر طالبان نیز کاهش خواهد یافت که طبیعتاً در نهایت به دو دستگی و درگیری میان خودی می‌انجامد.

به دلایل فوق، شاهد رویکرد سخت طالبان در مقابل جریان سلفیت نوع اول و دوم هستیم. حکومت طالبان پس از تثبیت شدن و شناسایی تهدیدها و ریشه‌های این تهدیدها به جریان‌های سلفی نوع اول که ظاهراً خود را بی‌خطر می‌دانند، هشدارهایی به این جریان داد و تمام مراکز متعلق به سلفی‌ها را که در دوران جمهوریت قارچ‌گونه رشد کرده بود، تعطیل کرد.

گزارش‌های متعددی از دستگیری رهبران سلفی توسط حکومت طالبان موجود است و حتی در ماه رمضان اعلام شد که اقامه نماز تراویح به شیوه سلفیت جرم است که یک مورد تمرد از این دستور منجر به دستگیری ۲۱ نفر از سلفی‌ها در قندهار گردید. درباره سلفیت نوع دوم، قلع و قمع جریان داعش خراسان به عنوان بارزترین نماد سلفیت تکفیری با جدیت تمام در دستور کار حکومت طالبان قرار دارد. از بدو تشکیل حکومت طالبان، داعش به عنوان مهمترین تهدید امنیتی تلقی شد و در طول یک سال و ده ماه حکومت طالبان، تمرکز این حکومت بر دفع این تهدید امنیتی بوده است.^۱

۱ <https://www.khabaronline.ir/news/۱۷۶۲۷۸۲>

تاج‌گذاری چارلز سوم؛ پیوند با آسمان حتی اگر کسی باور نکند

به قلم: رضا غیثاوی



«چارلز سوم» پادشاه ۷۴ ساله بریتانیا شنبه ۶ مه بعد از ۸ ماه سلطنت،

تاج‌گذاری کرد.

مراسم تاج‌گذاری در کلیسای وست‌مینستر برگزار شد و «اسقف اعظم کانتربری» عالی‌ترین مقام روحانی کلیسای رسمی انگلیس، در مراسمی مذهبی و همراه با خواندن ورد و دعا، تاج را بر سر چارلز سوم و همسرش کامیلا قرار داد. حاضران شعار دادند «زننده باد پادشاه». تاجی که در بالای آن، بالاتر از هر الماس و طلا و جواهری، نشان صلیب قرار دارد.

اسقف کلیسا تاج را بر سر پادشاه قرار داد تا ویژگی دینی/شرعی/خدایی را به حکمرانی پادشاه اضافه کند و به نوعی به حاکمیت پادشاه مشروعیت فرازمینی

و آسمانی دهد. در انگلیس، پادشاه همزمان با رئیس کشور، رئیس کلیسا هم هست و به همین دلیل جایگاه و موقعیت مذهبی نیز دارد.

تاجگذاری قبلی دقیقاً ۷۰ سال قبل انجام شد. «الیزابت دوم» در سن ۲۵ سالگی (یک سال بعد از مرگ پدر و آغاز سلطنت) تاجگذاری کرد. اکثریت مردم جهان و بریتانیا تاجگذاری ۷۰ سال قبل را ندیده‌اند برخلاف اکنون که دیده‌اند. جمعیت جهان در آن سال ۲٫۵ میلیارد نفر بود و امسال بیش از ۸ میلیارد نفر.



نسبت به ۷۰ سال قبل، این بار جمعیت کمتری از مردم بریتانیا، خدایی بودن یا ارتباط پادشاه با خواست و اراده خدا را باور می‌کنند. برخلاف ۷۰ سال قبل، هم اکنون جمعیت کمتری، معتقدند خدا خواسته است چارلز سوم پادشاه انگلیس باشد یا پادشاهی او، تحقق اراده الهی است یا حاکمیت چارلز سوم، امتداد حاکمیت الهی است یا دستورات چارلز سوم، دستورات و امر و نهی خداست یا سرپیچی و مخالفت با چارلز سوم و جنگ با او به معنی سرپیچی و مخالفت و جنگ با خداوند است.

انگلیس برخلاف آمریکا و فرانسه، دین رسمی دارد و آن مسیحیت است. در آذر ماه گذشته سرشماری در بریتانیا نشان داد برای نخستین بار در تاریخ، مسیحیان در انگلیس و ولز، به اقلیت تبدیل شده‌اند و اکثریت، مسیحی نیستند. براساس نظرسنجی، کمتر از نصف یعنی ۴۶٫۲ درصد از مردم انگلیس و ولز پیرو مسیحیت هستند. این عدد یک دهه قبل حدود ۶۰ درصد بود. ۳۷ درصد هم گفته‌اند پیرو هیچ دینی نیستند و بی دین‌اند. این رقم هم یک دهه قبل، ۲۵ درصد بود. می‌توان پیش بینی کرد در دهه‌های آینده پیروان مسیحیت کمتر و کمتر و به افراد بی دین افزوده شود.

اصولاً کسانی که خود را مسیحی نمی‌دانند به تاج گذاری در کلیسا و گذاشتن تاج بر سر پادشاه به دستان مبارک روحانی اعظم هم هیچ توجهی نمی‌کنند و برای آنها اهمیتی هم ندارد. در میان مسیحیان هم بسیاری، دیگر اعتقادی به آسمانی بودن پادشاه ندارند.

به همین دلیل در مراسم کلیسای تاجگذاری امسال و برخلاف تاجگذاری ۷۰ سال قبل، علاوه بر اسقف پروتستان، دیگر روحانیون مسیحی از مذاهب کاتولیک و ارتدوکس هم حضور داشتند. به همین دلیل رهبران دینی اسلامی و یهودی و سیک هم دعوت شدند. به همین دلیل رهبران جوامع اقلیت و جامعه مدنی یعنی سندیکاها و انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی، حضوری پررنگ داشتند.

این در حالی است که چند هزار سال پادشاهی پادشاهان، بر پایه اعتقاد و باور واقعی و قلبی انسان‌ها به فرازمینی و خدایی بودن پادشاهان بود.

شاید در ایران هیچ مثالی به اندازه اشاره مظفرالدین شاه قاجار در این باب گویا نیست. او در ۱۲۷ سال قبل (سال ۱۲۷۵ شمسی) در قدیمی‌ترین فایل صوتی موجود، خطاب به نخست وزیر (امیراتابک/امین السلطان) می‌گوید: «این خدماتی که به من می‌کنید و به مملکت ایران می‌کنید البته خداوند او را بی عوض نخواهد گذاشت، ان شاء الله عوض او را هم خدا و هم سایه خدا که خودمان باشیم به شما خواهم داد».

منظورش همان لقب «ظل الله» پادشاهان است. یعنی سایه خدا در زمین. یعنی اگر انسان‌هایی خواهند زیر سایه خدا باشند باید تحت فرمان پادشاه بروند. عجب ادعایی داشتند پادشاهان. «قبله عالم» هم نشانه دیگری است از ترکیب دین و شاهی.

در این زمانه هم «عبدالله دوم» پادشاه اردن عنوان «شریف» دارد. از فرزندان «شریف حسین» حاکم مکه و بزرگ خانواده هاشمی قریشی. شریف همان سید در شیعه است. یعنی از نسل پیامبر اسلام. البته تعداد شرفا به مراتب از تعداد سادات کمترند.

«بزرگ خانواده هاشمی قریشی» هم جایگاه اعلامی پادشاه اردن است. هاشمی قریشی همان خانواده پیامبر اسلام است. دیگر لقب او «عمید آل البیت» است یعنی بزرگ آل البیت. آل البیت همان اهل بیت است.

در آخرین نقطه از ممالک اسلامی، در ساحل اقیانوس اطلس و تنگه جبل طارق، چند کیلومتر مانده تا اسپانیا، پادشاه مراکش (مغرب) هم همین ادعا را دارد. «محمد ششم» خود را «شریف» و «امیرالمومنین» می‌خواند زیرا از

سلاله علویان است. سلسله علویان خود را از نسل «امام حسن (ع)» فرزند «امام علی (ع)» می‌دانند. علویان از سال ۱۶۶۶ میلادی حکومت می‌کنند یعنی از ۳۵۷ سال قبل تاکنون.



دیدار محمد ششم پادشاه مراکش (راست) و عبدالله دوم پادشاه اردن - شهر رباط
پایتخت مراکش (مغرب) / در پشت سر، شجره نامه محمد ششم پادشاه مراکش دیده می‌شود
که به حضرت محمد پیامبر اسلام می‌رسد



دیدار سیدعمار حکیم روحانی شیعه برجسته عراقی و عبدالله دوم پادشاه اردن - شهر امان

اساساً پادشاهی بر انسان‌ها و سرزمین‌ها براساس باور حسی مردم به پادشاه شکل می‌گیرد. باوری ناشی از سه گانه سنت و دین و احترام. اگر باور ناشی از دین از میان برود یا تضعیف شود کارآمدی و کارکرد می‌تواند تا حدود زیادی جایگزین شود اما اگر احترام هم از میان برود دیگر تنها بر پایه سنت نمی‌توان حکم راند. می‌شود آنچه که در سال ۵۷ شد وقتی محمدرضا پهلوی نه پایه دینی داشت و نه احترام. پس مجبور به ترک دیار شد و برای اولین بار و برخلاف عصر زندیه یا مشروطیت، ولیعهد و شاهزاده‌ای جایگزین نشد بلکه طومار شاه و شاهی را پیچیدند و جمهوری نوشتند یعنی حاکمیت مردم بر مردم. پادشاهان ایران هم مثل دیگر پادشاهان جهان، بُعد مشروعیت دینی و ارتباط آسمانی خود را بروز می‌دادند. از پادشاهان صفویه به بعد، همیشه بر «تنها پادشاه شیعه جهان» بودن خود تاکید می‌کردند. نشان پادشاهان فلات ایران در ۵۰۰ سال اخیر، «شیر و خورشید» بود نمادی از «امام علی اسد الله الغالب».



محمدرضا پهلوی و اعضای خانواده‌اش در کنار سفره هفت سین در تهران

در نشان و پرچم خانواده پادشاهی پهلوی هم در کنار دو شیر شمشیر به دست و یک شیروخورشید، «ذوالفقار علی» نقاشی شده بود. محمدرضا پهلوی آخرین شاه ایران هم در سفره هفت سین، کنار سبزه و سمنو، سیر و سرکه و سکه، قاب عکس بزرگی از امام علی قرار می‌داد تا ارتباط خود را با مولای شیعیان به رخ بکشد. اصولاً همین ارتباط باعث شد در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همه مراجع تقلید در برابر کودتا، سکوت یا حمایت کنند و شاه را بر مصدق، مقدم بدارند.

دو روز بعد از کودتا هم محمدرضا پهلوی که از ایران فرار کرده بود به تهران برگشت و ۱۴ سال بعد، تاج‌گذاری کرد. شاه در سال ۱۳۴۶ مراسم تاج‌گذاری را نه در مسجد بلکه در کاخ برگزار کرد. تاج را هم نه یک روحانی که خودش بر سرش خودش گذاشت تا ۱۱ سال بعد وقتی شعار «مرگ بر شاه» را از نرده‌های باغ کاخ نیاوران شنید و مجبور به رفتن شد نه تنها هیچ روحانی و مسجدی مانع نشد بلکه روحانیت یکی از خطوط پررنگ انقلاب ضدشاهنشاهی شدند.^۱

^۱ <https://www.asriran.com/fa/news/۸۸۹۶۵۲>



«

بخش چهارم: گزارش‌ها

بهره‌برداری انگلیس از الازهر برای نفوذ در جهان اسلام



بی‌بی‌سی در گزارشی اعلام کرد؛ اسناد انگلیسی که به موجب قانون آزادی اطلاعات به دست آمده، نشان می‌دهند که برنامه‌ریزان سیاست خارجی انگلیس مشتاق بودند از موسسه الازهر مصر به عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به اهدافشان، استفاده کنند.

در دوم مه ۱۹۹۷، تونی بلر، پس از پیروزی حزب کارگر در انتخاباتی تاریخی، تصدی منصب نخست وزیری انگلستان را به دست آورد و پس از چند روز، جرج کاری، اسقف اعظم کانتربری (کلیسای انگلیس) از محمد سید طنطاوی، شیخ وقت الازهر برای سفری رسمی به انگلیس در چارچوب گفتگوی ادیان دعوت به عمل آورد.

در زمان سفر شیخ الازهر به انگلیس در ۱۹ تا ۲۳ مه ۱۹۹۷، دومینیک چیلکات، منشی ویژه وزیر خارجه انگلستان، نامه‌ای به فیلیپ بارتون، منشی

ویژه نخست وزیر این کشور فرستاد و بر اهمیت بهره برداری از حضور شیخ‌الازهر در لندن برای بهبود تصویر انگلیس در جهان اسلامی تأکید کرد. بارتون در نامه‌ای که تنها تعداد اندکی از مقامات و مشاوران ارشد انگلستان از آن اطلاع یافتند، شیخ‌الازهر را عالی‌ترین و محترم‌ترین شخصیت اسلامی در جهان دانست.

از دیدگاه دیپلماسی انگلیس، دیدار تونی بلر و شیخ طنطاوی حتی در حد گرفتن عکس با یکدیگر، امری مهم قلمداد می‌شد. این نامه تمایل حکومت حسنی مبارک، رئیس جمهور وقت مصر را برای ترتیب دادن این دیدار، علیرغم آگاهی از اینکه بلر در آن زمان به شدت درگیر مسائل داخلی بود، نشان داد.

فرصت مطبوعاتی

منشی وزیر امور خارجه وقت انگلیس گفت که اشتیاق مقامات مصری، توجیهی افزون برای توصیه به نخست وزیر این کشور است که تا حد امکان برای یافتن دقایقی برای پذیرایی از شیخ‌الازهر تلاش کند. چیلکات گفت اگر نخست وزیر بتواند در دیدار با شیخ عکس بگیرد، تأثیر رسانه‌ای این دیدار در جهان اسلام بسیار افزایش می‌یابد.

در آن مدت، مدیریت الازهر با بیانیه‌های رسمی و اجازه تظاهرات اعتراضی در فضای الازهر و دانشگاه آن، علیه سیاست‌های اسرائیل در قبال مسجدالاقصی، از فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی به ویژه قدس حمایت کرد. موضع الازهر

انتقاداتی از سوی حامیان اسرائیل در انگلستان برانگیخت و باعث شد تا انگلیسی ها انتظار واکنش آنان نسبت به استقبال تونی بلر از شیخ الازهر را داشته باشند.

سود و ریسک

با این حال، اسناد نشان می‌دهد که وزارت خارجه انگلیس در ارزیابی‌های خود به این نتیجه رسید که منافی که از سفر شیخ الازهر حاصل می‌شود، از هر عکس‌العملی حتی از سوی حامیان اسرائیل در انگلیس بالاتر است.

منشی وزیر خارجه انگلیس گفت: تنها بعد منفی مورد انتظار این دیدار این است که شیخ الازهر در گذشته بیانه‌هایی با لحن تند علیه اشغالگری اسرائیل در قدس صادر کرده و احتمال کمی وجود دارد که لابی طرفداران اسرائیل چنین بیانه‌هایی را بازایی کند. با این حال، ما معتقد نیستیم که این یک خطر جدی است.

دستگاه دیپلماسی انگلیس در جمع بندی خود به این نتیجه رسید که منافع حاصل از این دیدار بسیار بالاتر از خطر ریسک آن است. اما وزارت خارجه انگلیس تنها حامی دیدار تونی بلر و طنطاوی نبود. اسناد موجود نشان می‌دهد که بارتون، منشی تونی بلر، با حلقه نزدیک نخست وزیر جدید انگلیس، از جمله آلستر کمپبل و بارونس سالی مورگان، مشاوران ارتباطاتی بلر، در مورد توصیه وزارت خارجه مشورت کرده است. این دو توصیه کردند که دیدار با شیخ الازهر ابعاد سیاسی در داخل انگلیس خواهد داشت که روابط بین دولت انگلیس و مسلمانان را تقویت می‌کند.

نامه‌ای از حکومت حسنی مبارک

بارتون در توصیه خود به بلر گفت: سالی و آلستر (مشاوران بلر) مایلند شیخ طنطاوی را ببینند، زیرا این امر تأثیر خوبی بر روابط با جامعه مسلمانان کشور و همچنین جهان اسلام خواهد داشت. بنابراین ما از او برای گرفتن عکس در ساعت ۱۸:۱۰ عصر فردا دعوت کرده‌ایم. بلر از این توصیه پیروی کرد و علیرغم مشغله‌های زیادی که داشت، در ۲۰ مه ۱۹۹۷ به مدت ۵ دقیقه با شیخ طنطاوی دیدار کرد. پس از این دیدار بارتون به چیلکات نامه نوشت و به او اطلاع داد که این دیدار کوتاه به توصیه وزارت خارجه انگلیس انجام شد.

وی در این نامه اشاره کرد که حکومت حسنی مبارک در ارسال نامه سیاسی به دولت تونی بلر، از شیخ الازهر استفاده کرده است. بارتون درباره آنچه در دیدار بلر و شیخ الازهر گذشت، گفت: شیخ طنطاوی از فرصت استفاده کرد و نتیجه انتخابات را به نخست وزیر انگلیس تبریک گفت. بلر نیز گفت که از دیدار با وی مفتخر است و برای او آرزوی اقامت خوبی در انگلیس کرد. شیخ الازهر ابراز امیدواری کرد تا روابط میان انگلیس و مصر تحت رهبری تونی بلر بهبود یابد و سپس کتابی از دانشگاه الازهر در صندوقی تزئین شده به نخست وزیر انگلیس هدیه داد.

منشی بلر افزود: شیخ طنطاوی واقعاً خوشحال به نظر می‌رسید که نخست وزیر وقت انگلیس فرصتی پیدا کرده و زحمت استقبال از او را به خود داده است. یک سال پس از این دیدار، نخست وزیر انگلیس برای سفری رسمی به مصر دعوت شد. علیرغم برنامه کاری فشرده تونی بلر که مملو از دیدارها و مناسبات

به ویژه اقتصادی بود، مشاوران بلر بر ضرورت دیدار نخست وزیر انگلیس و شیخ الازهر اصرار کردند. سفر بلر به مصر در روزهای ۱۷ و ۱۸ آوریل ۱۹۹۸ در جریان سفرهای وی به خاورمیانه که شامل عربستان، اردن، اسرائیل و غزه و نیز دیدار با یاسر عرفات، رهبر فقید فلسطینی می‌شد، صورت گرفت.

در گزارشی درباره شیخ طنطاوی که به دفتر نخست وزیر انگلیس ارائه شد، وزارت خارجه انگلیس اعلام کرد که انتصاب طنطاوی به عنوان شیخ الازهر که پیش از این مفتی اعظم مصر بود، با استقبال مسلمانان میانه رو روبه‌رو شده است. وزارت خارجه انگلیس در خصوص عملکرد شیخ طنطاوی در دارالافتاء مصر گفت که او با سیاست دولت مصر در مورد مسائلی مانند محدود کردن زاد و ولد، همراه بود. این وزارتخانه همچنین اشاره کرد که شیخ طنطاوی در مخالفت با قانون مالیات بر ارث در سال ۱۹۸۹ تا حدودی از خود استقلال نشان داد. در این گزارش همچنین اشاره شد که طنطاوی در سپتامبر ۱۹۸۹ سود بانک‌ها را حلال دانسته و گروه‌های اسلامی معتقد بودند که این فتوا به دستور حکومت مصر صادر شده است. طبق این گزارش، این موضوع جدال بزرگی را به وجود آورد و وزارت خارجه انگلیس اعلام کرد: ماهیت لیبرالی این فتوا با مخالفت هیئت ارشد علمای الازهر، به عنوان محافظه کارترین علمای الازهر، از جمله شیخ الازهر در آن زمان مواجه شد.

طرحی که مغایر اسلام نیست

در توجیه برای اصرار به دیدار نخست وزیر انگلیس با شیخ الازهر، تیم تدارک این سفر اعلام کرد که این دیدار با شیخ الازهر که به عنوان بزرگترین شخصیت دینی اهل سنت در جهان شناخته می‌شود، با هدف اظهار احترام به اسلام و توجه به گفتگو میان فرهنگ‌ها است.

بر اساس مکاتبات پنهانی دولت انگلیس، مشاوران تونی بلر به دنبال این بودند که به مسلمانان این تصور را بدهند که انگلیس با الازهر موافق است، و ممکن است در استفاده از شهرت این نهاد قدیمی در متقاعد کردن مسلمانان عامه در این موضوع که «طرح حل و فصل مناقشه اعراب و اسرائیل مغایرتی با اسلام ندارد»، مفید باشد. این اسناد نشان می‌دهند که طنطاوی به نخست وزیر انگلیس تأکید کرده که دین اسلام، ظلم، تروریسم، و تصرف زمین‌های دیگران را نمی‌پذیرد.

بر اساس صورتجلسه این نشست که توسط منشی شخصی تونی بلر نوشته شده است، شیخ الازهر تأکید کرد: اسلام خواستار عدالت و حقوق برای همه است و با بی‌عدالتی، تروریسم، تصرف اراضی و شهرک سازی مخالف است و همیشه در کنار مستضعفانی است که حقوق کامل خود را به دست نمی‌آورند. اما تونی بلر از پاسخ به این سخنان شیخ الازهر اجتناب کرد و دیدار را بر موضوع گفت‌وگوی میان ادیان به ویژه میان الازهر و کلیسای انگلستان متمرکز کرد و گفت: تفاهم بیشتر میان ادیان به تفاهم بیشتر میان ملت‌ها می‌انجامد.

منشی تونی بلر در توضیح این دیدار گفت که شیخ‌الازهر هیچ تلاشی برای طرح موضوعات بحث برانگیز بجز اشاره سریع به اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل انجام نداد.

نخست وزیر انگلیس پس از بازگشت از قاهره، باورش به اهمیت الازهر در تلاش برای معتقد ساختن اسقف اعظم کانتربری برای تسریع در سفرش به مصر در پاسخ به دعوت شیخ‌الازهر را اعلام کرد. تونی بلر در نامه‌ای رسمی به جرج کاری، اسقف اعظم کانتربری در مورد این دعوت و حمایت شخصی خود از گفتگویی صحبت کرد که شیخ‌الازهر اعلام کرده بود با اسقف اعظم و سایرین انجام خواهد داد.

بلر درباره دیدارش با طنطاوی به جرج کاری گفت که مباحثی جنجالی پیرامون دین و ماهیت اسلام بین ما انجام شد. بلر در بیان اهمیت و توجه دولتش به پاسخ جرج کاری به دعوت طنطاوی، در نامه‌ای با دست خط خود نوشت: من فکر می‌کنم که چنین نشست دینی برای روند صلح در خاورمیانه بسیار مفید خواهد بود.

نخست وزیر وقت انگلیس تمایل خود برای گفتگو با اسقف اعظم کانتربری در این موضوع را ابراز کرد و به او گفت: اگر می‌خواهید در مورد آن با جزئیات صحبت کنید، می‌توانید با من تماس بگیرید.

از آن زمان دیدارهای سیاسی مقامات انگلستان با شیخ‌الازهر در طول دوره نخست وزیری تونی بلر متوقف نشد. در سال ۲۰۰۰ تونی بلر، نخست وزیر وقت انگلیس، رابین کوک، وزیر امور خارجه را به قاهره فرستاد تا مذاکراتی با حسنی

مبارک در مورد روند صلح در خاورمیانه و نیز بحران عراق انجام دهد. در این سفر که تنها یک روز به طول انجامید، وزیر خارجه انگلیس مشتاق دیدار با شیخ الازهر بود.

در سال ۲۰۰۲ طنطاوی، شیخ وقت الازهر، بار دیگر به لندن رفت و مورد استقبال تونی بلر قرار گرفت. در سال ۲۰۰۶ نیز تونی بلر به قاهره سفر کرد و با شیوخ الازهر دیدار کرد.^۱

^۱ <https://arabi۲۱.com/story/۱۵۰۶۹۹۱>

آیا امارات اولین کشور خلیج فارس خواهد بود که قمار را قانونی می‌کند؟



گزارشی که توسط خبرگزاری «بلومبرگ» منتشر شد این سوال را مطرح و نشان داد که شرکت‌هایی که سالن‌های قمار بین‌المللی را اداره می‌کنند در حال ظهور و باز کردن جای پای خود در این کشور خلیج فارس هستند.

این در حالی است که مقامات ارشد دولتی می‌گویند هیچ برنامه قریب‌الوقوعی برای اجازه قانونی انجام قمار وجود ندارد، اما شاغلین در این عرصه بسیار خوشبین به کسب اجازه قانونی قمار در امارات هستند.

یک شرکت ارائه‌دهنده قمار مشغول در لاس وگاس آمریکا فاش کرد که هفته گذشته، جزئیات برنامه‌های خود را برای تأسیس یک استراحتگاه ۳,۹ میلیارد دلاری قمار و سایر بازی‌ها در امارات اعلام کرده، بدون اینکه صریحاً گفته باشد که خدماتش شامل اجازه قانونی به انجام قمار می‌شود یا خیر.

به گفته بلومبرگ، یکی از مدیران تامین‌کننده تجهیزات قمار و یک مقام دولتی امارات متحده عربی که خواست نامش فاش نشود، خبر از گفتگوی رسمی شاغلین این عرصه در مورد قمار با مقامات امارات متحده عربی داد.

به گفته یکی از مقامات تامین‌کننده تجهیزات بازی، برخی به دنبال هتلهایی برای مکان یابی کازینو هستند.

آنجلا هانلی، تحلیلگر ارشد قمار می‌گوید: امارات متحده عربی می‌تواند سالانه ۶٫۶ میلیارد دلار از قمار درآمد ایجاد کند تا در نهایت سنگاپور را که در این زمینه فعال است را پشت سر بگذارد.

وی افزود: «دبی و سایر مناطق امارات پتانسیل تبدیل شدن به بازارهای شلوغ برای قمار تفریحی را دارند» و گردشگری مرتبط با قمار می‌تواند به عنوان «محرک مهمی برای اقتصاد امارات متحده عربی ظاهر شود زیرا این کشور تلاش می‌کند وابستگی شدید خود به نفت را کاهش دهد.»

بلومبرگ می‌گوید: اجازه دادن به قمار ممکن است در راستای تغییر رویکرد و یک برنامه جدید برای امارات باشد، جایی که قوانین اسلامی مبنای اصلی قانونگذاری است و این عمل در اسلام ممنوع و در کشور غیرقانونی است و متخلفان می‌توانند جریمه یا به دو سال زندان محکوم شوند.

اما به نظر می‌رسد امارات در مواجهه با رقابت فزاینده از سوی همسایگانی مانند عربستان سعودی و قطر، به ویژه دبی برای حفظ جایگاه خود به عنوان قطب اصلی گردشگری و تجاری منطقه، یک سری اصلاحات را انجام داده است

که از جمله این اصلاحات می‌توان به ارائه ویزای بلندمدت و اجازه برای زندگی مشترک افراد با هم بدون ازدواج را ذکر کرد.

این خبرگزاری آمریکایی گفت که این گزارش بر اساس مصاحبه با بیش از دوازده مقام دولتی، وکلا، مشاوران و شاغلین کازینو در خارج از کشور تدوین شده است.

بر اساس این گزارش، اما به نظر می‌رسد بسیاری از طرح‌ها در حال بحث هستند و هنوز شفافیت کمی در مورد جدی بودن هر پیشنهاد یا اینکه چه کسی مذاکرات را رهبری می‌کند وجود دارد، و طبق این گزارش، امارات ممکن است در نهایت تصمیم بگیرد که قمار را قانونی نکند.

این گزارش حاکی از آن است که مقامات اماراتی در این زمینه پیام‌های متناقضی می‌دهند، زیرا یکی از آنها در دبی گفته است که زیرساخت‌های سالن‌های قمار از قبل وجود دارد، در حالی که دیگری گفته است که اصلاً برنامه‌ای برای اجازه قمار وجود ندارد.

اما انتظار می‌رود که دبی بیش از هر امیرنشین دیگری از سالن‌های قمار منتفع شود، زیرا این امارت قبلاً شاهد هجوم گردشگران بوده و به عنوان مکانی مناسب برای ثروتمندان جذاب است.

معرفی کازینوها می‌تواند بخش گردشگری - یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد امارات - را که در حال رونق است و از بسیاری از عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی در سایر نقاط جهان رهایی یافته، تقویت کند.

«بلومبرگ» تأیید می‌کند که تعدادی از برندهای شناخته‌شده برای مدیریت و راه‌اندازی سالن‌های قمار وجود دارند که در حال حاضر در شهر در حال فعالیت یا گسترش هستند. شرکت سرگرمی «Caceras» اولین استراحتگاه غیربازی را در جزیره Bluewaters در شهر دبی در سال ۲۰۱۸ افتتاح کرد.

بیل هورنباکل، مدیرعامل MGM، وقتی در یک کنفرانس تلفنی در ۱ مه از او پرسیده شد که آیا انتظار دارد قمار در امارات مجاز باشد یا خیر، گفت که انتظار دارد در ماه‌های آینده تحولات بیشتری رخ دهد.

وی با بیان اینکه در نهایت به ابوظبی و دولت ملی بستگی دارد که باید تصمیم بگیرند، افزود: امیدواریم به زودی این اتفاق بیفتد، و معتقدم که با فرا رسیدن تابستان، اخبار بیشتری در این باره خواهیم شنید.

به نظر می‌رسد در نهایت در صورت موافقت امارات به انجام قمار اجازه اجرای آن در هر امیرنشین دست خودش باشد.^۱

۱ <https://www.bloomberg.com/news/articles/2023-05-05/will-the-uae-legalize-gambling-wynn-s-ambitions-reflect-growing-optimism?leadSource=uverify wall>

طلوعی جدید برای اسلام سیاسی؟

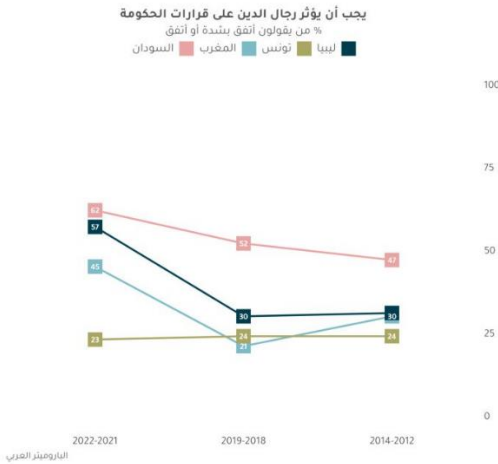


طی پنج سال گذشته، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد افزایش دینداری به ویژه در میان جوانان بوده است.

پیامدهای این موضوع در منطقه چیست؟ آیا این علاقه فزاینده به دینداری شخصی با تغییر نظرات در مورد نقش دین در سیاست همراه بوده است؟ آیا این تغییر به معنای احیای اسلام سیاسی در منطقه است؟

از نتایج نظرسنجی‌های نمایندگان کشورها در هفتمین دور نظرسنجی بارومتر عرب (بزرگترین نظرسنجی در دسترس عموم از نظرات و نگرش شهروندان در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا) به شدت به نظر می‌رسد که اسلام سیاسی در راه بازگشت است.

در اکثر کشورهای مورد بررسی، شهروندان جوان و پیر تمایل آشکاری به افزایش نقش دین در سیاست دارند. این اولین باری است که حمایت از اسلام سیاسی از زمان آغاز قیام‌های اعراب در سال ۲۰۱۱ به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.

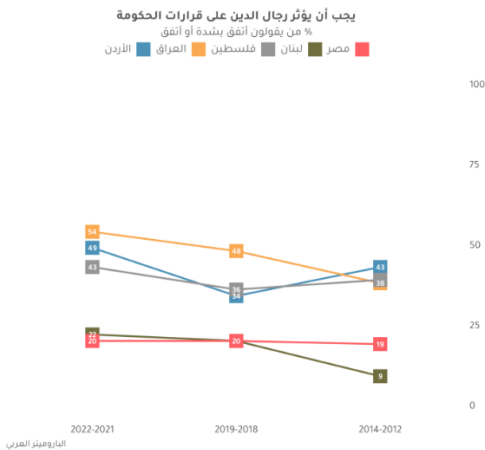


اگرچه ممکن است این روند در نظرات ادامه پیدا نکند، اما — در صورت ادامه — می‌تواند اسلام سیاسی را به اهمیت آن به عنوان یک نیروی سیاسی اصلی در منطقه بازگرداند. علیرغم موفقیت جنبش اسلام‌گرایان در انتخابات پس از سال ۲۰۱۱، اسلام سیاسی در سراسر منطقه از حمایت چندانی برخوردار نشد. در دوره ۲۰۱۲-۲۰۱۴، اکثر شرکت‌کنندگان در نظرسنجی اعتقادی به حضور روحانیون در دولت و دخالت در تصمیمات دولتی ندارند. در اصل، این سؤال تلاش می‌کند تا بفهمد آیا مردم فکر می‌کنند که دین باید نقش بیشتری در سیاست، که ایدئولوژی اصلی اسلام سیاسی است، ایفا کند؟

خاطرنشان می‌شود که تنها در سودان (۴۷ درصد) و یمن (۴۸ درصد) بیش از ۴ نفر از هر ۱۰ شهروند گفته‌اند که رهبران مذهبی باید این نقش را داشته باشند. در بیشتر موارد، این تصور تا پایان دهه تغییر نکرد. در دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۹،

تنها در سودان حداقل نیمی از شرکت کنندگان در نظرسنجی گفتند که از نقش رهبران مذهبی در تصمیمات دولت حمایت می‌کنند.

در مقایسه با نظرسنجی ۲۰۱۲-۲۰۱۴، تنها مورد استثناء مراکش بود که در آن حمایت از نقش رهبران مذهبی در تصمیمات دولت ۹ درصد کاهش یافت و در لبنان و عراق به ترتیب ۱۱ و ۱۰ درصد افزایش یافت.



در حال حاضر، احزاب اسلام‌گرا نسبت به سال‌های پس از قیام‌های عربی نقش بسیار کمتری در سیاست منطقه دارند. فعالیت اخوان المسلمین اکنون در مصر ممنوع شده است، النهضة در تونس تحت سرکوب قرار دارد و حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی مراکش شکست خورد.

به استثنای لبنان و غزه، سازمان‌های اسلام‌گرا دیگر نقش مهمی در قدرت در سراسر منطقه بازی نمی‌کنند. آیا این بازگشت اپوزیسیون فرصت‌هایی برای

افزایش تقاضای اسلام سیاسی به ارمغان می‌آورد؟ از داده‌های بارومتر عرب به نظر می‌رسد که این یک احتمال قوی است.

از سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹، حمایت از ایدئولوژی اسلام سیاسی افزایش یافته است. در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲، نیمی یا بیشتر از پنج کشور از ده کشور مورد بررسی، از روحانیون برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌های دولت حمایت کردند و حمایت از این مساله در موریتانی به ۷۷ درصد، در سودان به ۶۲ درصد، در لیبی به ۵۷ درصد و در عراق به ۵۴ درصد رسید.

تنها در تونس (۲۳ درصد)، لبنان (۲۲ درصد) و مصر (۲۰ درصد) کمتر از ۴ نفر از هر ۱۰ نفر گفته‌اند که روحانیون باید در تصمیم‌گیری‌های دولت نقش داشته باشند.

خاطرنشان می‌شود که این درصدها نشان دهنده افزایش نسبت به آمار سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ در شش کشور از ۹ کشور مورد بررسی است.

این افزایش در لیبی (۲۷ درصد)، سپس اردن (۱۵ درصد)، مراکش (۱۴ درصد) و سودان (۱۰ درصد) بیشترین افزایش را دارد، در حالی که افزایش کمتری در فلسطین (۷ درصد) و عراق (۶ درصد) رخ داده است. در عین حال، حمایت از نقش سیاسی رهبران مذهبی در هیچ کشوری کم نشده است.

در سه کشور باقی‌مانده - لبنان، مصر و تونس - کاهش مشارکت در رأی‌گیری در محدوده خطای نظرسنجی قرار می‌گیرد و این بدان معناست که هیچ تغییر واقعی در میزان مشارکت در این نظرسنجی صورت نگرفته است. به طور

خلاصه، حمایت از نقش دین در سیاست در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا واقعاً کاهش نیافته است.

در حالی که جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله در سراسر منطقه به سمت دین بازگشتند، افزایش حمایت از نقش دین در سیاست بیشتر در سراسر جامعه گسترش یافته است. در اکثر کشورها، نظر گروه‌های سنی مسن و جوان‌تر در این زمینه به طور متقارن تغییر می‌کند.

در ۶ کشور از ۹ کشوری که در دو نظرسنجی اخیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، جوانان از نقش بیشتر دین در سیاست حمایت می‌کنند. جوانان لیبی با ۲۲ درصد بیشتر طرفدار این نظر هستند و پس از آن مراکش با ۲۰ درصد، اردن با ۱۹ درصد، سودان با ۱۰ درصد، فلسطین با ۸ درصد و مصر با ۶ درصد قرار دارند.

در تونس، عراق و لبنان، تغییر عقاید در حاشیه خطا قرار می‌گیرد، به این معنی که هیچ تغییر واقعی وجود ندارد.

برای افراد ۳۰ ساله و بالاتر، نتایج نسبتاً مشابه بود. افزایش واقعی حمایت از نقش روحانیون در سیاست در لیبی (+۳۲ درصد)، مراکش (+۲۴ درصد)، اردن (+۱۴ درصد)، عراق (+۱۱ درصد)، سودان (+۹ درصد) و فلسطین (+۷ درصد). در لبنان این افزایش (+۳ درصد) و در تونس تفاوتی نداشت، در حالی که در مصر با افت جزئی در حدود (۳- درصد) مشاهده شد.

به طور کلی، این نتایج نشان می‌دهد که حمایت از اسلام سیاسی در حال افزایش است. با این حال، این لزوماً به این معنا نیست که اسلام سیاسی به عنوان

یک ایدئولوژی رشد کرده و به یک جنبش مردمی تبدیل خواهد شد، همانطور که قبل از قیام‌های عربی چنین بود.

همانطور که در سطوح دینداری در طول پنج سال گذشته افزایش مشاهده شده، این روند ممکن است در آینده معکوس شود. اما در سال‌های اخیر، به‌طور کلی، ایده نقش دین در سیاست در ذهن و قلب مردم سراسر منطقه مقبولیت بیشتری پیدا کرده است.^۱

فجر-جدید-لایسلام- /۰۵/۲۰۲۳/ <https://www.arabbarometer.org/ar/>
السیاسی؟



منشورات

معرفی کتاب الانساق الاصلاحیه الاسلامیه المعاصره: دراسه فی بنیه العقل الحركی



کتابی خواندنی با موضوعی بسیار حائز اهمیت، توسط مرکز مطالعات الجزیره در حوزه مطالعات اسلام سیاسی و بحرانهای مرتبط با حوزه نظری و عملی این جنبش‌ها به ویژه اسلام سیاسی سنی.

عنوان کتاب الانساق الاصلاحیه الاسلامیه المعاصره: دراسه فی بنیه العقل الحركی: است که بهترین ترجمه برای آن می‌تواند: «رویکرهای اصلاح طلبانه اسلامی معاصر: پژوهشی در ساختار عقلانیت جنبش‌های اسلامی» باشد. این کتاب که در می ۲۰۲۳ توسط مرکز پژوهش‌های الجزیره منتشر شده است، به بررسی پروژه اسلام سیاسی سنی طی دهه‌های گذشته می‌پردازد و مفروض نویسنده این است که این پروژه با بحران جدی در حوزه نظری و عمل روبه‌رو است. نویسنده افق‌های پیش روی هر نوع نگاه آشتی جویانه بین نظریات سیاسی ساخت اسلام سیاسی و جهان جدید را کاملاً مسدود و تیره و تار می‌بیند و معتقد است که اسلام سیاسی برای تجدید حیات و استمرار یافتن در حوزه عمومی نیازمند بازسازی فکری و سازمانی است.

کتاب با این فرض شروع می‌شود که جنبش‌های اصلاحی اسلامی سنی معاصر در جهان عرب در حال تجربه بحران در پروژه فکری خود هستند و این بحران به رکود در جنبش آنها و انسداد در افق‌های سیاسی آنها منجر شده است. ساخته شده برای مقابله با آنها؛ به ویژه در زمینه انطباق با واقعیت و محدودیت‌های آن، از نظر فکری و سازمانی، انسداد نظام شناختی خود و نیاز به ساختن یک نظام جدید، گشودن دریچه‌های جدیدی را نشان داد که وجود و نقش اصلاح طلبانه‌اش را توجیه می‌کند.

این کتاب بر نیاز جنبش‌های اسلامی معاصر به جستجوی «چارچوب معرفت‌شناختی برای رویکردی اصلاح طلبانه و جدید» تأکید می‌کند که مفاهیم و نقش‌های آن با مقدمات آن همخوانی داشته باشد و هدف آن بازتعریف هویت، نقش، و بینش اسلام سیاسی از خود، جامعه و دولت است. این کتاب در بیش از یک‌هزار صفحه به بررسی رویکردهای مختلف در جریان‌های اسلام سیاسی می‌پردازد. نویسنده بر این باور است که هیچ کدام از جریان‌های اسلام سیاسی نتوانسته‌اند با مفاهیم دنیای جدید واقتضائات آن به درستی وارد تعامل شوند.

اسامی بسیاری از کارنامه فکری و عملی اندیشمندان در جهان عرب از مالک بن نبی گرفته تا محمد عماره و یوسف قرضاوی تا سلیم العوا و فهمی هویدی، محمد فتحي عثمان تا محمد قطب و دیگران از مصر و تونس و سودان در این کتاب مورد ارزیابی قرار گرفته است.^۱

^۱ <https://t.me/mohammadjkhali/1022>